



دقتربلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
کرده تولید محتوا

گفتاوه

فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مبلغان

پاییز ۱۴۰۲ ■ شماره پانزدهم

ویژه نامه مهدویت

- تولد حضرت مهدی عجک الله تعالی
ورحمة الشریف از دیدگاه مذاهب اسلامی / موسی الرضا تیموری
- تحلیل و بررسی مهدویت در تفاسیر مهم مذاهب اسلامی / دکتر مرتضی عبدی چاری
- نشانه های ظهور حضرت مهدی عجک الله تعالی
ورحمة الشریف در صحاح سته / وحید خورشید
- برکات اجتماعی ظهور حضرت مهدی عجک الله تعالی
ورحمة الشریف در روایات فریقین / محمد باغچیقی
- شاخه های جامعه مهدوی از منظر امامیه / علیرضا انصاری
- مهدویت در تفاسیر اهل سنت / ابوالفضل قاسمی
- کتاب شناسی مهدویت در اهل سنت / سید مصطفی عبدالله زاده

را توشه
فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مبلغان
پاییز ۱۴۰۲ - شماره پانزدهم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

معاونت فرهنگی و تبلیغی

◀ صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

◀ مدیر مسؤول:

سعید روستا آزاد

◀ سردبیر:

مصطفی آزادیان

◀ کارشناس اجرایی:

اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سید محمد اکبریان
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ عبدالکریم پاک نیا تبریزی
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی خادمی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	◀ ناصر رفیعی محمدی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سعید روستا آزاد
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ میرنقی قادری
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی نظری منفرد

ویراستار:

سعید احمدی

صفحه آرا:

اکبر اسماعیل پور

مسؤول چاپ و نشر:

سید محمود کریمی

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس:

قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا

تلفن:

کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷

پایگاه اینترنتی:

<http://rahtoosheh.dte.ir>

پست الکترونیک:

tabligh@dte.ir

شمارگان:

۲۰ نسخه

قیمت:

۵۴۰۰۰ تومان



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می گویند: «روحانیین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جوری اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱۳۸۴/۱۱/۵

فهرست مطالب

تولد حضرت مهدی عج از دیدگاه مذاهب اسلامی ۵

حجت الاسلام والمسلمین موسی الرضا تیموری

تحلیل و بررسی مهدویت در تفاسیر مهم مذاهب اسلامی ۲۵

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی عبدی چاری

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عج در صحاح سته ۴۵

حجت الاسلام والمسلمین وحید خورشید

برکات اجتماعی ظهور حضرت مهدی عج در روایات فریقین ۵۷

محمد باغچیقی

شاخصه‌های جامعه مهدوی از منظر امامیه ۶۷

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری

مهدویت در تفاسیر اهل سنت ۷۹

ابوالفضل قاسمی

کتاب‌شناسی مهدویت در اهل سنت ۹۱

حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبدالله‌زاده

تولد حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه مذاهب اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین موسی الرضا تیموری*

مقدمه

از مشترکات مذاهب اسلامی، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت عدل جهانی در آخرالزمان است. این باور از سده‌های نخستین تاریخ اسلام تا اکنون وجود داشته و در آثار و نوشته‌های دانشمندان اسلامی انعکاس یافته است؛ بر این اساس مسئله مهدویت در اعتقادات مذاهب اسلامی اصل مسلم و پذیرفته شده بین مذاهب بوده است؛ لذا اندیشمندان مذاهب اسلامی در طول تاریخ، مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل دولت موعود را در کتاب‌های حدیثی و تاریخی خود نقل کرده و به آن پرداخته‌اند. این مذاهب بر اساس آیات قرآن مبنی بر وعده حکومت صالحان بر جهان، در انتظار تحقق آن وعده الهی‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، موضوع مهدویت را یکی از محورهای وحدت‌بخش در جهان اسلام می‌داند و می‌فرماید:

مسئله مهدویت در اسلام هم جزو مسلمات است؛ یعنی مخصوص شیعه نیست. همه مذاهب اسلامی غایت جهان را که اقامه حکومت حق و عدل به وسیله مهدی، علیه الصلاة والسلام و عجل الله فرجه است، قبول دارند. روایات معتبر از طرق مختلف،

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

در مذاهب گوناگون، از پیغمبر اکرم و از بزرگان نقل شده است.^۱

مشترکات مذاهب در موضوع مهدویت، زمینه‌ساز بررسی و بحث در مسائلی است که به تحقیق نیاز دارد تا در آن موارد نیز به اتفاق نظر برسند؛ از جمله آن موارد، پژوهش درباره تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که آیا از اعتقادات همه پیروان مذاهب اسلامی است و عالمان و اندیشمندان مذاهب در گفتار و نوشتار خود به آن تصریح کرده‌اند یا ویژه شیعه است و دیگر مذاهب عقیده دارند که آن حضرت هنوز متولد نشده و در آخرالزمان متولد خواهد شد؟ به اعتقاد علمای شیعه، تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اجماعی است و از ضروریات مذهب شیعه به‌شمار می‌آید. این اعتقاد در آثار کهن شیعی تا دوره‌های کنونی به ثبت رسیده است؛ اما اهل سنت درباره مسئله تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دو گونه اعتقاد دارند. گروهی منکر ولادت آن حضرت‌اند؛ اما بسیاری دیگر در منابع کلامی، حدیثی، تاریخی و ادبی خود به تولد ایشان تصریح کرده‌اند.

برای بررسی ولادت حضرت مهدی، می‌توان دلایل متعددی را از منابع حدیثی، تاریخی و گفتار عالمان و اندیشمندان مذاهب ارائه نمود که به برخی از آن موارد اشاره می‌شود.

۱. حدیث ثقلین، دلیل عام بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

حدیث نبوی ثقلین، میراث مشترک مذاهب اسلامی است و همه مسلمانان در آن اتفاق نظر دارند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین، آینده امت اسلامی را ترسیم فرمود و امت خود را به کتاب خدا و اهل بیت عصمت و طهارت ارجاع داده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ اثْنَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي. أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ وَ إِثْمُهُمَا لَنْ يُفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ»؛^۲ من در میان شما دو گوهر گران‌بها قرار می‌دهم: کتاب خدا و عترت و اهل‌بیتم را که یکی (قرآن) از دیگری بزرگ‌تر است و آن دو از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

این حدیث نکات بسیار دقیقی را بیان می‌کند و همانند مشعلی پرفروغ، راه پرپیچ‌وخم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را به امت اسلامی نشان می‌دهد. از قسمت اول حدیث (عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي) به‌خوبی می‌شود فهمید که مهدی عجل الله تعالی فرجه، از اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است. کسی که در روایات متعدد به اسم او

۱. بیانات در جمع استادان و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹ و طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۶۶، حدیث ۴۹۶۹.

تصریح شده است. سیوطی در کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی به نقل از ابونعیم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: «المهدی منا اهل البيت رجل من امتی اشم الانف یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً»^۱؛ مهدی از ما اهل بیت است که زمین را پر از عدل و قسط می کند؛ آن هنگام که ظلم و جور آن را فرا گرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمود: «المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدرّی»^۲؛ مهدی، مردی از فرزندان من است که صورت او همانند ماه درخشان نورافشانی می کند.

طبق این روایات، بی تردید مهدی علیه السلام، از فرزندان پیامبر و از نسل حضرت زهرا علیها السلام است. جمله «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» در قسمت دوم روایت، بیانگر این مطلب است که قرآن و اهل بیت علیهم السلام، در همه دوران بعد از پیامبر باید در جامعه حضور داشته باشند و هرگز نباید از یکدیگر جدا شوند تا در قیامت و در کنار حوض کوثر به پیامبر صلی الله علیه و آله برگردند. «مناوی» (از علمای اهل سنت) در توضیح این قسمت از حدیث ثقلین می نویسد: «این حدیث بر این دلالت دارد که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کسی باید باشد که در همه زمانها تا روز قیامت همانند قرآن، بین جامعه حضور داشته باشد و مثل قرآن بتوان از آنان پیروی کرد و لذا آنان امان برای اهل زمین هستند. وقتی که آنان از روی زمین بروند، اهل زمین هم نابود می شوند»^۳.

این کلام مناوی به حدیث شریف نبوی اشاره دارد که فرمود: «النجوم امان لاهل السماء فان طمست النجوم آتی السماء ما یوعدون (الی ان قال) و اهل بیته امان لامتی فاذا ذهب اهل بیته آتی امتی ما یوعدون»^۴؛ ستارگان باعث امان آسمانی هاینند. هرگاه از آسمان زدوده شوند، عذاب وعده داده شده اهل آسمان را فرامی گیرد؛ همچنین اهل بیت من باعث امان امت اند؛ هرگاه زمین خالی از آنان شود امت من با عذاب و نابودی روبرو می شود.

حدیث ثقلین، خود دلیلی عام بر تولد حضرت مهدی علیه السلام است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله وعده داده است که زمین، خالی از اهل بیت آن حضرت نخواهد بود و هرگاه خالی شود، عذاب الهی بر زمین نازل می گردد. طبق تصریح روایاتی که ائمه دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام را بیان می کند همه آن

۱. سیوطی، العرف الوردی فی اخبار المهدی، ص ۱۹، حدیث ۵.

۲. همان، ص ۵۵، حدیث ۸۰.

۳. فیض القدر، ج ۳، ص ۱۴-۲۰، با تلخیص.

۴. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۴۵۸ و متقی هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۱۰۲،

حدیث ۳۴۱۹۰.

بزرگواران به شهادت رسیدند و تنها وارث ائمه و یادگار آنان حضرت مهدی علیه السلام است که باید متولد شده باشد تا مصداق عدم جدایی و افتراق قرآن و اهل بیت شود.

۲. گفتار اندیشمندان مذاهب درباره وقوع ولادت حضرت مهدی علیه السلام و تصریح به انتساب ایشان به امام حسن عسکری علیه السلام

بسیاری از علمای شیعه و سنی تصریح کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام، همان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و متولد شده است و آن حضرت، یکی از خلفای دوازده‌گانه‌ای است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امت، بشارت آنان را داده بود؛ چنانچه این روایت را احمد بن حنبل در مسند خود از مسروق نقل می‌کند:

نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم. او به تلاوت قرآن مشغول بود. مردی به او گفت: ای ابوعبدالرحمان! آیا از رسول خدا سؤال کردید که این امت چند خلیفه خواهد داشت؟ عبدالله گفت: از آن زمان که به عراق آمده‌ام هیچ‌کس در این باره سؤالی از من نکرده است. آن‌گاه گفت: آری! ما از رسول خدا پرسیدیم و ایشان فرمود: اثنی عشر کعبه نعباء بنی اسرائیل؛ آنان دوازده نفر همانند نعباء و سرپرستان بنی اسرائیل اند.^۱

نام برخی از عالمان و نویسندگان مذاهب اسلامی که به ولادت حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده و حتی ایشان را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانند، در پی می‌آید.

الف. محمد ابن یعقوب کلینی (۲۵۵-۳۲۹ ق) عالم بزرگ شیعه در کتاب ارزشمند اصول کافی می‌نویسد: «ولد للنصف من شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین»؛^۲ مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق به دنیا آمده است.

ب. محمد ابن نعمان مشهور به شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ق) از عالمان بزرگ علم کلام و فقیه امامیه در این باره بیان می‌دارد: «و کان عمره عند وفاة ابیه خمس سنین. اتاه الله تعالی فیها الحکمه کما اتاها یحیی صبیاً و جعله اماماً فی حال الطفولیة»؛^۳ حضرت مهدی علیه السلام در سال شهادت پدر بزرگوارش پنج‌ساله بود و خداوند به او حکمت عنایت فرمود و او را امام جامعه اسلامی قرار داد؛ چنانچه به حضرت یحیی علیه السلام حکمت عنایت فرمود.

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۹۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۳. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۳۹.

ج. فضل بن حسن بن فضل طبرسی (۴۶۷-۵۴۸ ق) ملقب به امین الاسلام، از مفسران نامدار شیعه و نویسنده تفسیر مجمع البیان به ولادت حضرت علیه السلام تصریح می‌کند و می‌نویسد: «ولد علیه السلام، بسر من رأى ليلة النصف من شعبان قبل طلوع الفجر سنه ۲۵۵ خمس و خمسين و مأتین من الهجرة»؛^۱ حضرت مهدی علیه السلام در سامراء در شب نیمه شعبان قبل از طلوع فجر در سال ۲۵۵ هجری ولادت یافت.

د. علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ ش) صاحب تفسیر گران سنگ المیزان در کتاب شیعه در اسلام بیان می‌کند: «حضرت مهدی موعود علیه السلام فرزند امام یازدهم که اسمش مطابق با اسم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ در سامرا متولد شدند».^۲

هـ. عبدالوهاب شعرانی (۸۹۸-۹۷۳ ق) عارف بزرگ و دانشمند نامی اهل سنت (متوفای ۹۷۳) در کتاب الیواقیت و الجواهر در باب شصت و پنجم می‌نویسد: «فی بیان جمیع شروط الساعه آلتی اخبر بها الشارع صلی الله علیه و آله حق لا بد ان تقع کلها قبل قیام الساعه و ذلك كخروج المهدي علیه السلام؛ ثم الدجال؛ ثم نزول عیسی و خروج الدابة و طلوع الشمس من مغربها و فتح سد يأجوج و مأجوج؛ حتی لو لم یبق من الدنيا الا مقدار یوم واحد لوقع ذلك كله». وی بعد از ذکر علائم آخرالزمان و تصدیق به آن‌ها مانند ظهور حضرت مهدی علیه السلام و آمدن دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام در توصیف حضرت مهدی علیه السلام می‌نویسد: «و هو (المهدی) من اولاد الامام الحسن العسكري و مولده ليله النصف من شعبان سنه خمس و خمیس و مأتین و هو باقی الی ان یجتمع بعیسی بن مریم»؛^۳ حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است که ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری واقع شد و هم‌اکنون زنده است تا اینکه خداوند عیسی بن مریم را با وی گردآورد؛ بنابراین سن مهدی تا زمان ما یعنی سال ۹۵۸ ق، هفتصد و شش سال است.

شعرانی علاوه بر تصریح به ولادت حضرت مهدی علیه السلام و بیان تاریخ آن، او را فرزند امام عسکری علیه السلام می‌داند؛ همچنین جریان ملاقات با آن حضرت را نیز نقل و تأییدیه استادش را بیان می‌کند و می‌نویسد: «چنین خبر داد به من شیخ حسن عراقی مدفون در بلندی کوم الرّش مشرف بر برکه رطلی در مصر، از خود امام مهدی علیه السلام در وقتی که به ملاقات او توفیق یافته بود و استادم

۱. احمد بن علی طبرسی، تاج الموالید، ص ۶۱.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۴۸.

۳. عبدالوهاب شعرانی، الیواقیت و الجواهر، جزء دوم، ص ۵۶۲.

شیخ علی خواص هم آن را گواهی کرد.^۱

و. ابن حجر هیشمی (۹۰۹-۹۷۴ ق) بعد از شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد: «و لم یخلف غیر ولده ابوالقاسم محمد الحججه و عمره عند وفاه ابيه خمس سنين؛ لکن آتاه الله الحکمه و یسمی القائم المنتظر»؛^۲ حضرت عسکری علیه السلام فقط یک فرزند به نام محمد الحججه برجا گذاشت که در هنگام وفات پدر، پنج ساله بود؛ اما خداوند به او حکمت بخشید. او قائم منتظر نامیده شده است.

ز. نورالدین علی ابن محمد صباغ مالکی (۷۸۴-۸۵۵ ق) در کتاب الفصول المهمه فی معرفه الائمه بعد از ذکر ائمه اهل بیت علیهم السلام، و شرح حال آنان، در فصل دوازدهم کتاب می نویسد: ولد ابوالقاسم محمد الحججه بن الحسن الخالص بسرّ من رأى ليله النصف من شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین للهجره. و امّا نسبه أباً و أمّاً فهو ابوالقاسم محمد الحججه بن الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب، صلوات الله علیهم اجمعین. و امّا أمّه فأم ولد یقال لها: نرجس خیر امّه و قيل اسمها غیر ذلك. و امّا کنیته فأبوالقاسم. و امّا لقبه فالحججه و المهدي و الخلف الصالح و القائم المنتظر و صاحب الزمان و اشهرها المهدي.^۳

وی با ذکر همه مشخصات امام مهدی و بیان نام پدر و مادر و صفات وی و سلسله اجداد آن حضرت، سال تولدش را نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری می داند.

ح. سبط ابن جوزی (۵۸۲-۶۵۴ ق) فقیه و واعظ مشهور (شمس الدین ابوالمظفر یوسف نوه دختری ابوالفرج ابن جوزی) کتاب معروفی به نام تذکره النواصی الائمه دارد که در آن کتاب پس از شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام و فرزندان آن حضرت، می نویسد: «از جمله ایشان، امام محمد است». بعد می نویسد: «فصل فی ذکر الحججه المهدي و هو محمد بن الحسن ابن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی ابن ابی طالب و کنیته ابو عبدالله و ابوالقاسم و هو الحججه صاحب الزمان القائم المنتظر و التالي و هو الآخر الائمه و یقال له ذوالاسمین محمد و ابوالقاسم قالوا: أمّه امّ ولد یقال لها صیقل».

۱. همان.

۲. ابن حجر هیشمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۶۰۱.

۳. ابن صباغ المالکی، الفصول المهمه، ص ۲۸۱.

وی، سلسله اجداد آن امام را بیان می‌کند و او را فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین نفر از ائمه اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌نماید. ابن جوزی در ادامه بحث به دو حدیث از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌کند که آن حضرت فرمود:

مردی از فرزندان من در آخرالزمان، ظهور می‌کند که نامش نام من و کنیه‌اش، کنیه من است. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ چنانکه پر از ظلم شده باشد. او مهدی است. این حدیث مشهوری است که ابوداود و زهری از علی علیه السلام هم به این مضمون روایت کرده‌اند و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لو لم یبق من الذّهر الاّ یوم واحد لبعث الله من اهل بیتی من یملا الارض عدلاً»؛ اگر فقط یک روز از روزگار باقی مانده باشد در همان روز، خداوند شخصی از اهل بیت مرا برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل و داد کند.^۱

ط. ابن خلکان (۶۰۸-۶۸۱ ق) دانشمند مشهور و مورخ نامی اشعری مسلک و شافعی مذهب، در کتاب تاریخ خود، به نام و فیات الاعیان در شرح حال حضرت مهدی علیه السلام می‌نویسد: ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد المذکور قبله، ثانی عشر الائمة الاثنی عشر علی اعتقاد الشیعه، المعروف بالحجه و هو الذی تزعم الشیعه انه المنتظر و القائم و المهدی و هو صاحب السرداب عندهم و هم یظنّون ظهوره فی آخرالزمان من سرداب بسرّ من رأی. کانت ولادته یوم الجمعه منتصف شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین و لما توفی ابوه - و قد سبق ذکره - کان عمره خمس سنین و اسم امّه خمط و قیل نرجس. و الشیعه یقولون: انه دخل السرداب فی دار اُبیّه و امّه تنظر الیه فلم یعد. ینخرج الیها و ذلک فی سنه خمس و ستین و مأتین و عمره یومئذ تسع سنین.

وی با ذکر مشخصات امام مهدی و تصریح به ولادت آن حضرت به جریان غیبت آن حضرت در سرداب می‌پردازد و برخی چیزها مثل ظهور حضرت از سرداب را به شیعیان منتسب می‌کند که صحت ندارد و علمای شیعه پاسخ کافی و مستدل داده‌اند.

وی همچنین در ترجمه امام حسن عسکری علیه السلام می‌نویسد: «و هو والد المنتظر صاحب السرداب یعرف بالعسکری».^۲

ی. ابن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ ق) مورخ و صاحب کتاب مشهور الکامل فی التاریخ در ذیل

۱. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۵-۳۲۶.

۲. ابن خلکان، و فیات الاعیان بأبناء أبناء الزمان، ج ۴، ص ۵۶۲.

حوادث سال ۲۶۰ ق می نویسد: «و فیها توفی ابو محمد العلوی العسکری و هو احد الائمة الاثنی عشر علی مذهب الامامیه و هو والد محمد الذی یعتقدونه المنتظر بسرداب سامرا و کان مولده سنه اثنتین و ثلاثین و مأتین»؛^۱ ابو محمد عسکری در سال ۲۶۰ وفات یافت. او پدر محمد است که شیعه او را یکی از ائمه اثنا عشر و منتظر می داند.

ک. شمس الدین ذهبی دمشقی (۶۷۳-۷۴۸ ق) از مورخان و محدثان اهل سنت در کتاب های متعدد به شرح حال حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است. او سعی دارد که مهدی موعود را غیر از فرزند امام عسکری بداند؛ باین حال، به تولد چنین فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام تصریح می کند. وی در کتاب العبر فی اخبار من غیر می نویسد:

و فیها محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی ابوالقاسم الذی تلقبه الرافضه: الخلف الحجه و تلقبه بالمهدی و بالمنتظر و تلقبه بصاحب الزمان و هو خاتمه الاثنی عشر و ضلال الرافضه ما علیه مزید؛ فانهم یزعمون انه دخل السرداب الذی بسامرا فاخفی و الی الان و کان عمره لما عدم تسع سنین او دونها.^۲

وی با تصریح به سلسله اجداد امام مهدی و تولد وی از امام حسن عسکری و بیان این نکته که او خاتم ائمه دوازده گانه است به جریان سرداب می پردازد و با تهمت زنی به شیعه، سعی می کند که او را در سرداب سامرا مخفی کند و این عقیده را به شیعه نسبت می دهد؛ در حالی که عالمان شیعه به ظهور و اختفاء امام مهدی از سرداب عقیده ندارند؛ بلکه سرداب را منزل امام عسکری علیه السلام می دانند؛ چنانچه علامه امینی در الغدیر افتراء سرداب را زشت تر از دیگر تهمت ها می داند و می نویسد:

و الشیعه لا تری ان غیبه الامام فی السرداب و لا هم غیبوه فیه و لا انه یظهر منه و انما اعتقادهم المدعوم باحادیثهم انه یظهر بمکه المعظمه تجاه البیت و لم یقل احد فی السرداب انه مغیب ذلک النور و انما هو سرداب دار الائمة بسامرا؛^۳ سرداب، خانه امامان بوده است که برای حفاظت از گرما ساخته شده بود؛ لذا هیچ یک از شیعیان عقیده ندارد که امام در سرداب غایب شده و از آنجا ظهور می کند؛ بلکه شیعیان با

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴.

۲. ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳. عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۳، ص ۳۰۸.

تبعیت از احادیث عقیده دارند که آن حضرت از مکه و در کنار خانه خدا ظهور می‌کند.

ذهبی نیز در کتاب سیر اعلام النبلاء به تفصیل شرح حال امام با ذکر سلسله اجداد او را نام می‌برد. نکته جالب اینکه او، حضرت را با لقب «المنتظر الشریف» یاد می‌کند:

المنتظر الشریف ابوالقاسم محمد بن الحسن العسكري ابن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم ابن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن زین العابدین بن علی بن الحسین الشهید ابن الامام علی ابن ابی طالب، العلوی الحسینی، خاتمه الاثنی عشر، سیداً، الذین تدعی الامامیه عصمتهم - ولا عصمه الا لنبی.^۱

وی در این کتاب تصریح می‌کند که محمد، فرزند امام عسکری و خاتمه دوازده امام است و به نظر شیعه، او همان مهدی موعود است.

ل. کمال‌الدین محمد ابن طلحه شافعی (۶۵۲-۵۸۲ ق) از فقها و دانشمندان و مفتیان شافعی مذهب است که نویسنده کتاب طبقات الشافعیه، او را از بزرگان فقه و اصول می‌داند و از دانشمندان عقاید و مذاهب می‌شمرد. ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء از او با عنوان علامه یگانه عصر یاد می‌کند که در معارف دین متبحر است.^۲ او کتابی به نام مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول دارد که دوازده باب است. ابن تیمیه نیز انتساب این کتاب را به وی درست می‌داند. ابن طلحه شافعی در باب یازدهم کتاب خود به ذکر امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازد و می‌نویسد: «منقبت و مزیت بزرگی که خداوند به وی اختصاص داده و آن را صفت دائمی او نموده است و جهان، آن را کهنه نمی‌گرداند و زبان‌های مردم آن را فراموش نمی‌کند. این است که محمد مهدی را از نسل او قرار داده و پسر اوست».

وی در باب دوازدهم در توصیف حضرت مهدی علیه السلام، می‌نویسد:

الباب الثانی عشر فی ابی القاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل بن محمد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الزکی بن علی المرتضی بن ابی طالب، المهدی الحجه الخلف الصالح المنتظر، علیهم السلام و رحمه الله و برکاته.

ابن طلحه با تصریح بر سلسله اجداد امام مهدی علیه السلام او را فرزند امام حسن عسکری می‌داند و

۱. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۰۶، شماره ۲۲۷۸، دارالفکر.

۲. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۵۳، مؤسسه الرساله.

القاب «حجت، خلف صالح و منتظر» را درباره آن حضرت ذکر می‌کند.

وی درباره زمان و مکان تولد و نسب آن حضرت می‌نویسد:

و أمّا مولده فبسرّ من رأى فى ثالث و عشرين شهر رمضان ثمان و خمسين و مأتين للهجره. و أمّا نسبه اباً و أمّاً فأبوه محمد الحسن الخالص بن على المتوكل بن محمد القانع بن على الرضا بن موسى الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن على زين العابدين بن الحسين الزكى بن على المرتضى امير المؤمنين. و أمّه أمّ ولد تسمى صقيل و قيل حكيمه و قيل غير ذلك. و أمّا اسمه محمد و كنيته ابوالقاسم و لقبه الحجه و الخلف الصالح و قيل المنتظر.

ابن طلحه تولد حضرت را در «سرّ من رأى» (سامرا) می‌داند. پدر امام مهدی را، امام حسن عسکری و مادرش را صقيل يا حكيمه ذکر کرده است. القاب آن حضرت را نیز ذکر می‌کند. وی تاریخ ولادت حضرت را در بیست و سوم ماه مبارک رمضان سال ۲۵۸ ذکر کرده است که البته در این باره دچار اشتباه شده است؛ زیرا دلایل متعددی وجود دارد که ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ در ماه شعبان واقع شده است.

ابن طلحه شافعی در همین باب اشعار زیبایی درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه ذکر می‌کند:

فهذا الخلف الحجه قد ایده الله
هدانا فامنهج الحق و آتاه سجایاه
و اعلى فى ذرى العلیا بالتأيید مرقاه
و آتاه حلى فضل عظیم فتحلاه
و قد قال رسول الله قولاً قد رویناه
و ذوالعلم بما قال اذاً ادرك معناه
یرى الاخبار فى المهدى جائت بسّمّاه
و یکفى قوله مّنى لاشراق محیاه
و لن یبلغ ما ادیته امثال و اشباه
فان قالوا هو المهدى ما حانوا بما فاه^۱

این خلف حجت را خداوند تأیید کرده و ما را با شناخت او به راه راست هدایت نموده است. پیامبر درباره او سخن گفته است که ما آن را روایت کرده‌ایم و علمای ما نیز معنای آن را درک کرده‌اند. علما می‌بینند که احادیث درباره مهدی بر وفق مسمی درآمده و تطبیق دارد. کافی است کلام پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: او از نسل و سلاله حضرت زهرا علیها السلام است. هرگز کسی چنین علائم و

۱. محمد بن طلحه الشافعی، مطالب السؤؤل فى مناقب آل الرسول، ص ۴۷۹-۴۸۱.

شمایلی که خداوند به مهدی داده را به دست نیاورده است.

م. شبلنجی مصری (سید مؤمن بن حسن شبلنجی مصری، ۱۲۵۰-۱۳۰۸ ق) نویسنده کتاب نورالابصار فی مناقب آل البيت النبى المختار فصلی را درباره حضرت مهدی علیه السلام گشوده است و می نویسد:

فصل فی ذکر مناقب محمد بن الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الحسین بن علی بن ابی طالب، رضی الله عنهم. أمه ام ولد و يقال لها نرجس و قيل صقیل و قيل سوسن و کنیته ابوالقاسم و لقبه الامامیه بالحجه و المهدي و الخلف الصالح و القائم و المنتظر و صاحب الزمان و اشهرها المهدي، شاب مربع القامه حسن الوجه و الشعر، یسبل شعره علی منکبیه اقنی الانف اجلی الجبهه بوابه محمد بن عثمان (معاصره) المعتمد و هو آخر الائمة الاثنی عشر علی مذهب الامامیه.^۱

شبلنجی بعد از بیان سلسله اجداد حضرت و ذکر نام پدر و مادر آن امام، به ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری و صفتهای او می پردازد و او را آخرین از دوازده امام طبق دیدگاه شیعه اعلام می کند.

ن. شبرای شافعی (شیخ عبدالله بن محمد شبرای شافعی) از بزرگان علمای مصر که در سال ۱۱۳۷ به ریاست جامعه الازهر رسید و در سال ۱۱۷۲ قمری وفات کرد، در کتاب الاتحاف بحب الاشراف که در مناقب اهل بیت و فضائل آنان است، چنین نوشته است:

الثانی عشر من الائمة ابوالقاسم محمد الحجه الامام قیل هو المهدي المنتظر، ولد الامام محمد الحجه ابن الامام الحسن الخالص، رضی الله عنه بسر من رأى ليله النصف من شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین قبل موت ابیه بخمس سنین و كان ابوه قد اخفاه حين ولد و ستر امره لصعوبه الوقت و خوفه من الخلفاء فانهم كانوا فی ذلك الوقت يتطلبون الهاشميين و يقصدونهم بالحبس و القتل و یریدون اعدامهم و كان الامام محمد الحجه یلقب ایضاً بالمهدي و القائم و المنتظر و الخلف الصالح و صاحب الزمان و اشهرها المهدي و لذلك ذهب الشيعه انه الذي صحّت الاحادیث بانّه یظهر فی آخر الزمان و أنّه موجود فی السرداب الذي دخله فی سر من رأى و لهم فی ذلك تألیف و الصحيح خلاف ما ذهبوا اليه و ان المهدي الذي صحّت به الاحادیث و انه

۱. شبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بيت النبي المختار، ص ۳۴۲.

یظهر فی آخر الزمان خلافه و ان كان اشرف آل البيت الکریم، لکنه یولد و ینشا لغيره لا اَنه من المعمرین و قد اشرق نور هذه السلسله الهاشمیه و البیضه الطاهره النبویه و العصابه العلویه و هم اثنا عشر اماماً مناقبهم علیه و صفاتهم سنیه و نفوسهم شریفه أیبه و أرومتهم کریمه محمدیه و هم محمد الحجه بن الحسن الخالص بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الامام الحسین اخی الامام الحسن ولدی اللیث الغالب علی ابن ابی طالب.^۱

شبرای با تصریح به نام و القاب امام و ذکر دقیق تاریخ ولادت آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری و نام پدر آن حضرت و علل مخفی نگه داشتن حضرت در زمان تولد و بعد از آن بیان می کند که مهدی موعود طبق نظر شیعه دوازدهمین امام است که همان محمد بن الحسن المهدی است و احادیث نیز بر آن مطابقت دارد؛ اما ظاهراً او متولد نشده است و در آخر الزمان متولد می شود. جالب است که وی در شرح حال امام حسن عسکری می نویسد: «و یکفیه شرفاً انّ الامام المهدی المنتظر من اولاده»؛^۲ همین شرافت بر امام حسن عسکری بس است که امام مهدی منتظر، فرزند او است.

با این صراحت، چرا وی قائل است که مهدی موعود، همین شخص نیست و در آینده متولد خواهد شد. مگر طبق احادیث نبوی، ائمه و خلفا از دوازده نفر بیشترند که شبرای علاوه بر فرزند امام حسن عسکری که به تصریح خودش دوازدهمین از ائمه است مهدی موعود را نیز غیر از ایشان می داند؟ لابد وی را سیزدهمین از ائمه معرفی می کند که خلاف تصریح روایت جابر از پیامبر خداست؛ زیرا آن حضرت فرمود: «أنا سید النبیین و علی سید الوصیین و انّ اوصیائی بعدی اثنا عشر، اولهم علی و آخرهم القائم المهدی».^۳

اگر امامان، دوازده نفرند و امام مهدی، فرزند امام عسکری است؛ پس قطعاً موعود و منجی نیز همان ایشان است و آخرین دوازده امام نیز آن حضرت است.

س. قندوزی حنفی (۱۲۲۰-۱۲۹۴ ق) صاحب کتاب ینایع الموده از علمای بزرگ حنفی مذهب و عرفای نامی اهل سنت در قسمت های مختلف این کتاب، به ذکر نام و اوصاف

۱. شبرای شافعی، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۳۸۰-۳۶۹.

۲. همان، ص ۳۶۶.

۳. حنفی قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۵۳۴، دارالعرفان.

حضرت مهدی علیه السلام می پردازد و می نویسد:

و عمره (أبی القاسم محمد الحجه) عند وفاه ابیه خمس سنین؛ لکن آتاه الله تعالی الحکمه و یسمی القائم المنتظر؛ لانه ستر و غاب فلم یعرف این ذهب (انتهت الصواعق) فالخبر المعلوم المحقق عند الثقات أنّ ولاده القائم علیه السلام كانت لیله الخامس عشر من شعبان سنه خمس و خمسين و مأتین فی بلده سامرا عند القران الاصغر الذی کان فی القوس و هو رابع القران الاکبر الذی کان فی القوس و کان الطالع الدرجه الخامسه و العشرین من السرطان؛^۱

این عبارت قندوزی نشان می دهد که ولادت آن حضرت در نزد محققین قابل اعتماد، شب نیمه شعبان در سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا واقع شد. قندوزی حتی وضعیت هلال ماه را هم به تصویر می کشد و تاریخ دقیق هلال را در آن سال و روز به ثبت رسانده است.

وی بعد از این رخداد مهم و تولد امام مهدی می نویسد:

ابو محمد الحسن العسکری آری ولده القائم المهدی لخواص موالیه و اعلمهم أنّ الامام من بعده ولده، رضی الله عنهما. و فی کتاب الغیبه عن أبی غانم الخادم قال: ولد لابی محمد الحسن مولود فسمّاه محمداً فعرضه علی اصحابه یوم الثالث و قال: هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم و هو القائم الذی تمتدّ علیه الاعناق بالانتظار فاذا امتلأت الارض جوراً و ظلماً خرج فملأها قسطاً و عدلاً؛^۲ حضرت امام حسن عسکری، فرزندش مهدی را به خواص از اصحابش نشان می داد و به آنان اعلام می کرد که وی امام بعد از اوست. أبی غانم خادم امام نقل می کند: حضرت عسکری فرزندش را محمد نام نهاد و در روز سوم تولد او را به یارانش نشان داد و گفت: این امام شما و خلیفه من بر شما بعد از من است و او همان قائمی است که مردم در انتظار اویند و زمانی که زمین از ظلم و ستم پر شود ظهور می کند و قسط و عدل را برپا می نماید.

ع. فضل بن روزبهان خنجی (۸۵۰-۹۲۷ ق) از علمای شافعی مذهب و صوفی مسلک قرن نهم و دهم هجری که به «خواجه ملاً» شهرت دارد در مقدمه کتابش به نام وسیله الخادم الی المخدوم با موضوع شرح صلوات و توسل به اهل بیت علیهم السلام، می نویسد: «اندیشه کردم تا از اصحاب قبور، جماعتی اختیار کنم جهت استعانت که قبر هر یک، بیت المعمور جهان آخرت و

۱. حنفی قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، دارالاسوه.

۲. حنفی قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۲۳، دارالعرفان.

کعبه مقاصد اصحاب حاجت باشد».

ابن روزبهان مقصود خود را محصور در چهارده معصوم پاک یافته که قبور ایشان همچون صندوق‌های افلاک زیور خاکیان است. از آنجاکه نمی‌توانسته مراقب آن بزرگواران را زیارت کند به صدق همه و وجه کامل دل را به محبت و ولای ایشان مشعوف گردانده است و مصمم شده تا متن صلواتی را برای آن عزیزان تدوین کند؛ زیرا طریق نجات از بلیات و سبیل حصول مقاصد و حاجات را در این توجه و ابلاغ صلوات منحصر می‌بیند.^۱

وی در این کتاب بر حضرت مهدی علیه السلام چنین صلوات می‌فرستد: «اللهم و صلِّ و سلِّم علی الامام الثانی عشر». او به صورت مفصل، بحث حضرت مهدی علیه السلام و احادیث نبوی درباره آن حضرت و اختلاف‌ها درباره ایشان را بیان می‌کند و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند:

مختار ما آن است که وجود مهدی در آخر زمان، واجب است که بر آن حکم کنند؛ بنا بر احادیث صحیحیه که یادکردیم و واجب است که حکم کنند که از اولاد فاطمه، علیها السلام است و نام او محمد است. اکنون این صفات تمامی در محمد بن الحسن جمع است. طایفه‌ای عظیم از مؤمنان بر آن رفته‌اند که او محمد بن الحسن است. آثار و حکایات و اخبار بسیاری را روایت می‌کنند تا به غایتی که به حد استفاضه و تواتر رسیده است. بدان که مهدی موعود، محمد ابن الحسن است، با هیچ قاعده‌ای از قواعد اسلام منافات ندارد و در هیچ حکم از احکام شریعت قدحی و خلعی پیدا نمی‌کند؛ بلکه اولی و آنسب آن است که او باشد زیرا که عدد دوازده امام که در حدیث به آن اشارت واقع شده به وجود محمد بن الحسن تمام می‌شود و آن مهدی موعود که در حدیث بدان واقع شده که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و عالم را از عدل، مالا مال خواهد ساخت. اگر محمد بن الحسن باشد نسب او از همه شریف‌تر باشد و نظم دوازده امام به وجود مهدی موعود تکمیل شده باشد و اثر امامت و خلافت هم در این مسلک کمال یافته باشد و عالم از عدل او تازه گردد و فایده آن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله، دوازده امام را همچون دوازده نقیب بنی اسرائیل خواهد بر آن تقدیر ظاهر شود؛ پس به حسب احتیاط در آن امر موافقت با امامیه می‌کنیم و می‌گوییم مهدی موعود، محمد بن الحسن است و او قائم منتظر است و چون وعده او برسد ظهور خواهد کرد و عالم را از عدل و احسان مالا مال خواهد ساخت و جور و طغیان را از جهان دور خواهد

۱. فضل بن روزبهان، وسیله الخادم الی المخدوم، ص ۲۷.

گردانید و حالا آثار لطف او به خاصان می‌رسد.

ابن روزبهان بعد از ذکر این موارد می‌نویسد:

به هرتقدیر، احتیاط آن است که اختیار کنیم و اعتقاد نماییم که مهدی موعود در آخرالزمان، حضرت امام معصوم محمد مهدی ابن الامام اَبی محمد الحسن العسکری است. القائم المنتظر، العالم المقتدر، وارث الصفوه المصطفویه و القوه المرتضویه و العزائم الحسنيه و العباده العلویه و العلوم الباقریه و الامامه الصادقیه و الاخلاق الکاظمیه و المعارف الرضویه و الکرامات التقویه و المقامات النقیه و العساکر العسکریه الذی فاق الانام کراهه و فضلا الامام المودود و المظهر الموعود اَبی القاسم محمدالمهدی العبد الصالح و الحجه القائم المنتظر لزمان الظهور.

وی به تفصیل به شرح القاب آن حضرت می‌پردازد و در ادامه بحث حکایت تشرف «اسماعیل هرقلی» و شفایافتن وی از سوی حضرت مهدی علیه السلام را ذکر می‌کند و بعد از نقل آن حکایت حال خود را می‌گوید که از شوق آن جمال، هنگام نوشتن حکایت، این غزل را سروده است:

در رهی دیدم مهی حیران آن ماهم هنوز	عمر رفت و من مقیم آن سر راهم هنوز
چون نسیم صبحگاهی بر من بی‌دل گذشت	من نسیم وصل آن مه را، هواخواهم هنوز
می‌فزاید مهر او هر روز در خاطر مرا	گرچه من کاهیده‌ام از درد می‌کاهم هنوز
گرچه آه آتشینم خرم‌ن جان سوخته	می‌رود تا اوج گردون آتش آهم هنوز
شوق آن دیدار، غافل کرده از عالم مرا	تو نینداری که من از خویش آگاهم هنوز
انتظار شاه مهدی می‌کشد عمری امین	رفت عمر و در امید طلعت شاهم هنوز

وی در قصیده‌ای دیگر که به زبان عربی است و با سلام و صلوات بر پیامبر و اهل بیت شروع می‌شود در وصف امام مهدی علیه السلام، چنین می‌سراید:

سلام علی القائم المنتظر	أبی القاسم القرم نور الهدی
سیطلع کالشمس فی غاسق	ینجیه من سیفه المنتفی
تری یملا الارض من عدله	کما ملئت جور اهل الهوی

او در این قصیده با سلام بر امام مهدی، ظهور کسی را بشارت می‌دهد که موجب عدالت‌گستری در زمین می‌شود.

ف. خیرالدین زرکلی (۱۳۱۰-۱۳۹۶ ق)، در کتاب الاعلام خود که قاموس رجالی است در

شرح حال حضرت مهدی علیه السلام می نویسد:

المهدی المنتظر محمد بن الحسن العسكري الخالص بن علی الهادی، ابوالقاسم، آخر الائمة الاثني عشر عند الاماميه و هو المعروف عندهم بالمهدي و صاحب الزمان و المنتظر و الحجة و صاحب السرداب، ولد في سامراء و مات ابوه و له من العمر نحو خمس سنين و لما بلغ التاسعة او العاشرة او التاسعة عشره دخل سردابا في دار ابيه بسامراء و لم يخرج منه.^۱

وی با تصریح به لقب حضرت مهدی علیه السلام و لقب منتظر، او را فرزند امام عسکری می داند و جریان تولد آن حضرت در سامرا را بیان می کند؛ ولی غیبت حضرت را در سرداب ذکر کرده است که قبلاً درباره آن توضیح دادیم.

ز. احمد بن سنان قرمانی دمشقی (۱۰۱۹ ق) نویسنده کتاب معروف اخبار الدول و آثار الاول فی التاريخ در فصل یازدهم کتاب می نویسد:

في ذكر الخلف الصالح الامام أبي القاسم محمد بن الحسن العسكري، رضى الله عنه و كان عمره عند وفاه ابيه خمس سنين آتاه الله فيها الحكمة كما اوتيتها يحيى عليه السلام، صبيا. و كان مربوع القامة حسن الوجه و الشعر أفنى الانف اجلى الجبهة؛^۲ امام ابوالقاسم محمد، خلف صالح، فرزند امام حسن عسکری که در زمان رحلت پدر، پنج ساله بود، خداوند به او در آن سن کم، حکمت عطا نمود؛ چنانچه به یحیای پیامبر داد. آن حضرت، قامتی متوسط، خوش صورت، زیبامو، بینی ای برآمده و گشاده پیشانی بود.

ص. عبدالملک بن حسین بن عبدالملک العصامی المکی (۱۱۱۱ ق) از علما و تاریخ نگاران مقيم مکه در جلد چهارم کتاب سمط النجوم العوالي في أبناء الأوائل و التوالي به شرح حال ائمه اطهار علیهم السلام، می پردازد. او در شرح حال امام مهدی علیه السلام، می نویسد:

هو الامام محمد المهدی بن الحسن العسكري بن علی التقی بن محمد الجواد ابن علی الرضا بن موسی الكاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسين بن علی أبي طالب، رضى الله تعالى عنهم اجمعين، ولد يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس و خمسين و مأتين و قيل سنة ست و هو الصحيح. امه ام ولد اسمها

۱. زرکلی، الاعلام (قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء العرب و المتعربین و المستشرقین) ج ۶، ص ۸۰، ناشر دارالعلوم للملايين.

۲. قرمانی، اخبار الدول و آثار الاول فی التاريخ، ص ۱۱۷، چاپ ۱۳۸۲.

أصقيل وقيل سوسن وقيل نرجس. كنيته: ابوالقاسم. القابه: الحجه والخلف الصالح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان والمهدى أشهرها. و صفته شاب مريوع القامه، حسن الوجه والشعر، أفنى الأنف، اجلى الجبهه ولما توفى ابوه كان عمره خمس سنين وشيعته يقولون: انه دخل السرداب سنه خمس وسبعين ومأتين وعمره سبع عشره سته وهم ينتظرون خروجه فى آخر الزمان من السرداب وأقاولهم فيه كثيره والله اعلم اى ذلك يكون.^۱

عصامى محمدالمهدى، فرزند امام عسکرى را تنها فرزند امام مى داند؛ چنانچه در شرح حال امام عسکرى مى نويسد: «و خلف ولده محمدا واحده».^۲ او به ذکر اجداد آن حضرت تا امام على علیه السلام، مى پردازد و تاريخ ولادت آن امام را نيمه شعبان سال ۲۵۶ مى داند. وی با ذکر القاب حضرت و بيان آنکه مشهورترين القابش، مهدى است صفات ظاهرى آن امام را نيز بيان مى کند و در انتها جريان سرداب را به عقیده شيعه ذکر کرده و بر آن است که به اعتقاد شيعه، او در آخر الزمان از سرداب خروج مى کند؛ درحالى که نظر شيعه اين نيست؛ زيرا همان طور که پيش تر بيان شد، شيعه همانند ديگر مذاهب اسلامى، ظهور آن امام را از کنار خانه کعبه مى داند.

ق. سيد غياث الدين محمد بن هماد الدين (۸۸۰-۹۴۲ ق) ملقب به خواندمير، تاريخ نگار ايرانى و مؤلف کتاب تاريخ حبيب السير در شرح حال امام مهدى علیه السلام، مى نويسد:

ذكر امام مؤتمن، ابوالقاسم محمد بن الحسن عليه السلام، تولد همايون آن در درج ولايت و جوهر معدن هدايت به قول اكثر اهل روايت در منتصف شعبان سنه خمس وخميس و مائتين ۲۵۵ در سامرا اتفاق افتاد. آن امام ذوالاحترام، در كنيته و نام با حضرت خيرالانام عليه وآله تحف الصلاه والسلام الى يوم القيام، موافقت دارد و مهدى و منتظر و الخلف الصالح و صاحب الزمان و حجت و قائم از جمله القاب آن جناب است.

وى بعد از نقل روايات درباره ولادت و علائم ظهور آن حضرت مى نويسد:

بنا بر زعم شيعه اثناعشرية كالشمس فى وسط السماء ظاهر و هويدا مى گردد که مهدى از اولاد أمجاد امام حسين عليه السلام، خواهد بود؛ بلکه به ثبوت مى پيوندند که صاحب الزمان، محمد بن الحسن عسکرى است و بعد از انقضای زمان غيبت طولانى، ظهور خواهد

۱. عصامى، سمط النجوم العوالى فى انباء الاوائل و التوالى، ج ۴، ص ۱۵۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۵۰.

نمود و عیسی بن مریم، علیهما السلام چون از آسمان فرود آید در نماز به آن جناب اقتدا خواهد کرد و لوازم اطاعت و شرایط متابعتش به جای خواهد آورد.

امام زمان مهدی منتظر	که گفתי پیمبر زحالش خبر
نهالی است از گلشن اصطفای	ثمربخش اصحاب صدق و صفا
جهان روشن از لمعه روی او	شب قدر، تاری زگیسوی او
سرشته به آب کرامت گلش	محیط علوم لدنی دلش
چو سازد لوای خلافت بلند	در آرد سر عاصیان در کمند
مه رایتش ثالث ماه خور	زعدلش شود جمله آفاق پر
چو گردد به محراب دین مقتدا	کند ابن مریم بدو اقتدا ^۱

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد، بیروت، المكتبة الإسلامی.
۳. ابن خلکان، وفيات الاعیان بأبناء أبناء الزمان، بیروت، دار صادر.
۴. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، تحقیق: سامی العزیزی، قم، دارالحدیث.
۵. ابن طلحه شافعی، کمال الدین محمد، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، تحقیق: ماجد احمد العطیه.
۶. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، بیروت، دارالکتب العربی.
۷. جوینی، فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم، بیروت، مؤسسه المحمودی.
۸. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. خنجی، فضل بن روزبهان، وسیله الخادم الی المنخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم، به کوشش رسول جعفریان، قم، انصاریان.

۱. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۰۰.

۱۰. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، ۱۳۸۰.
۱۱. زرکلی، الاعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء العرب و المتعربین و المسشرقین، بیروت، دارالعلوم للملایین.
۱۲. ذهبی، العبر فی خبر من غیر، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. ذهبی، سیراعلام النبلاء، بیروت، دارالفکر.
۱۴. سبط ابن جوزی، تذکره الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة، ناشر: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، مرکز الطباعة و النشر
۱۵. سیوطی، العرف الوردی فی اخبار المهدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۶. شبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، قم الشریف الرضی، ۱۳۰۸ ق.
۱۷. شبرای، عبدالله، الانتحاف بحب الاشراف، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۱۸. شعرانی، البواقیت و الجواهر، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۹. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت لتحقيق التراث، بیروت، دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، شیعه در اسلام، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، قاهره، دارالنشر مكتبة ابن تیمیة.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن بن فضل، تاج الموالید، قم، دفتر آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. عصامی، عبدالملک بن حسین بن عبدالملک، سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل و التوالی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۴. قادری، سیدرضی، مهدویت در صحاح سته، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
۲۵. قرمانی دمشقی، احمد بن سنان، اخبار الدول و آثار الاول فی التاريخ، بیروت، عالم الکتب.
۲۶. قندوزی حنفی، ینابیع الموده لذوی القربی، بیروت، دارالعرفان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، اسلامیه، ج ۲، ۱۳۶۲.
۲۸. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مکتبه التراث الإسلامی،
۲۹. مناوی، محمد بن علی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۰. هیتمی، ابن حجر، الصواعق المخرقة فی الرد علی أهل البدع و الزندقة، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۱. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری علیه السلام:

تحلیل و بررسی مهدویت در تفاسیر مهم مذاهب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی عبدی چاری*

مقدمه

قرآن در کنار سنت، معجزه پیامبر اسلام و راهنمای هدایت بشر است که مهم‌ترین منبع شناخت عقاید، احکام، اخلاق و دیگر معارف اسلامی به‌شمار می‌آید. برای فهم آن، کتاب‌های بسیاری به نام «تفسیر» نگاشته‌اند. کتاب‌های تفسیر هر فرقه از مذاهب اسلامی، بیانگر گزیده‌ای از عقاید، احکام و اصول اخلاقی آنان است؛ بر همین اساس، منبع درخور توجهی برای شناخت معارف آن مذهب، به‌ویژه مسائل اعتقادی پیروان آن به‌شمار می‌رود.

مفسران اهل سنت با دو‌گرایش کلامی «معتزله» و «اشاعره» نیز در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید، احکام و مبانی اخلاقی خویش را نیز تبیین کرده‌اند؛ از این‌رو واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقشی مهم در فهمیدن عقاید آنان درباره این آموزه بالنده دارد.

درباره خود امام مهدی عجل‌الله‌فرجه در قرآن چیزی بیان نشده است؛ اما آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که با مهدویت و اتفاقات مربوط به دوران ظهور ایشان ارتباط تنگاتنگی دارد؛ این مسئله به اعتراف بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت در قالب روایات در ذیل آیات آمده است. با بررسی‌های انجام‌شده از تفاسیر شیعه و اهل سنت، مفسران به هجده محور در حوزه مهدویت توجه کرده‌اند. این محورها عبارت است از: ضرورت وجود امام مهدی عجل‌الله‌فرجه؛ غیبت (اعم از صغرا و کبرا)؛ رجعت (اعم از ائمه و غیر ائمه) و همین‌طور قبل از شهادت و بعد از شهادت حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه؛ انتظار؛ یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه؛ نشانه‌های ظهور؛ بررسی فضیلت سوره‌ها (در حوزه مهدویت)؛ ویژگی‌های امام مهدی (اعم از خاص و عام)؛ وضعیت جهان قبل از ظهور؛

* دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی).

وضعیت جهان بعد از ظهور و زمان استقرار حکومت؛ بشارت (پیش‌گویی) درباره ظهور امام قبل از ولادت ایشان؛ القاب و کنیه امام؛ یاجوج و ماجوج؛ حکومت امام مهدی؛ دین در عصر ظهور؛ نزول حضرت عیسی؛ وضعیت احکام در عصر ظهور و اشراف الساعه.^۱

محورهای یکم تا هفتم را تنها مفسران شیعه مطرح کرده‌اند و در یازده محور بعدی با دیگر مذاهب اسلامی اشتراک نظر دارند؛ البته این هجده محور یکجا در هیچ‌یک از تفاسیر جمع نشده و هر یک از مفسران مذاهب اسلامی به بخش‌هایی از محورها درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با توجه به اعتقادات خود پرداخته‌اند که در این مقاله لازم و ضروری است به تفکیک مذاهب اسلامی و به صورت موضوعی به بعضی از آن تفاسیر پرداخته شود.

مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت برخلاف اینکه به آمدن مهدی از قبیله قریش اعتقاد جدی دارند، به دنیا آمدن امام مهدی را نمی‌پذیرند.^۲ این مسئله به طور طبیعی محورهایی مانند غیبت و نشانه‌های ظهور را از دور خارج می‌کند. آنان بر اساس این مبنا، به این دو مسئله در قرآن نپرداخته‌اند. «رجعت» مسئله دیگری است که در مبانی اهل سنت روی خوشی به آن نشان داده نشده است. بعضی از آنان معتقدین به رجعت را در حدومرز کفر می‌دانند.^۳ نکته دیگر اینکه فقهی بودن مذاهب فقهی اهل سنت، تأثیری در دیدگاه آنان در باب مهدویت ندارد؛ لذا با توجه به این محورها به بررسی موضوعات مطرح شده در اندیشه مفسران دو مذهب کلامی اهل سنت پرداخته خواهد شد.

۱. مهدویت در تفاسیر با گرایش کلامی معتزله

تعدادی از مفسران اهل سنت با گرایش کلامی به مکتب معتزله، به مطالبی اشاره کرده‌اند که می‌شود آن‌ها را بر مهدویت حمل نمود. اکنون به گزارشی از برخی از مهم‌ترین تفاسیر آنان اشاره می‌شود:

۱. «اشراف» جمع «شرط» و به معنای علامت و «ساعة» به معنای قیامت است. مقصود از آن نشانه‌های قیامت است؛ چنانچه در آیه هجدهم سوره محمد عجل الله تعالی فرجه آمده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَافُهَا». به نظر می‌رسد در بدو امر، ارتباطی بین اشراف الساعه و مهدویت وجود ندارد؛ اما این دو موضوع به دلایل ذیل با هم ارتباط دارند: اول: ظهور حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی در روایت متعددی از فریقین در جایگاه اشراف الساعه ذکر شده است. دوم: مواردی از قبیل خروج سفیانی، دجال و خسف که در منابع اهل سنت با عنوان اشراف الساعه مطرح گردیده، در منابع امامیه علائم ظهور دانسته شده‌اند.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۸ و شبراوی، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۳. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵.

۱-۱. احکام القرآن اثر احمد بن علی جصاص (۳۳۳ ق)

این تفسیر درباره امام مهدی مطلبی بیان نکرده است و فقط در دو آیه به بیان اشراف الساعه پرداخته است که در آیه ۳۸ سوره یس به مناسبت الشمس، طلوع شمس از مغرب را مطرح نموده است؛ سپس به معرفی نشانه‌های قیامت پرداخته است که از جمله آن‌ها دجال و دابه الارض است.^۱ او در آیه ۶۱ سوره زخرف منظور از علم الساعه را نزول عیسی دانسته است.^۲

۲-۱. النکت و العیون اثر محمد بن حبيب ماوردی بصری (۴۵۰ ق)

مطالب تفسیری در این تفسیر به صورت نکته به نکته بیان شده است. ایشان در ذیل شش آیه نکاتی درباره مهدویت را بیان کرده است. او در آیه هفتم سوره آل عمران، اشراف الساعه و نزول عیسی را از محکومات قرآن برشمرده است.^۳ در آیه ۱۵۹ سوره نساء مسئله ایمان را در سه وجه بیان کرده است: ایمان به عیسی قبل از موت مسیح؛ ایمان به عیسی قبل از موت کتابی و ایمان به پیامبر اکرم قبل از موت. در این باره گفته است: «همه این سه وجه در زمان نزول عیسی خواهد بود».^۴

در آیه ۱۵۸ سوره انعام هم منظور از بعض آیات را اشراف الساعه دانسته که از جمله آن‌ها دجال و نزول عیسی است.^۵ او در آیات بعدی به بیان وضعیت جهان می‌پردازد. در آیه ۳۳ سوره توبه برای غلبه اسلام شش تأویل را بیان کرده است:

- با نزول عیسی، همه مسلمان می‌شوند و خدا را عبادت می‌کنند؛
- شرایع اسلام غلبه داده می‌شود و مردم از آن مطلع می‌شوند؛
- غلبه دین اسلام؛ اگرچه مشرکان آنجا باشند؛
- دلایل و حجت‌های اسلام از سوی خداوند آشکار می‌شود؛
- برای قریش دورحلت است و خداوند در بلد آن دورحله، اسلام را غلبه خواهد داد؛
- دین اسلام بر همه ادیان استعلا پیدا می‌کند.^۶

۱. جصاص، احکام القرآن، ج ۵، ص ۲۴۹-۲۴۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۶۶-۲۶۵.

۳. الماوردی، النکت و العیون، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۴۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۰.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۵.

در ذیل آیه ۵۵ سوره نور با ذکر روایتی از پیامبر اکرم این آیه را به غلبه اسلام در سراسر گیتی تأویل برده و بیان کرده که همه مسلمان خواهند شد؛ همین‌طور در آیه چهارم سوره محمد برای اوزار الحرب پنج وجه نقل کرده که وجه پنجم آن از قول کلبی به غلبه اسلام بر همه ادیان تأویل رفته است و در وجه چهارم آن از قول مجاهد به نزول عیسی^۱ و در آیات دیگر مثل آیه ۵۱ سوره سجده در احتمال هفتم، با ذکر روایتی از امام صادق^{علیه السلام}، منظور از عذاب اکبر را خروج امام مهدی دانسته‌اند.^۲ و در آیه ۵۱ سوره سبأ منظور از «اذا فرعوا» را به سپاه سفیانی تأویل برده‌اند.^۳ عمده موضوعات مطرح‌شده در تفاسیر معتزلی، به مباحث «غلبه اسلام بر همه ادیان، اشراط الساعه، دجال، نزول عیسی، طلوع خورشید از مغرب، سفیانی و خروج امام مهدی» است؛ هرچند نقل صریح خودشان نیست.

۲. مهدویت در تفاسیر با گرایش کلامی اشاعره

بیشتر اهل تسنن به مکتب کلامی اشاعره باور دارند؛ لذا مفسران بیشتری مباحث مرتبط با مهدویت را در تفاسیرشان آورده‌اند که به گزارشی از برخی از مهم‌ترین تفاسیر آنان اشاره می‌شود:

۱-۲. جامع‌البیان فی تفسیر القرآن اثر ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق)

او در باب مهدویت در تفسیر خود موضوعاتی را مطرح کرده است و در ذیل نه آیه به موضوعاتی همچون نزول حضرت عیسی پرداخته است.

نزول حضرت عیسی: او در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران به‌طور مفصل با ذکر روایاتی زیادی از طریق صحابه رسول اکرم، به مسئله نزول حضرت و اقدامات ایشان از جمله قتل دجال، حکم به عدل و قسط، امنیت کامل جهانی (زندگی شیر با شتر و گوسفند با گرگ بدون تعرض به یکدیگر)، شکستن صلیب، برداشتن جزیه و غنی کردن مردم از جهت مالی و همین‌طور به فوت ایشان و نمازخواندن مسلمانان بر جنازه او به شیوه اسلام اشاره نموده است.^۴

او با بیان دیدگاه بیش از چهل صحابی و مفسر و ذکر روایات متعدد در ذیل آیه ۱۵۹ سوره

۱. همان، ج ۴، ص ۲۹۴-۲۹۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۶۱.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۵۸.

۴. طبری، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۲.

نساء ثابت کرده است که یهود و نصارا قبل از مرگشان در دوران نزول حضرت به او ایمان می‌آوردند؛ البته در بعضی از روایات هم به سیره و اقدامات ایشان مثل غلبه کامل اسلام و یکی شدن ملت‌ها و ادیان و قتل دجال، اشاره شده است.^۱

اشراط الساعه: او مسئله غلبه کامل اسلام و قتل دجال را در ذیل آیه ۲۸ فتح و در آیه ۹ سوره صف بدون ذکر قتل دجال، تکرار می‌کند. طبری در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام منظور از آیات را طلوع شمس از محل غروبش می‌داند که در آن زمان، ایمان فایده‌ای برای مردم ندارد. او به‌طور مفصل، تقریباً همه اقوال و دیدگاه‌های مفسران را در ذیل آیه بیان کرده است که در لابه‌لای این اقوال به بعضی دیگر از اشراط الساعه از جمله «خروج دجال، خروج دابه‌الأرض، خروج یأجوج و مأجوج و دخان» اشاره کرده است.^۲

او در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف به بیان داستان یأجوج و مأجوج و چگونگی پشت سد قرار گرفتن آن‌ها از سوی ذوالقرنین و همین‌طور هویت و خروجشان از سد در آخرالزمان به‌نشانه اشراط الساعه اشاره می‌کند و در بعضی از دیدگاه‌ها به نزول عیسی و خروج دجال و کشته شدنش به دست حضرت می‌پردازد و می‌گوید: «این‌ها وعده خداوند است».^۳

طبری به مناسبت کلمه دخان در آیه دهم سوره دخان به ویژگی این دود و زمانش و همراهی این دود با دیگر اشراط الساعه مثل نزول عیسی، آتشی که از عدن خارج می‌شود، خروج دابه‌الأرض و دجال اشاره کرده است.^۴

طبری در آیه دیگر با ذکر دوازده دیدگاه اعم از روایات، قول صحابه و اقوال مفسران منظور از «لَعَلَّمُ لِّلسَّاعَةِ»^۵ را نزول عیسی می‌داند؛ چراکه نزول حضرت جزو اشراط الساعه است.^۶

انکار رجعت: طبری در ذیل آیه ۳۸ سوره نحل روایتی از بشر بن معاذ را چنین ذکر می‌کند: «مردی به ابن عباس گفت: مردم عراق گمان می‌کنند علی در قبل از قیامت مبعوث می‌شود و ازدواج می‌کند و میراثش را تقسیم می‌کند و این آیه شامل این مسئله می‌شود. ابن عباس در پاسخ

۱. همان، ج ۶، ص ۱۷-۱۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۷۷-۷۰.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۲۳-۲۲.

۴. همان، ج ۲۵، ص ۶۸-۶۷.

۵. زخرف: ۶۱.

۶. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، ص ۵۴.

می گوید: آنان دروغ می گویند و این حرف های عوام الناس است. به جانم قسم! اگر علی قبل از قیامت مبعوث شود، نه می تواند ازدواج کند و نه می تواند میراثش را تقسیم کند»^۱.
خسف بیداء: اخذ در مکان قریب آیه ۵۱ سبأ، همان فرورفتن در بیداء است.^۲

۲-۲. تفسیر القرآن العظیم اثر عبدالرحمن بن محمد بن ادريس رازی ابن أبي حاتم (۳۲۷ ق)

ابن أبي حاتم درباره اتفاقات عصر مهدوی مطالبی آورده است و در تفسیر خود به این موضوعات پرداخته است:

ظهور امام مهدی علیه السلام: ابن أبي حاتم در ذیل آیه ۱۱۴ سوره بقره خزی در دنیا را به زمان قیام امام مهدی تأویل برده و گفته است: «اگر امام قیام کند قسطنطنیه را فتح می کند و آنان را می کشد و این برای آنان خزی است»^۳.

نزول حضرت عیسی علیه السلام: ابن أبي حاتم در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء مثل اکثر مفسران اهل سنت به بحث نزول عیسی علیه السلام و ایمان آوردن همه اهل کتاب به آن حضرت پرداخته و به مناسبت، به سیره و اقدامات او مانند قتل خوگ و شکستن صلیب و برداشتن صلیب پرداخته است.^۴ کشته شدن دجال از دیگر اقدامات آن حضرت است که این مفسر، آن را در ذیل آیات ۱۴۵ سوره اعراف و آیه ۷۱ سوره انبیاء و آیه ۴۲ سوره قلم آورده است.^۵ نزول عیسی نیز از مصادیق آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره نساء و آیه ۱۸۱ سوره اعراف و آیه ۶۱ سوره زخرف است.^۶

اشراط الساعه: این مفسر در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام منظور از بعض آیات را طلوع شمس از مغرب دانسته است.^۷ این نشانه را همه مفسران اهل سنت با عنوان اشراط الساعه بیان کرده اند. شکسته شدن سد و خروج یاجوج و ماجوج از پشت آن در آخر الزمان از جمله مطالبی است که در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف و آیه ۹۶ سوره انبیاء است.^۸ این مفسر دجال را مصداق آیه ۵۶ سوره

۱. همان، ج ۱۴، ص ۷۳-۷۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۳.

۳. ابن أبي حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۱۴-۱۱۱۳.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۵۶۵-۱۵۶۴ و ج ۸، ص ۲۴۵۷ و ج ۱۰، ص ۳۳۶۸-۳۳۶۷.

۶. همان، ج ۴، ص ۱۱۱۲-۱۱۱۰ و ج ۵، ص ۱۶۲۳ و ج ۱۰، ص ۳۲۸۵.

۷. همان، ج ۵، ص ۱۴۲۸-۱۴۲۷.

۸. همان، ج ۸، ص ۲۳۹۱-۲۳۹۰ و ص ۲۴۶۸-۲۴۶۷.

غافر دانسته است.^۱

دابه الأرض: ابن ابی حاتم در تفسیر قرآن عظیم ذیل آیه ۸۲ سوره نمل با بیان روایتی از پیامبر گرامی اسلام ذکر می‌کند که شخصی در آخرالزمان خروج می‌کند که در دستان او عصای موسی و انگشتر سلیمان نبی است و با عصای موسی دماغ کفار را به خاک می‌مالد و با خاتم سلیمان چهره مؤمن را روشنایی می‌بخشد؛ سپس با ذکر روایاتی به مصادیق دابه‌الأرض و ویژگی‌های آن می‌پردازد.^۲

غلبه اسلام: ابن ابی حاتم در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه بدون اینکه از منقضی کننده همه ادیان و ایجادکننده آسایش نامی ببرد، اشاره دارد که اسلام بر همه ادیان غلبه کامل پیدا خواهد کرد و همه ادیان و اهل کفر از بین خواهد رفت. همه جهان و حتی حیوانات در آسایش کامل در کنار هم زندگی می‌کنند؛ بدون اینکه به همدیگر تعرض کنند. یک سری اتفاقات دیگر را هم بیان کرده که در روایات شیعه و اهل سنت برای اقدامات حضرت عیسی معروف شده است؛ مانند اینکه خوک را بکشد، جزیه را بردارد و صلیب را بشکند.^۳

ایشان در ذیل دو آیه دیگر مطالبی را مطرح می‌کند که بی‌ارتباط با مباحث مهدوی نیست. او در ذیل آیه ۵۶ سوره بقره به زنده‌شدن گروهی که از موسی درخواست کردند ما ایمان نمی‌آوریم؛ مگر اینکه خدا را با چشم خود ببینیم. خداوند نیز با صاعقه آنان را کشت. خداوند آنان را زنده کرد و با چشم خود زنده شدن یکدیگر را دیدند.^۴ او در ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره نیز به داستان گروهی می‌پردازد که از ترس مرگ از دیارشان خارج شدند و خداوند آنان را میراند و به درخواست پیامبرشان حزقل، زنده شدند.^۵ از این دست مطالب می‌شود برای اثبات عقلی رجعت در آخرالزمان استفاده کرد.

۳-۲. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) اثر محمد رشید رضا و محمد عبده (۱۳۲۳-۱۳۵۴ ق)

المنار بیشتر، انتقادی است؛ البته ایشان در ذیل آیه ۱۵۸ سوره نساء بیان می‌کند: «امام مهدی از نسل پیامبر اکرم است و از علامت و نشانه‌های او این است که جهان را پر از عدل و داد می‌کند و

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۲۶۸.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۹۲۶-۲۹۲۳.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۷۸۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۵۸-۴۵۷.

حضرت عیسی نازل می‌شود و اقداماتی همچون برداشتن جزیه و شکستن صلیب و کشتن دجال را انجام خواهد داد^۱. این تفسیر به نقد تندى درباره مدعیانی همچون مهدی سودانی، باب و بهائیت می‌پردازد.^۱ او در آیه ۳۳ سوره توبه با نقل و نقد همه اقوال درباره زمان غلبه اسلام، قولی از ابن کثیر در تفسیرش ذیل آیه بیان می‌کند مبنی بر اینکه این بشارت فقط در زمان ظهور امام مهدی و پشت سرش نزول عیسی از آسمان و نماز خواندن پشت سر امام به رسم اسلام است. محمد عبده با بیان نقد این مطلب اضافه می‌کند که هیچ‌کدام از روایات شیعه درباره مهدی صحیح نیستند و بیشتر سیاسی و خرافات و مخالف اصول دین است و من نمی‌پسندم این طور مطالب در این تفسیر باشد؛ سپس نقل می‌کند: «اما بعضی از احادیث درباره نزول عیسی دارای سند صحیح است».^۲ بعد به نقد مطالب در این باره می‌پردازد. ایشان در ذیل آیه ۳۹ انفال^۳ و ۸۹ انعام^۴ و ۲۳ بقره^۵ هر مفسر یا شخصی که ادعا کرده این آیات درباره امام مهدی و ظهورش است را به باد سرزنش گرفته است.

با بررسی انجام شده، بعضی از موضوعات در توجه این مذهب در حوزه مهدویت بوده است. موضوعاتی مانند نزول عیسی، غلبه اسلام، اشراط الساعه و ظهور امام مهدی. صاحب کتاب المنار برخلاف هم‌مسلمانان خود قدم برداشته و به نقد همه آنان می‌پردازد که لازم است تحقیق جامعی در این باره صورت پذیرد.

مهدویت در تفاسیر شیعه

۱. مهدویت در تفاسیر مفسران مذهب زیدیه

اکنون چهار تفسیر از این مذهب در دسترس است؛ لذا به مهدویت در این تفاسیر اشاره می‌شود:

۱-۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان اثر مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۵۰ ق)

این تفسیر به سه موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است:

۱. محمد عبده، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج ۶، ۵۹-۵۷.
۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۹۴-۲۹۰.
۳. همان، ج ۹، ص ۶۶۶.
۴. همان، ج ۷، ۵۹۵.
۵. همان، ج ۶، ص ۲۲۸.

حضرت عیسی: او در سوره آل عمران آیه ۵۵ زمان نزول حضرت عیسی را به عهد دجال گره زده و فوت ایشان را بعد از قتل دجال بیان کرده است.^۱ در سوره نساء آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ نیز به معجزه خداوند پرداخته و گفته است: «خداوند چهره یکی از حواریون خیانت کار را به چهره حضرت در آورده و یهودیان به جای عیسی آن را برخلاف انکارش اعدام کرده اند».^۲ او سپس به چگونگی رفع ایشان به آسمان در شب قدر می پردازد.

در همان سوره آیه ۱۵۹ وضعیت حضرت را پس از نزول بررسی می کند و محل نزول ایشان را شهر اقیق می داند و اقدام اولیه ایشان را در آن زمان قتل دجال می داند و مردم در آن زمان علی رغم دروغ پراکنی یهود به حضرت ایمان می آورند و این ایمان تا قیامت باقی است.^۳ او این مسئله را در سوره زخرف آیه ۶۱ بیان می کند.^۴ ایشان در آیه ۱۱۰ سوره مائده^۵ و آیه ۱۵۹ اعراف^۶ به مطالب کلی درباره نزول حضرت عیسی می پردازد.

دجال: او درباره دجال در آیه ۷ سوره آل عمران به این قائل است که منظور از تأویل در آیه «ما یعلم تأویله الا الله» ملک است و این تأویل یا ملک برای امت محمد باقی است تا روز قیامت و فقط در زمان ابتلای جامعه به دجال این ملک از آنان برداشته خواهد شد. ایشان پا را از این بالاتر می نهد و می گوید: «راسخان در علم، معلمان علم تورات اند؛ مانند عبدالله ابن سلام و اصحابش از جمله مؤمنین اهل تورات اند».^۷ ایشان معتقد است که جهان به فتنه ای گرفتار خواهد شد که فتنه دجال همه ملک و جهان را تحت سیطره خود خواهد گرفت.

او در سوره اسراء آیه اول به بیان رجعت پیامبر و مشاهدات حضرت در شب معراج می پردازد که از جمله آن ها دجال است و دجال را به شخصی چاق و تپل با چهره ای گندمگون و مویی فرفری و ریشی پرپشت و چشمانی مالیده شده با پیشانی بلند که مابین چشمانش نوشته کافر و... توصیف می کند.^۸

۱. مقاتل ابن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۲۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۴. همان، ج ۳، ص ۸۰۰.

۵. همان، ج ۱، ص ۵۱۵-۵۱۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۶۳.

۸. همان، ج ۲، ص ۵۱۹.

او در آیه ۵۶ سوره غافر به خروج دجال می پردازد و دجال را آیت خدا معرفی می کند که مردم به فتنه دجال دچار خواهند شد. آن موقع مردم به خدا پناه می برند.^۱

اشراط الساعه: ایشان در آیه هجدهم سوره محمد از الساعه تعبیر به قیامت نموده است و اشراط را به علامت تعبیر کرده است؛ لذا علامت های قیامت را در سه چیز خلاصه می کند: انشقاق ماه، خروج دجال و خروج پیامبر. او مشخص نکرده که مراد از نبی، کدام پیامبر و در چه زمانی است.^۲

غیر از این موارد در ذیل آیه ۵۰ الی ۵۴ سوره سباء اشاره ای به خروج سفیانی و پیدا و طلوع خورشید از مغرب کرده و گفته است: «بعد از آن خداوند عذابش را نازل می کند».^۳

۲-۱. فتح القدير الجامع بين الروايه اثر محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰ ق)

شوکانی در تفسیر خود به پنج موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است:

قیام امام مهدی علیه السلام: در آیه ۱۱۴ سوره بقره، خزی در دنیا را به قیام مهدی، فتح قسطنطنیه و قتل آنان تأویل برده است.^۴

نزول عیسی علیه السلام: بالا رفتن و نزول حضرت عیسی و سیره و اقداماتش از قبیل قتل دجال، شکستن صلیب، کشتن خوک و حکم کردن بین مردم به شریعت پیامبر اکرم در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و آیه ۴ سوره محمد آمده است.^۵ او ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی بعد نزولش را در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء آورده است.^۶

دجال: خواندن ده آیه از اوایل سوره کهف انسان را از فتنه دجال می رهاند یا در امان می ماند.^۷

خروج سفیانی و خسف به بیداء: این موضوع در کتاب ایشان در ذیل آیه ۵۱ سوره سباء بررسی شده است و با ذکر روایاتی از پیامبر و صحابه و مفسران منظور از فزع را آن اتفاقی

۱. همان، ج ۳، ص ۷۱۷-۷۱۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۷-۴۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۹۸-۵۹۹.

۴. شوکانی، فتح القدير الجامع بين الروايه، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۵ و ج ۵، ص ۴۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۶۱۶.

۷. همان، ج ۳، ص ۳۱۸.

می‌داند که بر سر لشکر سفیانی در سرزمین بیداء می‌آید.

اشراط الساعه: شوکانی همانند مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۶۱ سوره زخرف نزول عیسی و خروج دجال را از جمله اشراط الساعه می‌داند.^۱
غلبه اسلام: ایشان هم مثل بعضی از اهل سنت، غلبه اسلام را با ذکر روایتی از مجاهد به بعد از نزول حضرت عیسی تأویل برده است.^۲
غریب القرآن اثر زید بن علی بن الحسین (۱۲۱ ق) و تفسیر الحبري اثر ابو عبد الله حسین بن حکم حبری کوفی (۲۸۲ ق) از جمله مفسران زیدی‌اند که با تتبع انجام‌شده مطلبی در حوزه مهدویت نداشتند.

۲. مهدویت در تفسیر شیعه امامیه (اثنا عشری)

۲-۱. تفسیر قمی اثر ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۳۰۷ ق)

این تفسیر روایی است؛ بنابراین همه مطالب آن صرفاً روایات است. ایشان ذیل آیات قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته است که اهم موضوعات عبارت است از:

رجعت: این موضوع در ذیل آیه ۵۶ سوره بقره و زنده‌شدن هفتاد نفر، که از موسی درخواست دیدن خدا را کرده بودند، بیان کرده و آن را دلیل بر وقوع رجعت دانسته است.^۳ او مصداق آیه «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ» در آیه ۳۹ سوره یونس و آیه ۳۹ سوره نحل و آیه ۴۷ سوره کهف را رجعت دانسته است که آن را تکذیب می‌کنند.^۴ همین‌طور مصداق «بَعْضَ الَّذِينَ نَعِدُهُمْ»^۵ را از مصادیق رجعت و قیام حضرت دانسته است.^۶ عذاب ظالمان، زمان رجعت و خروج امام مهدی را نیز در ذیل آیه ۳۳ سوره نحل آورده است.^۷

ایشان در آیه دیگر بر آن است که منظور از عذاب در آیه ۵۰ سوره یونس، برای مجرمان

۱. همان، ج ۴، ص ۶۴۳ و ۶۴۵.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۶۴.

۳. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۱۲ و ۳۸۵ و ج ۲، ص ۳۶.

۵. یونس: ۴۶.

۶. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۳۸۵.

آخرالزمان است و منظور از «أَمَّنْتُمْ بِهِ» در آیه بعد را به زمان رجعت و تصدیق امیرالمؤمنین تأویل برده است.^۱ همین‌طور در آیه ۵۴ همین سوره و آیه ۸ سوره هود و آیه ۴۷ سوره طور، ندامت و عذاب را درباره زمان رجعت می‌داند.^۲

او در آیه ۲۲ نحل می‌گوید: «کافران و مستکبران در زمان رجعت ایمان نمی‌آورند».^۳ زندگی سخت در زمان رجعت است. این مسئله در آیه ۱۲۴ سوره طه آمده است.^۴

اقوامی که عذاب شدند در زمان رجعت به دنیا باز نمی‌گردند؛ همان‌طور که آیه ۹۵ سوره انبیا به آن اشاره دارد.^۵ در زیور داوود خبرهایی از حضرت مهدی علیه السلام و رجعت آمده است.^۶ همین نکته در ذیل آیه ۲۲ و ۲۳ سوره ذاریات آمده است.^۷

قمی دابه‌الأرض را با ذکر روایتی به امیرالمؤمنین نسبت داده و آمدنش را در ذیل آیه ۸۲ سوره نمل به زمان رجعت تأویل برده است.^۸ قمی یکی از مصادیق بارز رجعت را آیه ۸۵ سوره نمل می‌داند؛ زیرا خداوند در این آیه فرمود: «از هر فرقه گروهی را محشور می‌کنیم و حال اینکه قیامت همه محشور می‌شوند».^۹ از دیگر مصادیق رجعت آیات ۸۵ سوره قصص، آیات ۲۱ و ۲۷ و ۲۸ سوره سجده، آیات ۱۱ و ۵۱ و ۸۱ سوره غافر، آیه ۱۰ سوره دخان، آیات ۴۱ و ۴۲ و ۴۴ سوره ق، آیه ۵۳ سوره نجم، آیه ۲۶ سوره جن و آیه ۲ سوره مدثر آمده است.^{۱۰}

رجعت امیرالمؤمنین^{۱۱} و رجعت همه یا بعضی از ائمه^{۱۲} در ذیل آیه ۱۵ سوره احقاف و ۲۸ سوره زخرف هم آمده است.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۲۲ و ۳۳۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۷۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۲۶.

۷. همان، ج ۲، ص ۳۳۰.

۸. همان، ج ۲، ص ۱۳۰.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۰.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۲۵۶ و ۲۵۸ و ۲۶۱ و ۲۹۰ و ۳۲۷ و ۳۲۹ و ۳۹۱ و ۳۹۳.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۹۷ و ۳۹۱ و ۴۰۶-۴۰۵ و عبس: ۲۲.

۱۲. همان، ج ۲، ص ۲۸۳.

نزول عیسی: قمی مسئله ایمان آوردن یهود و نصارا به حضرت عیسی و نماز خواندن ایشان پشت سر امام مهدی را در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء بیان کرده است.^۱ نزول عیسی و اقدام به قتل دجال را در آیه ۷ سوره شوری آورده است و اشاره‌ای به اجداد امام مهدی نیز کرده است.^۲

پاران حضرت مهدی: ایشان مصداق آیه ۵۴ سوره مانده، آیه ۷ سوره اسراء، آیه ۱۰۵ سوره انبیا و آیه ۴۱ سوره حج را امام مهدی و اصحاب باوفایش دانسته^۳ و منظور از قوت در آیه ۸۰ سوره هود همان قوت قائم است که ۳۱۳ عدد است که رکن شدیدند.^۴

ناگهانی بودن ظهور: او در ذیل آیه ۴۴ سوره انعام با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام، «بغته» را به ظهور ناگهانی حضرت مهدی علیه السلام تأویل برده است.^۵

ظهور امام مهدی: روز ظهور امام جزو ایام الله است که خداوند در قرآن ذیل آیه پنجم سوره ابراهیم بیان فرموده است.^۶ احساس ظهور امام برای بنی امیه بسیار سخت و گران خواهد بود. وقتی حضرت ظهور کند از آنان گنج‌هایی را طلب خواهد کرد که به روم تحویل دادند و آنان زیر سایه شمشیر زندگی خواهند کرد.^۷ این موارد تأویل آیات ۱۱ الی ۱۵ سوره انبیا و به همین معنا در آیه ۴۲ سوره شوری و آیه ۱۷ سوره طارق است و در ذیل آیات ۳۹ و ۶۰ سوره حج امام مهدی علیه السلام انتقام خون امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت^۸ و امام در آن زمان، مضطر واقعی است.^۹ ظهور امام مهدی در آیه ۵ سوره قصص نیز وعده‌ای الهی است.^{۱۰}

خروج امام مهدی مصداق آیه ۱۰ سوره عنکبوت، آیه ۲۴ سوره شوری، آیه ۱ و ۲ سوره قمر و آیه ۱۹ و ۲۰ سوره مدثر قرار گرفته است.^{۱۱}

۱. همان، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۲، ص ۱۴ و ۷۷ و ۸۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۳۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۰۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۶۷.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۸ و ۲۷۸ و ۴۱۶.

۸. همان، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۷.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۲۹ و نمل: ۶۲.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۹ و ۲۷۵ و ۳۴۰ و ۳۹۵.

نشانه‌های ظهور: قمی در ذیل آیه ۳۷ سوره انعام با بیان روایتی از امام صادق علیه السلام، منظور از آیات را چند چیز می‌داند: دابه‌الأرض، دجال، نزول عیسی و طلوع خورشید از محل غروبش.^۱ او در آیه ۵۳ سوره اعراف مصداق آیات تأویل بعد از تنزیل را قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز قیامت دانسته است.^۲ همین مسئله در آیه ۳۳ سوره توبه تکرار شده است.^۳

خروج سفیانی در مقابل امام مهدی یکی از مصداق آیه ۸ سوره اسراء و آیه ۱۱۳ سوره طه است.^۴ ایشان در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف علاوه بر نشانه‌های بالا به شرح حال یاجوج و مأجوج و چگونگی پشت سد قرار گرفتن و شکسته شدن آن سد و خروج آن‌ها در آخرالزمان در قالب روایتی طولانی از امیرالمؤمنین پرداخته است.^۵ او ندای آسمانی را در ذیل آیات ۴ شعراء و ۴۱ و ۴۲ سوره ق آورده است.^۶

قمی در ذیل آیه ۵ سوره سبأ نشانه‌های ظهور را با ذکر روایتی مطرح کرده است؛ از جمله به ندای آسمانی، خروج سفیانی و خسف به بیداء اشاره کرده است؛ علاوه بر این نشانه‌ها به مکان و سخنان حضرت و مضطر بودن ایشان و بیعت‌کنندگان و تعداد اصحاب در هنگام ظهور اشاره کرده است.^۷

بشارت به وجود امام مهدی علیه السلام قبل از ولادت: این مسئله در ذیل آیات ۹۸ سوره کهف است که اجداد حضرت را به ترتیب نام می‌برد.^۸ از دید ایشان «**مَا خَلَفَهُمْ**» در آیه ۱۱۰ سوره طه نیز یعنی همان اخبار قائم.^۹

غلبه اسلام: قمی غلبه اسلام و عدالت‌گستری حضرت مهدی علیه السلام را در ذیل آیه ۲۸ سوره فتح و آیات ۹ و ۱۳ سوره صف و آیه ۲ سوره لیل آورده است.^{۱۰}

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹۸.
۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵.
۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۹.
۴. همان، ج ۲، ص ۱۴ و ۶۵.
۵. همان، ج ۲، ص ۴۵-۴۰.
۶. همان، ج ۲، ص ۱۱۸ و ۳۲۷.
۷. همان، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷.
۸. همان، ج ۲، ص ۴۵.
۹. همان، ج ۲، ص ۶۵.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۳۱۷ و ۲۶۵ و ۳۶۶ و ۴۲۵.

ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام: عهدی را که حضرت آدم فراموش کرد و خداوند در آن عهد از آدم عزم و استواری نیافت، پیامبر و اوصیای ایشان بر آن استوار بودند و مستجمع همه عزم‌ها در قائم و سیره‌اش وجود دارد.^۱

قمی تأویل «حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» در آیه ۶۹ سوره نساء را قائم آل محمد دانسته است.^۲ از نگاه تفسیری او، امام کسی است که مقدرات عالم در شب قدر به ایشان عرضه می‌شود.^۳

۲-۲. کتاب التفسیر معروف به تفسیر عیاشی اثر ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی (۳۲۰ ق)

ایشان در تفسیر روایی خود درباره مهدویت مطالب فراوانی آورده است. او ذیل چهل آیه از قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از منظر کلام ائمه اطهار پرداخته است. اهم موضوعات عبارت است از:

نشانه‌های ظهور: عیاشی تقریباً همه نشانه‌های ظهور امام مهدی را ذیل آیه ۱۴۸ سوره بقره با ذکر روایتی طولانی بیان کرده که عبارت‌اند از: خروج سفیانی، خسف به بیداء، خسف در جزیره العرب، خسف در مشرق و مغرب و آوردن پرچم و پیراهن رسول گرامی اسلام. نظر عیاشی از آوردن این روایت ذیل آیه این بود که این آیه تأویلش جمع شدن یاران حضرت مهدی علیه السلام در زمان ابلاغ ظهور است که به مناسبت اشاره به وضعیت آن زمان، نشانه‌ها، بیعت کنندگان و سخنان حضرت پس از ظهور پرداخته است.^۴

خوف و گرسنگی: گرسنگی قبل از ظهور از نشانه‌های دیگر ظهور است که ایشان در ذیل آیه ۱۵۵ سوره بقره بیان کرده‌اند.^۵ و آوردن پرچم رسول‌الله در زمان ورود به نجف هم در سوره بقره آیه ۲۱۰ آمده است.^۶ و جفنه‌ای^۷ که حضرت مریم از طرف خداوند ارتزاق می‌کرد در دست

۱. همان، ج ۲، ص ۶۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۹۰.

۴. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۶۴-۶۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۶۸.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

۷. «جفن: الجفنة: القصة الكبيرة، ظرف بزرگ». علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینة البحار، ج ۲، ص ۷۰.

امام مهدی است و در آن روزی می‌خورد.^۱ و خروج سفیانی و خسف به بیداء در سوره‌های نساء آیه ۴۷ و سوره نحل آیه ۴۵ هم آمده است.^۲

عیاشی در ذیل آیه ۱۵۸ انعام به بعضی از نشانه‌ها مانند «طلوع شمس از مغرب، خروج دابه و دجال» اشاره کرده و گفته است: «بعضی مردم با دیدن این نشانه‌ها بر عمل غیر ایمانی اصرار می‌کنند؛ سپس آیات و نشانه‌ها می‌آید که در آن صورت ایمان برای آنان فایده‌ای ندارد». او در روایت دیگر اشاره دارد به اینکه زمانی که خورشید از محل غروبش طلوع کند، همه مردم مؤمن می‌شوند.^۳

رجعت: اثبات امکان رجعت با کمک آیه ۲۴۳ سوره بقره؛ زنده‌شدن افرادی که از بیم مرگ از خانه‌هایشان خارج شدند و خداوند آنان را [با دعای پیامبر زمان] زنده کرد و به زندگی عادی خود پرداختند.^۴

عیاشی با ذکر دو روایت تقریباً شبیه به هم در ذیل آیه ۳۸ تا ۴۰ سوره نحل مسئله رجعت و رجعت‌کنندگان را بیان کرده است.^۵

او ظهور امام مهدی و حکومتش و رجعت امام حسین به همراه هفتاد نفر از یاران شهیدش پس از ظهور و رحلت امام مهدی، غسل دادن و کفن کردن ایشان به دست امام حسین علیه السلام و محل دفن آن حضرت را در ذیل روایتی ذیل آیات ۴ تا ۶ سوره اسراء بیان کرده است و در انتهای روایت امام فرمود: «بعد از امام حسین وصی و ولی دیگر نمی‌آید». او در ذیل آیه ۲۴ سوره کهف از جابر و او هم به نقل از امام باقر علیه السلام، چنین نقل می‌کند: «بعد فوت قائم، منتصر (امام حسین) می‌آید و بعد از فوت ایشان سفاح (امیرالمؤمنین) خواهد آمد و جهان را به دست ایشان اصلاح خواهد کرد».^۷

یاران: تعداد یاران خاص امام مهدی و چگونگی جمع‌شدن آنان را در ذیل آیه ۱۴۸ سوره بقره

۱. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۵ و ج ۲، ص ۲۶۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۳۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۵۹.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۸۱.

۷. همان، ج ۲، ص ۳۲۶.

و آیه ۸ و ۸۰ سوره هود و آیه ۴۵ سوره نحل بیان کرده است؛ اما تعداد یاران عام حضرت در زمان خروج کمتر از ده هزار نفر نیست؛ این مسئله در ذیل آیه ۲۴۹ سوره بقره آمده است.^۱ عیاشی با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام، ذیل آیه ۱۵۹ اعراف گفته است: «وقتی امام ظهور کند ۲۷ مرد، که پانزده نفر از قوم موسی (آنان که به حق و عدل داوری می‌کردند) و هفت نفر هم از اصحاب کهف همراه با یوشع (وصی موسی)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، اباجانه انصاری و مالک اشتر خارج می‌شوند».^۲ عیاشی با ذکر روایت، مصداق آیه ۴۵ ابراهیم را امام مهدی و یارانش دانسته است.^۳ به بیان او اثر خواندن سوره اسراء در هر شب جمعه، درک حضرت مهدی علیه السلام و قرارگرفتن جزو یاران ایشان است.^۴

بشارت به ظهور امام قبل از ولادت: تبدیل شدن انفاق به هفت برابر تمثیلی است که امام صادق علیه السلام، ذیل آیه ۲۶۱ سوره بقره فرمود: «منظور از حبه، فاطمه و منظور از سبع سنابل هفت نفر از اولادش است؛ اول آنان امام حسین و آخرش قائم است».^۵ عیاشی با ذکر روایتی از سلیم بن قیس در ذیل آیه ۵۹ سوره نساء با اشاره به اینکه امام مهدی از نسل پیامبر اکرم و اولاد حسین است، اشاره‌ای به ظهور، عدالت‌گستری و بیعت‌کنندگان با ایشان بین رکن و مقام هم کرده است. عیاشی با ذکر دو روایت مصداق آیه «و لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»^۶ را ائمه و امام مهدی معرفی کرده است.^۷

نکته‌هایی درباره «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي»

ظاهراً تطبیق عدد هفت به دوازده امام یا چهارده معصوم مشکل به نظر می‌رسد؛ البته عده‌ای از بزرگان توجیهاتی را ذکر کرده‌اند:

الف. منظور از عدد هفت در اینجا، هفت نامی است که چهارده معصوم دارند که عبارت‌اند از: محمد، فاطمه، علی، حسن، حسین، جعفر و موسی. این‌ها تشکیل‌دهنده اسامی هر چهارده

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۴۱-۱۴۰ و ۱۵۷ و ۲۶۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۳۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۷۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۶. حجر: ۸۷.

۷. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۰.

نفر است و مثنائی از ثنا مشتق شده و به مفهوم هم‌ردیفی آن‌ها با قرآن است و خود پیامبر هم داخل در این مفهوم است و درعین حال سبع‌المثنائی به او اعطا شده و میان معطی و معطی‌له تغایر اعتباری کافی است.^۱

ب. اگر عدد هفت را دو برابر کنیم عدد چهارده به دست می‌آید.

ج. بیش‌تر علوم از هفت امام منتشر گشته است.^۲

د. روایت فرات^۳ و روایت عیاشی، به اصطلاح محدثان، «مرسل» اند و هیچ‌کدام از آن‌ها سند متصل ندارند و نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد. بعید نیست که این روایات از ساخته‌های اسماعیلیه یا واقفیه باشد که هر دو از فرقه‌های شیعه و معتقد به هفت امام‌اند؛ همان‌گونه که مجلسی نیز به این مطلب اشاره می‌کند.

هـ. ممکن است منظور از سبع‌المثنائی هفت بطن قرآن باشد.

غلبه اسلام: روایات، آیه ۸۳ سوره آل‌عمران را به غلبه کامل اسلام تأویل برده‌اند.^۴ عیاشی ذیل آیه ۳۹ سوره انفال درباره غلبه کامل اسلام به ذکر تمثیلی از امام صادق علیه السلام می‌پردازد: «اسلام همانند تاریکی شب که در همه منافذ دنیا نفوذ می‌کند، سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت.»^۵ او در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه علاوه بر مطالب بالا این نکته را اضافه می‌کند که این غلبه در زمان رجعت رخ خواهد داد.^۶

ظهور امام مهدی علیه السلام: ظهور امام مهدی همان اجل قریب در آیات ۷۷ سوره نساء و ۴۴ سوره ابراهیم است.^۷ عیاشی در ذیل آیه ۳ سوره مائده و آیات ۷ و ۸ سوره انفال، روز ظهور حضرت را روز ناامیدی کفار و بنی‌امیه دانسته است.^۸

قیام‌کننده با شمشیر درنهایت وارث زمین خواهد شد و این وراثت از ائمه دست‌به‌دست به

۱. حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۵.

۳. فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۳۱.

۴. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۱-۵۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۸۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۵۸ و ج ۲، ص ۲۳۵.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۹۲ و ج ۲، ص ۵۰.

امام مهدی می‌رسد.^۱ خروج امام مهدی مصداق آیات ۳ و ۳۰ و ۳۴ سوره توبه و آیه ۴۶ سوره ابراهیم و آیه ۷۵ سوره مریم قرار گرفته است.^۲

کشته‌شدن ابلیس به دست امام، تأویل آیه «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۳ است.^۴ حضرت جبرئیل اولین بیعت‌کننده با امام مهدی است او در حال بیعت به صورت پرنده سفید ظاهر می‌شود و مردی را در بالای کعبه و مردی دیگر را در بالای بیت المقدس قرار می‌دهد و آنان با صدایی بلند و رسا فریاد می‌زنند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ».^۵

انتقام خون امام حسین علیه السلام: او با استناد به روایتی در ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء ثابت کرده است که منظور از مظلوم در آیه، امام حسین است و منظور از منصور نیز حضرت مهدی علیه السلام است؛ لذا منصور انتقام خون مظلوم را می‌گیرد.^۶

عیاشی با ذکر روایتی در ذیل سوره انفال آیه ۳۹ از امام باقر علیه السلام، به موضوعات فراوانی در حوزه مهدویت اشاره نموده است. موضوعاتی مانند «بشارت به ظهور، آینده بشریت، غیبت، سخنان حضرت بعد از ظهور، اصحاب امام و تعداد آنان، چگونگی جمع شدن و محل خروج یاران خاص، امنیت جهانی، احیای قرآن، بیعت‌کنندگان، اقامه سنن، مدد‌های غیبی، خروج سفیانی، خسف به بیداء و غلبه کامل اسلام».^۷

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۶ و ۸۶ و ۸۸-۸۷ و ۲۳۵ و ۳۰۲.

۳. حجر: ۳۶.

۴. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ۲۴۲.

۵. نحل: ۱ و عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۹۲-۲۹۱.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۱-۵۶.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم، عربستان، مكتبة نزار مصطفى الباز، ج ۳، ۱۴۱۹ ق.
۳. الماوردي، محمد بن حبيب، النكت و العيون، دارالكتب العلمية، بيروت ۱۴۱۲ ق.
۴. جصاص، احمد بن على، احكام القرآن، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، ۱۴۰۵ ق.
۵. حبرى كوفى، ابو عبدالله حسين بن حكم، تفسير الحبرى، بيروت، مؤسسه آل البيت لأحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶. حويزى، عبدعلى بن جمعه، تفسير نورالثقلين، قم، اسماعيليان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۷. زيد بن على بن الحسين، تفسير غريب القرآن، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ج ۲، ۱۴۱۸ ق.
۸. شبروى، عبدالله بن محمد بن عامر، الاتحاف بحب الاشراف، قم، رضى، ج ۲، ۱۳۶۳.
۹. شوكانى، محمد بن على، فتح القدير، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. شهرستانى، ابى الفتح محمد بن عبدالكريم بن ابى بكر احمد الشافعى، الممل و النحل، بيروت، دارالمعرفة، ج ۴، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. صابرى، حسين، تاريخ فرق اسلامى، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۱۲. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. عياشى، محمد بن مسعود، كتاب التفسير، تهران، چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ ق.
۱۴. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، قم، دارالكتاب، ج ۴، ۱۳۶۷.
۱۵. _____، تفسير قمى، قم، دارالكتاب، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۱۸. مقاتل بن سليمان بلخى، تفسير مقاتل بن سليمان، بيروت، دار إحياء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۱۹. نورى، محمد، دايره المعارف تشيع، تهران، شهيد سعيد محبى، ۱۳۷۹.
۲۰. نمازى شاهرودى، على، مستدرک سفینه البحار، تهران، بعثت، ۱۴۰۹ ق.

نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام در صحاح سته

حجت الاسلام والمسلمین وحید خورشید *

مقدمه

اعتقاد به اصل مهدویت و حکومت فراگیر و عادلانه مهدی موعود از اختصاصات شیعیان نیست؛ بلکه دیدگاه اهل سنت نیز با شیعه در این مسئله یکی است. بین همه مسلمانان مشهور است که در آخرالزمان به طور یقین، مردی از اهل بیت پیامبر ظهور می‌کند. او دین را یاری و عدل را در همه جهان آشکار می‌کند. نامش «مهدی» است. عیسی علیه السلام، بعد از او یا هم‌زمان با او، نزول و او را در کشتن دجال یاری و در نماز به او اقتدا می‌کند؛ برای همین اندیشمندان و نویسندگان برجسته مسلمان از سده‌های نخستین تاکنون به مباحث مهدویت در تاریخ اسلام توجه کرده و آثار فراوانی در این باره ارائه کرده‌اند.

صحاح سته از جمله آثاری است که روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام، را به صورت مفصل نقل کرده‌اند. وجود این احادیث فراوان و معتبر در این منابع مهم و باارزش روایی اهل سنت، نشان از اهمیت مسئله مهدویت دارد. از مباحثی که در صحاح سته درباره آن روایات فراوانی نقل شده، نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

رضی قادری کتابی مستقل درباره مهدویت در صحاح سته با نام مهدویت در صحاح سته نوشته است؛ اما نویسنده بیشتر در صدد جمع روایات مهدوی بوده است. رحیم علی طالعی نیز کتاب علائم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام از نگاه شیعه و سنی را نوشته که به صورت تطبیقی به روایات اشاره کرده است. این نوشتار، گذشته از بررسی صحت و سقم روایات، با تکیه بر کتب شارحان صحاح سته، به نکات مهم و قابل توضیح روایت نیز اشاره کرده است تا فهم روایات، برای خواننده آسان باشد. پرداختن به مسائل مهدویت در کتب اهل سنت، از آنجا دارای اهمیت

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

و ضرورت است که بیشتر روایات آن‌ها شبیه به روایات شیعه است. این مسئله می‌تواند گامی مهم در احیای فرهنگ تقریب و وحدت بین شیعه و اهل سنت، درباره مهدویت بر می‌دارد. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و در پی پاسخ به این سؤال است که در مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به چه مسائلی پرداخته شده است؟

نشانه‌های مهم قبل از ظهور

مطلب قابل توجه این است که برخی از نشانه‌های ظهور در کتب اهل سنت به «اشراط الساعة» (علامات آخرالزمان و قیامت) یاد می‌شود؛ اما این منافات ندارد که آن را نشانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز بگیریم؛ یعنی یک نشانه هم می‌تواند از «اشراط الساعة» باشد هم درباره ظهور. ملا علی قاری (متوفای ۱۰۱۴ ق) نیز به این مسئله در کتاب مرقاة المفاتیح اشاره کرده است که عنوان باب اشراط الساعة اعم از مهدی و غیر مهدی است. وی در صفحه ۱۰۰ همان کتاب در ذیل روایتی درباره نشانه‌های قیامت، اشاره کرده است که نشانه‌های قیامت، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار می‌شود. ابن حجر (متوفای ۸۵۲ ق) نیز در کتاب فتح الباری^۱ بعد از ذکر روایات درباره وقوع فتنه، هرج و مرج و فساد در زمین که از آن‌ها با عنوان اشراط الساعة یاد شده، می‌گوید: «این‌ها همه هنگام خروج مهدی اتفاق خواهد افتاد». این جمله به‌خوبی نشان می‌دهد که بین این دو نشانه، منافاتی ندارد و نشانه‌های قیامت می‌تواند، نشانه‌های ظهور مهدی موعود نیز باشد. شارحان روایات درباره نشانه‌ها نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند که بعد از این نشانه‌هاست که مهدی ظهور خواهد کرد.

۱. فراگیری هرج و مرج و ظلم و ستم

از موارد مهم آخرالزمانی در کتب اهل سنت به‌ویژه در صحاح سته که در حقیقت از نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به شمار می‌رود، گسترش هرج و مرج و فراگیری ظلم و ستم است. بیشتر روایات در این باره در ذیل باب الفتن ذکر شده است. این فتنه‌ها بعد از ظهور از بین خواهند رفت. ابن حجر در این باره می‌گوید: «ینشأ عنها الهرج ثم یخرج المهدی فیحصل الأمن»؛^۲ هرج و مرج به وجود خواهد آمد؛ سپس مهدی خروج کند و امنیت حاصل شود. روایات صحاح سته در این باره چنین است:

۱. ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۷.

۱. بخاری (متوفای ۲۵۶ ق) درباره هرج و مرج در آن زمان چنین نقل کرده است: «قال النبي صلى الله عليه وآله: إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ لَأَيَّامًا يَنْزُلُ فِيهَا الْجَهْلُ وَيَرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ وَيَكْثُرُ فِيهَا الْهَرْجُ وَالْهَرْجُ الْقَتْلُ»؛^۱ پیامبر فرمود: در آستانه قیامت ایامی خواهد بود که جهل سرازیر می‌شود و علم رخت برمی‌بندد و هرج و مرج و قتل زیاد می‌شود. وی روایت دیگری را نیز این چنین نقل کرده است: «النبي صلى الله عليه وآله، قال: يتقارب الزمان وينقص العلم ويلقى الشح وتظهر الفتن ويكثر الهرج. قالوا: يا رسول الله ايما هو؟ قال: القتل القتل»؛^۲ زمان نزدیک می‌شود و علم کم می‌شود و بخل بالا می‌گیرد و فتنه‌ها ظاهر و هرج زیاد می‌شود. پرسیدند: یا رسول‌الله! هرج چیست؟ فرمود: قتل، قتل.

این روایات معتبر به خوبی تصریح دارد که این هرج و مرج و فتنه‌ها از نشانه‌ها خروج مهدی موعود است. ملا علی قاری بعد از ذکر این روایات گوید: «كأنه والله أعلم، يريد خروج المهدي و بسط العدل في الأرض»؛^۳ گویا خدا اراده کرده است که مهدی خروج کرده و عدالت را در زمین بگستراند.

درباره معنای «یتقارب الزمان» در متن روایت، چندین احتمال داده‌اند.

یک. مراد این است که در آن روزگار چنان لذت عیش و زندگی بیشتر می‌شود که گویا سال به اندازه یک ماه و ماه به اندازه یک هفته و یک هفته به مقدار یک روز و یک روز به اندازه یک ساعت می‌شود. این شاید به سبب خروج مهدی باشد که عدالت را در زمین برپا کرده است (امنیت و راحتی مردم را فراهم کرده است که از زندگی لذت می‌برند). ملا علی قاری از کرمانی نقل می‌کند که وی این احتمال را رد کرده و گفته است: «چنین چیزی با مسئله ظهور فتنه و هرج و مرج که در روایت به آن اشاره شده است، سازگاری ندارد»؛^۴

دو. مراد مساوی شدن زمان شب و روز است.

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۵۹۰.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۵۹۰.

۳. عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۱۸۲.

۴. «وقال الخطابي: يتقارب الزمان حتى تكون السنة كالشهر وهو كالجمعة وهي كاليوم وهو كالساعة وهو من استلذذ العيش كأنه والله أعلم يريد خروج المهدي وبسط العدل في الأرض، وكذلك أيام السرور قصار. وقال الكرمانی: هذا لا يناسب أخواته من ظهور الفتن وكثرة الهرج». عینی، بدر الدین، عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۱۸۲.

سه. نزدیک شدن روز قیامت مقصود است.
چهار. مقصود کم شدن شب و روز است.
پنج. طحاوی گفته است که مقصود تغییر احوال مردم است که علم را ترک کرده و به جهل راضی می‌شوند.
شش. بیضاوی نیز معتقد است مراد از نزدیک شدن زمان، انقراض دولت‌ها به صورت سریع و نزدیکی پادشاهی آن‌ها به همدیگر است.^۱
هفت. ابن بطلال نیز گفته است که مراد متفاوت بودن احوال آن زمان درباره اهلیش است که دین‌دار کم می‌شود تا آنجا که به علت غلبه فسق و فاسق دیگر کسی، دیگری را امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند.^۲
هشت. مراد نزدیک شدن احوال مردم در فساد است؛ یعنی صفات اهل آن زمان در انجام دادن چیزهای قبیح به همدیگر نزدیک می‌شود.^۳
نه. ابن حجر احتمال دیگری را نیز در این باره ذکر کرده است که مراد از این جمله، کوتاه شدن عمرها است.

ده. به کوتاه شدن عمر در زمان دجال نیز تفسیر شده است.^۴
یازده. به نزدیکی زمان دنیا به زمان آخرت اشاره دارد.^۵
مراد از کم شدن علم در روایت نیز این است که به علت مرگ علما، نادان‌ها بسیار می‌شوند. عینی نیز به این مطلب اشاره کرده است.^۶ با کم شدن علما، مردم، جاهلان را در جایگاه بزرگ و رئیس خود برمی‌گزینند که آنان نیز طبق رأی خود درباره دین فتوا می‌دهند.^۷
بخاری روایات دیگری را نیز درباره فتنه‌های قبل از ظهور چنین نقل می‌کند: «از نشانه‌های

۱. همان، ج ۲۴، ص ۱۸۲.

۲. «[یتقارب الزمان] ومعنی ذلك، والله أعلم، تقارب أحوال أهله في قلة الدين حتى لا يكون فيهم من يأمر بمعروف ولا ينهي عن منكر لغلبة الفسق وظهور أهله». ابن بطلال، علی، شرح صحیح البخاری، ج ۱۰، ص ۱۳.

۳. عینی، بدرالدین، عمدة القاری، ج ۷، ص ۵۷.

۴. «فسر بقصر الأعمار». ابن حجر، احمد، فتح الباری، ج ۶، ص ۳۲۳.

۵. ملا علی قاری، مرقاة المفاتیح، ج ۱۰، ص ۱۷.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۷، ص ۵۷: «حتى يقبض العلم، و ذلك بموت العلماء و كثرة الجهلاء».

۷. همان، ج ۲، ص ۸۳.

قیامت برچیده شدن علم، باقی ماندن جهل، شراب‌خواری و آشکار شدن زنا، زیاد شدن زنان و کم شدن مردان است تا آنجا که یک نفر، سرپرست و قیم پنجاه زن می‌شود.^۱ شبیه این روایات در صحیح بخاری فراوان ذکر شده است. مسلم نیز این روایات را نقل کرده است.^۲ در سنن ترمذی^۳ و سنن ابن ماجه^۴ نیز نقل شده است.

مراد از زیاد شدن زنان و کم شدن مردان همچنان که شارحان این روایات ذکر کرده‌اند، کشته شدن مردان یا اسیر شدن آنان در جنگ‌ها و فتوحات است که در این صورت زنان باقی می‌مانند و به‌ناچار یک مرد عهده‌دار زنان بسیار می‌شود.^۵ یا اشاره به این است که در آخرالزمان تولد پسر کم و تولد دختر زیاد می‌شود و با کم شدن مردان، علم کم و جهل زیاد می‌شود و به دنبال آن زنا و جهل آشکار می‌شود.^۶

ابن ماجه (متوفای ۲۷۵ ق) و ابوداود (متوفای ۲۷۵ ق) روایتی درباره شدت فتنه در آخرالزمان نقل می‌کنند:

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ ثَنَا عَبْدِ الْوَارِثِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُبَادَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ تَرْوَانَ عَنْ هُرَيْلٍ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَيَمْسِي كَافِرًا وَيَمْسِي مُؤْمِنًا وَيَصْبِحُ كَافِرًا الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ وَالْمَأْمِيُّ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي؛^۷ در آستانه قیامت، فتنه‌ها فرامی‌رسد؛ مثل تکه‌های شب تاریک. مرد صبح می‌کند درحالی‌که مؤمن است و شب‌هنگام، کافر می‌شود. یا شب می‌شود درحالی‌که مؤمن است و صبح‌هنگام کافر می‌شود. در آن ایام، نشسته بهتر از ایستاده است و ایستاده بهتر از راه‌رونده و راه‌رونده بهتر از ساعی است.

البانی (متوفای ۱۴۲۰ ق) بعد از نقل روایت، سند آن را صحیح می‌داند.^۸ این روایت را ترمذی

۱. بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۳.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۶-۲۰۵۹.

۳. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۹۱.

۴. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۳.

۵. مناوی، فیض القدير، ج ۲، ص ۵۳۲.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۲، ص ۸۴.

۷. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۱۰ و ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۰.

۸. محمد ناصرالدین البانی، صحیح سنن ابوداود، ج ۳، ص ۱۱.

نیز با اندکی تفاوت نقل کرده است^۱ که البانی آن را صحیح دانسته است.^۲ روایت دیگری نیز با این مضمون در صحاح سته وجود دارد.

این روایت با تشبیه فتنه به شب ظلمانی، شدت فتنه در آخرالزمان را می‌رساند و مراد از اینکه شخص صبح مؤمن می‌شود و در شب کافر و برعکس، کنایه از متزلزل بودن رفتار و گفتار انسان در زمان فتنه‌های آخرالزمان است؛ گاهی مؤمن و گاهی کافر و در یک‌زمان به معروف عمل می‌کند و در زمان دیگر مرتکب منکر می‌شود. حالات افراد در آن عصر، مدام در حال تغییر است. سهارنپوری به این مطلب در شرحش بر این حدیث اشاره کرده^۳ و درباره «الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ» می‌گوید: «این جمله اشعار به این دارد که خیر شخص در زمان فتنه در این است که تا می‌تواند از فتنه و اهل آن دوری کند و با آن‌ها رفت‌وآمد نکند».^۴

ابن ماجه روایتی دیگری را درباره هرج و مرج و کشتار در آخرالزمان چنین نقل می‌کند: پیامبر فرمود: در آستانه قیامت هرج و مرج به وجود خواهد آمد. ابوموسی گوید: گفتم: هرج چیست؟ فرمود: کشتار برخی از مسلمان. گفتند: ای رسول خدا! ما الآن نیز در هرسال در حال جنگ با مشرکینیم. حضرت فرمود: مراد کشتار با مشرکین نیست؛ بلکه برخی از شما برخی دیگر را می‌کشد تا آنجا که مرد همسایه و پسرعمو و اقوام خود را می‌کشد.^۵

البانی این روایت را صحیح دانسته است.^۶
 ابی‌داود روایتی را از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که در آن به پر شدن ظلم در آن زمان چنین اشاره شده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ

۱. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۸۸.

۲. محمد ناصرالدین البانی، صحیح سنن ترمذی، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. خلیل احمد سهارنپوری، بذل المجهود، ج ۱۴، ص ۱۶۲: «ان المراد بالامساء والاصباح تقلب الناس فيها وقتا دون وقت لا بخصوص الزمانين فكانه كناية عن تردد احوالهم و تذبذب اقوالهم و تنوع احوالهم من عهد و نفض و امانة و خيانة و معروف و منكر، سنة و بدعة و ايمان و كافر». سهارنپوری، خلیل احمد، بذل المجهود، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۵. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۰۹.

۶. محمد ناصرالدین البانی، صحیح سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۲۹۸.

جَوْرًا»؛^۱ اگر بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، در آن روز، خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد کند؛ آن چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. البانی بعد از نقل این روایت از سنن أبی داود، سند آن را صحیح دانسته است.^۲ ابن ماجه نیز شبیه به آن را نقل کرده است.^۳

نکاتی درباره پر شدن زمین از ظلم و جور و فساد

در این روایات اشاره شده است که یکی از نشانه‌های ظهور، فراگیر شدن همه جامعه بشری از ظلم و جور است و این ظلم ادامه خواهد داشت تا زمانی که مهدی علیه السلام، ظهور کند و تنها پایان‌دهنده به این ظلم، حکومت عادلانه ایشان است.

باید توجه داشت که در روایات «کما ملئت» آمده؛ نه «بعد ما ملئت» که بیانگر این نکته است که فراگیر شدن ظلم و ستم، شرط مقارن ظهور است؛ نه شرط ظهور؛ افزون بر آن بیانگر اوضاع و احوال جهان در هنگام ظهور است و خبر از واقعیتی خارجی هنگام ظهور می‌دهد؛ نه اینکه مردم را به ظلم ترغیب کند؛ لذا عقیده و برداشت کج اندیشانه برخی از این روایت، مبنی بر گستراندن ظلم و فساد برای تحقق ظهور، باطل است؛ به عبارت دیگر «کما ملئت» یعنی پر شده است و «پر» مفهومی نسبی است و کیفیت «پر» بودن هر چیزی فرق می‌کند. پر شدن از چه چیزی؟ اتاق پر از وسایل شده است یک معنا دارد، اتاق پر از عطر معنایی دیگر. وقتی گفته می‌شود همه اتاق پر از عطر است به این معنا نیست که در اتاق فرش نیست، میز نیست، آدم نیست و چیز دیگر نیست؛ پس پر شدن اتاق از بوی عطر منافاتی ندارد با پر شدن از آدم و سایر لوازم ندارد. گاهی می‌گوییم که خیابان پر از ماشین است؛ در حالی که می‌بینیم جمعیت زیادی در خیابان در حال رفت و آمدند؛ اما «پری» صادق است. پس وقتی که می‌گوییم آخرالزمان پر از ظلم است، معنایش این نیست که پر از چیزهای دیگر نیست یا فرد صالحی وجود ندارد. «کما ملئت ظلما» مثل همان بوی عطر است که گفتیم و ممکن است در شرایطی همه جا را ظلم و جور بگیرد و در عین حال افراد صالح هم وجود داشته باشند. می‌گوییم در روز عاشورا صحرای کربلا را ظلم و جور فرا گرفته بود؛ اما در عین حال امام حسین علیه السلام، نیز در آن صحرا حضور

۱. ابوداود سجستانی، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲. محمد ناصرالدین البانی، صحیح و ضعیف سنن أبی داود، ج ۹، ص ۲۸۳، ح ۴۲۸۳.

۳. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

داشت. آیا این عبارت بدان معنا است که امام حسین علیه السلام هم مرتکب ظلم و ستم می‌شد؟ پس برای اینکه زمین پر از ظلم و جور شود لازمه‌اش ظلم و فساد ما نیست و لازمه‌اش ترک واجبات و انجام دادن حرام نیست و لازمه‌اش کفر و فساد نیست؛ بلکه همین کافی است که چند نفر دارای قدرت بخواهند دنیا را به ظلم و جور بکشانند؛ اما درعین حال ملتی صالح نیز وجود داشته باشد.

۲. خروج سفیانی و خسف بیداء

از جمله نشانه‌هایی که قبل از ظهور به وقوع خواهد پیوست، خروج سفیانی و خسف بیداء (فرورفتن لشگر سفیانی در زمین) است. در روایات اهل سنت آمده است که مهدی قیام نمی‌کند؛ مگر اینکه سفیانی خروج کند و خسف بیداء رخ بدهد.^۱ سفیانی که یکی از نوادگان ابوسفیان است، از شام خروج می‌کند. او هرج و مرج را رواج داده و کسی را که با او مخالفت کند به قتل می‌رساند.^۲ در روایات صحیح نقل شده است که او در کشتار مردم چنان مبالغه می‌کند که حتی شکم زنان را دریده و کودکان را می‌کشد. وی برای اینکه کعبه را تخریب کند و حکومت را از دست حضرت مهدی علیه السلام بگیرد، به طرف کعبه لشگرکشی می‌کند؛ اما لشگریان او در سرزمین بیداء (بین مدینه و مکه) به معجزه الهی در زمین فرو می‌روند. احادیث گوناگون و زیادی در صحاح سته درباره سفیانی نقل شده است؛ ولی نامی از او به میان نیامده است؛ اما در دیگر کتب روایی اهل سنت از جمله مستدرک حاکم نیشابوری با سند صحیح، به نام، جنایات و لشگرکشی او به طرف کعبه اشاره شده است که با روایات صحاح مطابقت دارد.^۳

روایاتی سفیانی و خسف بیداء در صحاح سته از این قرار است:

بخاری روایتی را از عایشه چنین می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمود: «يَعْرُو جَيْشُ الْكُعْبَةِ؛ فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ»؛^۴ لشگری آهنگ کعبه می‌کنند؛ پس هنگامی که به

۱. یوسف مقدسی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ج ۱، ص ۱۱۹: «أما من علامة بين يدي هذا الأمر، يعني ظهور المهدي... خروج السفیانی و الخسف بالبیداء».

۲. نعیم مروزی، الفتن، ص ۲۸۰-۳۳۳.

۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۶۵: «يخرج رجل يقال له السفیانی فی عمق دمشق و عامة من يتبعه من كلب؛ فيقتل حتى يبق بطن النساء و يقتل الصبيان... إذا صار ببیداء من الأرض خسف بهم... هذا حديث صحيح الإسناد علی شرط الشيخين و لم يخرجاه».

۴. بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶.

زمین بیداء درآمدند، زمین همه آن‌ها را فرومی‌برد.

وی روایت مشابهی را در ذیل باب «هدم کعبه» ذکر کرده است.^۱ مسلم نیز روایاتی را در این باره در ذیل «بَابُ الْخَسْفِ بِالْجَيْشِ الَّذِي يُؤْمُ الْبَيْتِ» نقل کرده است؛ همچنین به این مطلب تصریح کرده است که مراد از بیداء، منطقه‌ای در اطراف مدینه است. او ابتدا روایتی را چنین نقل می‌کند که برخی از اصحاب از پیامبر درباره خسف در بیداء و سپاهی پرسیدند که در آن فرو می‌رود. ام سلمه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرد که آن حضرت فرمود: «يَعُودُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ؛ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتٌ؛ فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ»؛^۲ مردی به خانه خدا پناه خواهد برد؛ پس لشکری به سوی او فرستاده می‌شود. وقتی آن لشکر به سرزمین بیداء رسید، در آن سرزمین فرو خواهد رفت. وی همچنین از یکی از زنان پیامبر چنین نقل کرده که حضرت فرمود: «به‌زودی به این خانه (کعبه) گروهی پناه خواهند برد که وسیله دفاعی و لشکر و امکانات ندارند. لشکری به سوی آن‌ها فرستاده خواهد شد. هنگامی که آن لشکر به سرزمین بیداء رسید در آنجا فرو خواهد رفت».^۳ مسلم روایت دیگری را نیز چنین از حفصه نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لشگری قصد خانه خدا کنند تا اینکه به بیداء برسند که وسط آن لشکر به زمین فرو روند و آخر لشکر اول آن را خبردار می‌کند که آن‌ها نیز به زمین فرو می‌روند؛ در این صورت کسی از آن‌ها باقی نمی‌ماند؛ مگر یک نفر که این جریان را بازگو می‌کند».^۴ ترمذی نیز روایت صحیحی را درباره لشکر سفیانی از صفیه همسر پیامبر نقل کرده است.^۵ ابن ماجه نیز چندین روایت در سنن خود در کتاب الفتن در «باب جيش البیداء» در این باره نقل کرده است.^۶

ابوداود نیز در سنن خود در کتاب المهدی درباره فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بین مکه و مدینه از صفیه نقل کرده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «وَيَبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتٌ مِنَ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ»؛^۷ به سوی او لشکری از شام فرستاده می‌شود؛ پس در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه فرو می‌روند. وی در کتاب الملاحم نیز روایتی را درباره نشانه‌های

۱. همان، ج ۲، ص ۵۷۹.

۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۲۱۰.

۴. همان، ص ۲۲۰۹.

۵. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۷۸.

۶. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۰.

۷. ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

آخرالزمان چنین نقل می‌کند که در آن به خسف در جزیره العرب نیز اشاره می‌کند: «لَنْ تُقْوَمَ السَّاعَةُ... وَثَلَاثُ حُسُوفٍ حَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَحَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَحَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ»؛^۱ قیامت بر پا نمی‌شود مگر آن‌که ده نشانه محقق شود... سه تا خسوف است؛ فرورفتن در مغرب، فرورفتن در مشرق و فرورفتن در جزیره العرب. گفتنی است که این روایت را مسلم،^۲ ابن ماجه^۳ و ترمذی^۴ نیز نقل کرده‌اند.

نسائی نیز چندین روایت را درباره خسف بیداء نقل کرده است. وی روایتی را از حفصه چنین نقل می‌کند که پیامبر ﷺ، فرمود: «لشگری به سوی حرم (کعبه) فرستاده می‌شود. زمانی که به بیداء برسند اولین و آخرین آن‌ها بر زمین فرو می‌روند و وسط لشگر نیز نجات پیدا نمی‌کند».^۵

طبق این روایات، خروج سفیانی و فرورفتن او بعد از لشگرکشی به طرف کعبه، از علائم ظهور حضرت مهدی ﷺ است که در بیان علمای اهل سنت از آن به آخرالزمان یاد می‌شود. هدف سفیانی نیز از این حمله، تخریب کعبه و نابودی حکومت امام مهدی ﷺ است. ملا علی قاری در ذیل «یغزو جیش» گوید: «مراد لشگر عظیم در آخرالزمان است که هدف آن‌ها تخریب کعبه است».^۶ ابن حبان نیز قبل از نقل روایات «خسف بیداء» به این مسئله اشاره می‌کند که هدف لشگر سفیانی از بین بردن حکومت حضرت مهدی ﷺ است: «القوم الذین یخسف بهم إنما هم القاصدون إلى المهدی فی زوال الأمر عنه».^۷ می‌شود چنین برداشت کرد که سفیانی در حمله به کعبه دو هدف عمده دارد: تخریب خانه خدا و از بین بردن حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ؛ اما به عذاب الهی گرفتار می‌شود و قبل از رسیدن به کعبه، زمین لشگریان او را فرومی‌برد.

درباره علائم ظهور، نشانه‌های دیگری نیز مانند طلوع خورشید از مغرب، پرچم‌های سیاه از

۱. همان، ج ۴، ص ۱۱۴.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۵.

۳. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۷.

۴. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۷۷.

۵. نسائی، سنن النسائی، ج ۵، ص ۲۰۶.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۱۱، ص ۲۳۶.

۷. ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۱۵۸.

خراسان و خروج دجال مطالب زیادی نقل شده است.

فهرست منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، أحمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: محب‌الدین الخطیب، بیروت، دارالمعرفة.
۲. البانی، محمد ناصرالدین، صحیح سنن ابوداود، مکتبه المعرف للنشر و الطبع، ۱۴۱۹ ق.
۳. _____ صحیح سنن ترمذی، ریاض، معارف.
۴. _____ صحیح سنن ابن ماجه، ریاض، مکتبه المعارف.
۵. _____ صحیح سنن ابوداود، مکتبه المعرف للنشر و الطبع، چاپ اول سال چاپ: ۱۴۱۹ هـ
۶. _____ صحیح و ضعیف سنن ابی داود، کویت، مؤسسه غراس، ۱۴۲۳ ق.
۷. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۲، ۱۴۱۴ ق.
۸. بخاری، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی ديب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ج ۲، ۱۴۰۷ ق.
۹. بکری قرطبی، ابوالحسن علی بن خلف بن عبدالملک (ابن بطلال)، شرح صحیح البخاری، تحقیق: ابوتمیم یاسر بن إبراهيم، ریاض، مکتبه سعودیه، ج ۲، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. عینی، بدرالدین ابومحمد محمود بن أحمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۱. قاری، ملا علی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، تحقیق: جمال عیتانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۳. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، تحقیق: أحمد محمد شاکر و آخرون، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۴. مناوی، محمد، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، مصر، المکتبه التجاریة الکبری، ۱۳۵۶ ق.
۱۵. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.

١٦. سهارنپورى، خليل احمد، البذل المجهود فى حل أبى داود، بيروت، دارالكتب العلميه.
١٧. حاكم نيشابورى، محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١١ ق.
١٨. نسائى، أحمد، المجتبى من السنن، تحقيق: عبدالفتاح ابوغدة، حلب، مكتب المطبوعات الإسلاميه، ج ٢، ١٤٠٦ ق.
١٩. مروزى، نعيم بن حماد، كتاب الفتن، تحقيق: سمير أمين الزهيرى، قاهره، مكتبة التوحيد، ١٤١٢ ق.
٢٠. قزوینى، محمد، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دارالفكر.

برکات اجتماعی ظهور حضرت مهدی علیه السلام در روایات فریقین

محمد باغچیقی *

مقدمه

می‌توان اعتقاد به منجی را از جمله نقاط مشترک میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف قلمداد کرد؛ بدین‌سان که در همه ادیان و مذاهب اسلامی، خبر از ظهور شخصی در آخرالزمان مطرح شده است. آنچه در این میان خودنمایی می‌کند این است که طبق روایات فراوانی که علاوه بر شیعیان، محدثین اهل سنت نیز آن‌ها را نقل کرده‌اند، ظهور منجی موجب نزول برکات فراوانی از جمله برکات اجتماعی بر بشریت خواهد شد. از آنجاکه تبیین و تذکر برکات اجتماعی عصر ظهور، ثمرات فراوانی نظیر تقویت فرهنگ انتظار به همراه دارد، بسیاری از محققین و پژوهشگران مسلمان به‌ویژه شیعی، مقالاتی را در این باره نگاشته‌اند؛ برای نمونه می‌شود به مقاله‌ای کوتاه با عنوان «برکات و نعم فراوان در عصر ظهور» اشاره کرد که پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه آن را منتشر کرده است. نکته حائز اهمیت درباره مقاله مذکور و مقالات دیگری که در این باره نوشته شده‌اند، این است که معمولاً نویسندگان محترم این مقالات، برای اثبات مباحث خود، صرفاً به روایات مصادر شیعی استناد کرده و از روایات کتب روایی اهل سنت بی‌بهره بوده‌اند؛ حال آنکه نگارنده در مقاله پیش رو، افزون بر منابع روایی شیعیان، به کتب روایی اهل سنت نیز رجوع کرده است؛ لذا برکات اجتماعی عصر ظهور را با عنایت به روایات محدثین شیعه و سنی نقل می‌کند که بدون شک این مهم، موجب تقویت مبلغین محترم مناطق تلفیقی خواهد شد. ایشان می‌توانند حتی در محافلی که برادران اهل سنت نیز حضور دارند، از ثمرات اجتماعی عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام، سخن به میان آورند؛ چراکه محدثان سنی مذهب نیز

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

به بیان این ثمرات و برکات، عنایت داشته‌اند. نگارنده با استناد به روایات فریقین در ادامه این نوشتار پنج نمونه از برکات اجتماعی عصر ظهور را بیان کرده است.

برکات اجتماعی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

پاره‌ای از برکات اجتماعی عصر ظهور در کتب روایی شیعیان و اهل سنت ذکر شده‌اند. اینجا به پنج برکت اجتماعی حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه اشاره می‌شود.

۱. نابودی ظلم و فراگیری عدالت

به جرئت می‌توان یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری در عصر حاضر را «ظلم و تبعیض» تلقی کرد. ظلم و تبعیضی که بشریت را آزرده‌خاطر کرده است.^۱ با نگاهی به روایات اسلامی برمی‌آید که ظلم و تبعیض، در سال‌های منتهی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به اوج خود می‌رسد. ابوسعید خدری به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند: «در آخرالزمان از ناحیه فرمانروایان، بلایی بی‌سابقه و بزرگ بر امت من نازل می‌شود که شدیدتر از آن را کسی ندیده و نشنیده است؛ به‌گونه‌ای که زمین برای زندگی مؤمنین تنگ (ناامن) می‌شود و ظلم و ستم همه جا را فرامی‌گیرد. در آن دوران، انسان باایمان جایی را نمی‌یابد که برای در امان ماندن از ظلم، بدان جا پناه ببرد».^۲

حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ ق) حدیث‌شناس مطرح اهل سنت، این روایت را صحیح دانسته است.^۳

نکته قابل توجه این است که طبق روایات فریقین، با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظلم‌ها به

۱. مقام معظم رهبری رحمته الله علیه، در این باره چنین تصریح فرموده‌اند: «امروز بشریت از سلطه قدرت‌های طاغوتی، از ظلم، تبعیض، فساد و تسلط هوس‌های گروه‌های خاص بر زندگی مردم رنج می‌برد». (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و

نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، مدظله‌العالی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲ مهر ۱۳۸۲)
۲. «يُنزَلُ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ لَمْ يَسْمَعْ بَلَاءٌ أَشَدُّ مِنْهُ؛ حَتَّى تَضِيقَ عَنْهُمْ الْأَرْضُ الرَّحْبَةَ وَ حَتَّى يَمَلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، لَا يَجِدُ الْمُؤْمِنُ مَلْجَأً يَلْتَجِي إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ». (مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۱۳)

۳. حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ ق) درباره این روایت چنین تصریح کرده است: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَ لَمْ يَخْرُجْ جَاهًا»؛ این حدیث، صحیح است؛ هر چند در صحیح بخاری و صحیح مسلم ذکر نشده است. (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۱۲)

پایان رسیده و جای خود را به عدالت خواهند داد؛ به دیگر سخن، جهان سرشار از عدل و داد خواهد شد. به دور روایت از محدثین شیعه و اهل سنت در این باره اشاره می‌شود.

شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه چنین آورده است: «پیامبر اکرم فرمود: مهدی از فرزندان من است. اسم او همچون اسم من و کنیه او نیز همانند کنیه من است. او از نظر خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امت‌ها در آن گمراه شوند؛ سپس مانند شهاب ثاقب خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».^۱

ابن حبان (۲۷۰ - ۳۵۴ ق) در صحیح چنین روایت کرده است: «پیامبر فرمود: از امت من شخصی ظهور می‌کند که هم‌نام من است و اخلاقش همانند من است و جهان را پر از عدل و داد می‌کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده است».^۲

افزون بر شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) و ابن حبان (۲۷۰ - ۳۵۴ ق)، علمای دیگری نظیر شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق)،^۳ ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۰ ق)،^۴ علامه مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق)،^۵ ابن ابی‌شبهه (۱۵۹ - ۲۳۵ ق)،^۶ ابوداود سجستانی (۲۰۲ - ۲۷۵ ق)^۷ و سلیمان بن احمد طبرانی (۲۶۰ - ۳۶۰ ق)^۸ روایاتی شبیه دو روایت فوق را ذکر کرده‌اند. حاکم

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي. اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي. أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا. تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَبْرَةً تَصِلُ فِيهَا الْأُمَمُ؛ ثُمَّ يَقِيلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا».

(شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۶)

۲. «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي بِوَأْطِي اسْمِي وَ خُلُقِي خُلُقِي؛ فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا».

(ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۳۷)

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰.

۴. ملا محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۳۱۲.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹.

۶. ابن ابی‌شبهه، المصنف فی الأحادیث و الآثار، ج ۷، ص ۵۱۲.

۷. ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

۸. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۱۵.

نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ ق) نیز شبیه این روایت را نقل کرده و آن را صحیح دانسته است.^۱ بی تردید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای گستراندن چنین عدالتی، اقدامات متعددی انجام خواهد داد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات که در روایات فریقین به آن نیز اشاره شده است، تقسیم مساوی اموال بین مردم است؛ بدین‌سان که مردم به‌صورت مساوی از بیت‌المال سهم دریافت خواهند کرد. جلال‌الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ ق) روایتی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که «تقسیم مساوی اموال» را یکی از ویژگی‌های عصر ظهور می‌داند.^۲

۲. ریشه‌کن شدن فقر و گسترش رفاه اجتماعی

روایات فراوانی از شیعه و سنی نقل شده که خداوند متعال در عصر ظهور، برکات آسمانی و زمینی بی‌سابقه‌ای را بر مردم نازل می‌فرماید. ابن‌ابی‌شبهه (۱۵۹-۲۳۵ ق) از عالمان مطرح اهل سنت از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند: «زمین در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه گیاهان خود را عرضه می‌کند و آسمان نیز باران خود را می‌بارد؛ از این رو امتم در عصر ولایت او، به‌طور بی‌سابقه‌ای متنعم خواهند شد».^۳

محمد بن جریر طبری از علمای مطرح شیعه نیز شبیه این روایت را در کتاب دلائل‌الامامه نقل کرده است.^۴ مسلم است در آن هنگام چون نعمات الهی به‌صورت بی‌سابقه‌ای مردم را در بر می‌گیرد و بیت‌المال نیز عادلانه‌ای میان مردم تقسیم می‌شود، مشکل فقر مرتفع خواهد شد؛ پس فقیری وجود نخواهد داشت. روایات متعددی نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه جلال‌الدین سیوطی روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیان کرده است که بر ریشه‌کنی فقر در عصر

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُمَلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ عُذْوَانًا؛ ثُمَّ يُخْرَجُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى سَرِّطِ الشَّيْخَيْنِ وَ لَمْ يَخْرِجَاهُ».

(حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۰)

۲. «لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لطول الله تلك الليلة حتى يملك رجل من أهل بيتي. يواطئ اسمه اسمي و اسم أبيه اسم أبي. يملؤها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا و يقسم المال بالسوية».

(جلال‌الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۶ و ۷۷)

۳. «وَ تُخْرَجُ الْأَرْضُ نباتها وَ تُمَطَّرُ السَّمَاءُ مَطَرها وَ تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنْعَمْهَا قَطُّ».

(ابن‌ابی‌شبهه، المصنّف فی الأحادیث و الآثار، ج ۷، ص ۵۱۴)

۴. «وَ تُنْعَمُ أُمَّتِي فِيهَا نِعْمَةً لَمْ يَنْتَعَمُوا مثلها قَطُّ. يَرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا؛ فَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ

النَّبَاتِ وَ الْمَأْكُلِ».

(محمد بن جریر طبری، دلائل‌الامامه، ص ۴۷۷)

ظهور دلالت دارد:

در عصر ظهور منادی ندا کند: هان! ای مردم! هر کس نیاز مالی دارد بیاید و هر چه می خواهد بگیرد. جز یک نیازمند، کسی نمی آید. حضرت مهدی علیه السلام به او می فرماید: نزد خزانه دار برو تا آنچه می خواهی به تو بدهد. نزد خزانه دار می رود و می گوید: من از سوی حضرت مهدی علیه السلام آمده ام تا به من کمک کنی و ثروتی به من بدهی. خزانه دار می گوید: آنچه می خواهی بگیر! او آن قدر زر و سیم برمی دارد که نمی تواند ببرد؛ لذا مقداری از آن را برمی گرداند تا بتواند حمل کند و بقیه را می برد؛ اما وقتی دور می شود پشیمان شده و می گوید: گویا من حریص ترین فرد امت محمدم. همه برای دریافت مال دعوت شده اند؛ اما جز من کسی نیامد. نزد خزانه دار برمی گردد تا زر و سیم را پس بدهد؛ اما خزانه دار نمی پذیرد و می گوید: ما چیزی را که بخشیدیم، پس نمی گیریم.^۱

نظیر این روایت در مصادر شیعی نیز نقل شده است؛ برای نمونه علامه مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ق) در بحارالانوار شبیه این روایت را بیان می کند.^۲

۳. امنیت جهانی

با نگاه به برخی از روایات، مشخص می شود امنیت در آخرالزمان، روزبه روز کمتر می شود و

۱. «فَبَادِي: مَنْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى؟ فَمَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ. يَأْتِيهِ فَيَسْأَلُهُ؛ فَيَقُولُ: أَنْتَ السَّادَنَ حَتَّى يَعْطِيكَ؛ فَيَأْتِيهِ فَيَقُولُ: أَنَا رَسُولُ الْمَهْدِيِّ إِلَيْكَ لِتُعْطِيَنِي مَالًا؛ فَيَقُولُ: احْتُ؛ فَيَحْتِي وَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ؛ فَيَلْقِي حَتَّى يَكُونَ قَدْرَ مَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحْمِلَهُ؛ فَيَخْرُجُ فَيَنْدُمُ؛ فَيَقُولُ: أَنَا كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَفْسًا. كُلُّهُمْ دُعِيَ إِلَى هَذَا الْمَالِ فَتَرَكَهُ غَيْرِي؛ فَيُرْذَهُ عَلَيْهِ؛ فَيَقُولُ: إِنَّا لَا نَقْبَلُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ». (جلال الدين سيوطي، الحاوي للفتاوى، ج ۲، ص ۷۰)

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبَشْرِكُمْ بِالْمَهْدِيِّ! يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ فَنَسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ. يُقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنَى وَ يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يَبَادِي يَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ؛ فَيَقُولُ: أَنَا. فَيَقُولُ: أَنْتَ السَّادَنَ يَعْنِي الْحَازِنَ؛ فَقُلْ لَهُ إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا؛ فَيَقُولُ لَهُ: احْتُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدِمَ فَيَقُولُ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ نَفْسًا أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُمْ فَيُرْذَهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ؛ فَيَقَالَ لَهُ إِنَّا لَأَنَا حُدُّ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ». (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۲)

مؤمنان در پی آن می‌گردند؛ ولی بدان دست نمی‌یابند.^۱ به‌جرت می‌توان اصلی‌ترین دلیل وجود این ناامنی را سلطه جباران و کفار تلقی کرد. بر همین اساس یکی از مهم‌ترین اتفاقات عصر ظهور، درهم شکستن سلطه زورگویان و منافقین و ایجاد امنیت جهانی است.^۲ روایاتی در مصادر شیعی و سنی در این باره نقل شده است.

برخی روایات تصریح کرده‌اند که در حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، امنیتی بر جهان حکم فرما می‌شود که اگر بانوان بخواهند از شهری به شهر دیگر سفر کنند، هیچ چیزی آنان را هراسان نمی‌کند و به‌راحتی و در امنیت کامل، سفر خود را انجام می‌دهند. شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱ ق) در خصال از امیرالمؤمنین علی علیه السلام، روایت کرده است: «اگر قائم ما قیام کند، آسمان برکات خود را فرومی‌ریزد و زمین گیاهانش را می‌رویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت برمی‌بندد و درندگان و چرندگان با هم می‌سازند تا آنجا که زنی که دارای زیورآلات است عراق را تا شام می‌پیماید و جز بر سبزه‌ها گام نمی‌نهد و هیچ درنده‌ای او را آشفته و هراسان نمی‌کند».^۳

در عصر ظهور، افزون بر امنیت انسان‌ها که در روایت پیشین بدان اشاره شد، حیوانات نیز زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربه خواهند کرد و آن‌ها نیز در امنیت به سر می‌برند. حاکم نیشابوری از ابن عباس چنین روایت می‌کند: «مهدی همان کسی است که زمین را پر از عدل می‌کند و (در عصر او) چهارپایان و حتی درندگان نیز در امنیت خواهند بود».^۴ حاکم نیشابوری این روایت را نیز صحیح‌الاسناد می‌داند.^۵

۱. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ينزل بأمتي في آخر الزمان بلاء شديد من سلطانهم لم يسمع بلاء أشد منه؛ حتى تضيق عنهم الأرض الرحبة... لا يجد المؤمن ملجأ يلجئ إليه من الظلم» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۱۲)

۲. «فعد ذلك ينادي مناد من السماء: يا أيها الناس! إن الله عزوجل قد قطع عنكم مدة الجبارين والمنافقين وأشباعهم ولاكم خير أمة محمد؛ فالحقوا به بمكة؛ فإنه المهدي» (يوسف بن يحيى شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۵۱)

۳. «قد قام قائمنا عليه السلام لأنزلت السماء قطرها ولاخرجت الأرض نباتها ولذهبت الشخناء من قلوب العباد و اضطلحت السباع والبهائم حتى تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لاتضع قدمها إلا على التبات وعلى رأسها زيتها لا يهيجها سبع» (شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۶)

۴. «وأما المهدي الذي يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً وتأمّن البهائم والسباع» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۹)

۵. «هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه» (همان)

۴. شکل‌گیری رضایت عمومی

وقتی عدالت و امنیت کامل برقرار شود، فقر نیز ریشه‌کن می‌شود؛ پس رضایت عمومی به دست خواهد آمد. با نگاهی به روایات موجود مشخص می‌شود تحصیل رضایت عمومی یکی دیگر از برکات اجتماعی عصر ظهور قلمداد می‌شود؛ بدین‌سان که افزون بر اهل زمین، اهل آسمان نیز از حکومت مهدوی رضایت کامل خواهند داشت و همگان، آرامش و آسایش بی‌ظنیری را تجربه خواهند کرد. شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) به نقل از ابوسعید خدری چنین آورده است: «بشارت می‌دهم شما را به مهدی! او در میان امتم، آن هنگام که مردم در اختلاف باشند و زلزله‌ها رخ بدهد، ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. در چنین شرایطی ساکنان زمین و آسمان از او راضی خواهند بود».^۱ احمد بن حنبل (۱۶۴ - ۲۴۱ ق) نیز شبیه این روایت را در کتاب مسندش ذکر کرده است.^۲

۵. از بین رفتن اختلافات و تحقق اتحاد بر محور ولایت حضرت مهدی عجل الله فرجه

یکی از بلاهای امروز جهان اسلام، تفرقه و اختلافات فراوانی است که میان مسلمانان وجود دارد. باید توجه داشت طبق روایات متعددی که در این‌باره وجود دارد، هرچه به عصر ظهور نزدیک‌تر می‌شویم، اختلافات موجود در امت اسلامی نیز بیشتر می‌شود.^۳ با ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه اتحاد بی‌ظنیری در امت اسلامی و جوامع بشری شکل خواهد گرفت. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام، این‌گونه می‌خوانیم: «مردمان عرب و عجم و اهل روم و غیر آن‌ها بدون هیچ‌گونه قتالی، تحت ولایت حضرت مهدی عجل الله فرجه در خواهند آمد».^۴

ابن صباغ مالکی (۷۸۴ - ۸۵۵ ق) از علمای مطرح اهل سنت نیز چنین آورده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام، می‌فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: یا رسول الله! آیا مهدی از ماست یا از

۱. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ! يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ». (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸)

۲. «عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله: أبشركم بالمهدي! يبعث في أمتي على اختلاف من الناس و زلازل؛ فيملأ الأرض قسطاً وعدلاً؛ كما ملئت جوراً و ظلماً و يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض و يملأ الله قلوب أمة محمد غنى؛ فلا يحتاج أحد إلى أحد». (احمد ابن حنبل، مسند، ج ۱۸، ص ۶۱)

۳. «يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ». (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸)

۴. «و يدخل العرب و العجم و أهل الحرب و الروم و غیرهم في طاعته من غير قتال». (جلال‌الدین سیوطی،

الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۷)

غیر ما؟ حضرت فرمود: از ماست. (با ما) خداوند پایان می‌بخشد؛ همچنان که با ما آغاز کرد و همگان با ما از شرک، رهایی می‌یابند و خداوند با ما، دل‌هایشان را با یکدیگر مأنوس ساخت^۱. ابن‌صباغ درباره سند این روایت که از الفت مؤمنین در عصر ظهور سخن به میان آورده است، می‌نویسد: «این حدیث، حدیثی حسن و عالی است که حافظان حدیث در کتب خود آن را روایت کرده‌اند»^۲.

جهانگیرخان محبی ملقب به ناظم‌الملک (۱۲۷۵ - ۱۳۵۲ ق) شاعر خوش‌قریحه ایرانی در قرن چهاردهم هجری شمسی نیز ایام ظهور حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام} را این‌گونه توصیف می‌کند:

به یمنش نه فلک گردیده پویا	به نورش تابناک این خاک مُظلم
به جودش بسط روزی بر خلاق	به احسانش دو گیتی شد مُنعم
اساس اختلافات مذاهب	براندازد ز بیخ و بن به عالم ^۳

شاید یکی از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین اتحادی می‌شود، این است که طبق روایات، کینه مردم نسبت به هم از بین می‌رود.^۴

بیان این نکته نیز اهمیت دارد که در برخی روایات عصر ظهور از عبارت «تعظم الامه»^۵ استفاده شده است؛ یعنی امت اسلامی به شکوه و قدرت می‌رسد. شاید عمده‌ترین علت چنین شوکتی، این باشد که مسلمانان متحد می‌شوند؛ چراکه یکی از مهم‌ترین ثمرات اتحاد مسلمین،

۱. «عن علی بن ابی طالب^{علیه‌السلام} قال: قلت: یا رسول‌الله! أَمِنَّا آل محمد المهدی ام من غیرنا؟ فقال رسول‌الله: لا؛

بل مِنَّا یختم الله به الدین کما فتح بنا و به ینقذون من الفتن کما انقذوا من الشرک و بنا یؤلف الله بین قلوبهم بعد عداوه الفتنة اخوانا کما آلف الله قلوبهم بعد عداوه الشرک و بنا یصبحون بعد عداوه الفتنة اخوانا

فی دینهم». (ابن‌صباغ مالکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۱۱۱۷)

۲. «و هذا حدیث حسن عال رواه الحفاظ فی کتبههم». (همان)

۳. محمدعلی مجاهدی، سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی، ص ۱۲۹ و ۱۳۰.

۴. «قَدْ قَامَ قَائِمُنَا وَ لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ». (شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۲۶)

۵. «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْعَيْثَ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نباتها وَ يُعْطِي الْمَالَ صِحَاحًا وَ تَكْثُرُ الْمَأْشِيَةُ وَ تَعْظُمُ الْأُمَّةُ. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ وَ لَمْ يَخْرُجْ جَاءَ». (حاکم

نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۱)

قوی شدن امت اسلامی است. مقام معظم رهبری علیه السلام، در این باره فرموده است: «اگر مسلمان‌ها متحد باشند، هم‌افزایی می‌کنند و همه قوی می‌شوند»^۱.

فهرست منابع

۱. ابن ابی شیبیه، المصنف فی الأحادیث و الآثار، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ق.
۳. _____، کمال‌الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۵ ق.
۴. ابن حبان، صحیح، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ ق.
۶. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمه فی معرفه الائمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، مدظله‌العالی.
۸. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۹. سجستانی، ابوداود، سنن ابی داود، بیروت، المکتبه العصریه.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین، الحاوی للفتاوی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.
۱۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، قاهره، دارالحرمین.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. مجاهدی، محمدعلی، سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی، قم، مسجد مقدس جمکران، چ ۲، ۱۳۸۴.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الأرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، اردن، مکتبه المنار، چ ۲، ۱۴۱۰ ق.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، مدظله‌العالی، بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۲ آبان ۱۴۰۰.

شناخته‌های جامعه مهدوی از منظر امامیه

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

آینده، مفهومی است که در طول تاریخ، فکر بشر را به خود مشغول کرده است؛ زیرا ظلم و اخلاق‌گریزی، آینده را در حاله‌ای از ابهام فروبرده و ناامیدی جامعه جهانی را فراگرفته است؛ اما بحث از آینده و «آرمان‌شهر مهدویت»، بحث از امیدها، سعادت‌ها و آینده روشن است؛ البته در خصوص جامعه آینده دیدگاه‌های متعددی، مانند مدینه فاضله فارابی و جامعه افلاطونی مطرح شده است؛ ولی اسلام و به صورت ویژه، مکتب نورانی امامیه از جامعه‌ای به نام «جامعه مهدوی» خبر می‌دهد. در «جامعه مهدوی» قافله بشریت به سمت عدالت، اخلاق، دین‌مداری و امید در حرکت است و رهبری آن را امام زمان علیه السلام بر عهده دارد. امام صادق علیه السلام در برابر پرسشی فرمود: «وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛^۱ اگر من در دوران‌ش بودم همه عمر به خدمتش می‌ایستادم.

راستی او کیست که همه درباره آینده، حکومت و عدالت او سخن می‌گویند؟
خال زیبای جمال دلربایت را بنازم بوی عطر جان‌فزای خاک‌پایت را بنازم
ای صفای هر مصفا مهدی زیبای زهرا از صفای قلب می‌گویم صفایت را بنازم^۲

تشکیل جامعه آرمانی

انسان از دیرباز به آینده‌نگری توجه کرده و کوشیده است از راه‌های گوناگون به آینده خود آگاه شود. از پرسش‌های بنیادی انسان‌ها این بوده که به‌راستی آینده چگونه خواهد بود؟ آیا جهان

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. شیخ مفید، الخیبة، ص ۲۴۵.

۲. مبلغان، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۵۲.

به‌سوی آینده‌ای روشن حرکت می‌کند یا باید منتظر دنیایی تیره و تاریک باشیم؟ مکاتب مختلف به این پرسش جواب داده‌اند. برخی باوردارند که آینده بشر نابودی، بدبختی و تاریکی است؛ اما در دکترین مهدویت، «آینده بشریت»، روشن، خدا‌باور، دین‌مدار همراه با صلح و عدالت است. حرکت به‌سوی «آرمان‌شهر مهدوی» نیز چندان ساده نیست؛ اما تشکیل آن قطعی است: «جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد». ^۱ شهید مطهری می‌نویسد: «این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها فوق‌العاده تاریک و ابتر است». ^۲

شهید محمدباقر صدر می‌نویسد: «اعتقاد به مهدی نشانگر و تجسم یک باور و اعتقاد فقط اسلامی نبوده؛ بلکه افزون بر آن، آینه‌ای است که نشان‌دهنده یک خواسته دیرینه انسانی است؛ به‌گونه‌ای که بشریت با تمام گرایش‌های دینی‌اش به آن توجه داشته». ^۳

امام حسین علیه السلام بر قطعی بودن تشکیل جامعه مهدوی خبر داد: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي؛ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»؛ ^۴ اگر از عمر دنیا حتی یک روز هم باقی نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از فرزندانم ظهور نماید و دنیا را از عدل و داد پر کند؛ همان‌طوری که از ظلم و ستم و ناعدالتی پر شده است.

قرآن کریم نیز درباره آینده جهان و انسان، به این حقیقت گواهی می‌دهد که سرانجام، رنج‌ها و گرفتاری‌ها و حرمان‌های انسان پایان می‌پذیرد؛ چراکه سنت تغییرناپذیر خدا بر این قرار گرفته که در واپسین حرکت تاریخ، تنها بندگان شایسته و وارسته خداوند وارشان و سررشته‌داران زمین و زمان گردند و برنامه مترقی و روش انسانی و آزادمنشانه آنان بر همه جهان حاکم شود و سراسر جهان از پلیدی اندیشه و کردار افراد زورمدار و اصلاح‌ناپذیر و جریان‌های ستمکار و پایمال‌کننده حقوق و آزادی‌های بشر پاک و پاکیزه شود؛ بر این اساس، آیات متعدد قرآن کریم،

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51061>

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۰۷

۳. فصلنامه علمی و پژوهشی انتظار موعود، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۱ و ۱۲.

۴. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۸

از جمله آیه ۱۰۵ انبیا و آیه ۱۲۸ اعراف، از حکومت صالحان و پرهیزکاران و مستضعفان خبر می‌دهد: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. حکومت امام زمان علیه السلام در روایات بسیار، مصداق اتم این آیه معروفی شده است.^۲ در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است: «و نمونه گسترده‌تر آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله مهدی، ارواحنا له الفداء است».^۳ شهید محمدباقر صدر نیز در ذیل این آیه می‌نویسد: «این خواسته الهی که به صورت فعل مضارع استمراری مطرح شده است، نشانگر یک سنت الهی و یک قانون فراگیر بوده و نتیجه آن به امامت رسیدن مستضعفان و رسیدن وراثت زمین به آن‌ها است».^۴ کربن می‌گوید: «به فرجام ظهور امام دوازدهم (مهدی، امام غایب) که در پایان دهر ما روی خواهد داد، کلیه مکنونات منزلات الهی را آشکار خواهد کرد».^۵

صبحدم پیک مسیحا دم جانان آمد
گفت برخیز که آرام دم و جان آمد

شاخصه‌های جامعه مهدوی

حکومت حضرت مهدی علیه السلام نه تنها حکومتی جهانی خواهد بود، بلکه حکومت واحد جهانی و متمایز از شعارهای طرح شده جهانی شدن در دنیای امروز است و تشکیل آن، جزء وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است.^۶ این حکومت دارای شاخصه‌هایی است:

۱. تبیین ویژگی‌های منجی عالم

یکی از ویژگی‌های مهم موعود باوری در اسلام بیان ویژگی‌های منجی و مصلح است؛ در حالی که در ادیان الهی و غیر الهی ویژگی‌های مصلح منجی چندان روشن نیست.^۷ اسلام، علاوه بر معرفی کلی مهدویت در جایگاه نماد آینده مثبت، به بیان جزئیات آن نیز پرداخته و با

۱. قصص: ۵.

۲. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۷.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷.

۴. فصلنامه علمی و پژوهشی انتظار موعود، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۱ و ۱۲.

۵. هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۱۷.

۶. ر.ک: رحیم کارگر، «جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام»، فصلنامه انتظار، ش ۶، ص ۱۴۲ - ۱۴۶.

۷. ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۶.

ارائه آموزه‌های روشن و معقول و نیز با تعریف صحیح و روشن از آینده‌نگری و مقوله مهدویت و از همه مهم‌تر با مشخص کردن مصداق منجی و زنده و حاضر بودن او در این دنیا و نیز نظارت ایشان بر اعمال و گفتار انسان‌ها، ایده آینده‌نگری را از مقام عقل نظری (ایده مطلق) به جایگاه عقلی عملی (مدینه فاضله مهدوی) سوق داده است.^۱

امام حسین علیه السلام مشخصات مهم رهبر آرمان‌شهر مهدویت را در قالب بیان نسب، غیبت، ظهور، امامت، ویژگی‌های حکومت امام زمان علیه السلام گزارش نموده است. در حقیقت امام با بیان این مشخصات ضمن حیرت‌زدایی در شناخت امام، رهبر جامعه را معرفی و با مدعیان امامت و مهدی مبارزه نموده است؛ چنانکه امام حسین علیه السلام فرمود: «بر جدم رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، وارد شدم. ایشان مرا بر زانوی خود نشانده و فرمود: ای حسین! خداوند از نسل تو نه امام را برگزیده است که نهمین نفر از ایشان قیام‌کننده آن‌هاست و همه آنان در پیشگاه خداوند از نظر فضیلت و جایگاه برابرند».^۲ مردی از همدان گوید: «از حسین بن علی شنیدم که فرمود: قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ؛ قائم این امت نهمین فرزند من است و او صاحب غیبت است».^۳ در این روایت دقیقاً به نسب امام زمان علیه السلام اشاره شده است تا امت اسلامی در نسب امام دچار شبهه نگردد؛ همچنین امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

لَوْ قَامَ الْمَهْدِيُّ لَأَنكَرَهُ النَّاسُ؛ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا؛^۴ اگر مهدی قیام کند، مردم او را انکار می‌نمایند؛ زیرا او به‌صورت جوانی شاداب به‌سوی آن‌ها برمی‌گردد در حالی که آن‌ها او را بسیار پیر می‌انگارند.

سالار شهیدان ویژگی‌های دیگر مهدی علیه السلام را این‌گونه برمی‌شمارد:

در [زندگی] قائم ما، سنت‌هایی از پیامبران وجود دارد: سنتی از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و ایوب و محمد صلی الله علیه و آله؛ اما از نوح علیه السلام، طول عمر است، از ابراهیم علیه السلام، ولادت پنهان و دوری از مردم، از موسی، واهمه داشتن و غیبت، از عیسی، اختلاف مردم در وجود او، از ایوب، گشایش پس از آزمایش و [گرفتاری] و از محمد صلی الله علیه و آله، قیام با شمشیر است.^۵

۱. فصلنامه علمی و پژوهشی انتظار موعود، تابستان ۱۳۸۶ - شماره ۲۱.

۲. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ص ۵۹۰.

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

۴. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، بهجة النظر فی إثبات الوصایة و الإمامة للأئمة الإثنی عشر، ص ۱۹۲.

۵. همان، ص ۳۲۲.

۲. حاکمیت دین

یکی از مهم‌ترین رویدادهایی عصر ظهور، ارائه اسلام واقعی و ترسیم چهره‌ای نواز آن است. دین در عصر ظهور به صورت واقعی همانند زمان رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌دوراز پیرایه و بدعت و خرافات خود را نشان خواهد داد و در جهان حاکم می‌گردد؛ از این رو برخی تصور می‌کنند امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام دین جدیدی آورده است. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ»؛^۱ چون قائم قیام کند امری جدید می‌آورد، چنان‌که رسول خدا در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد.

منظور این روایات و روایات همانند آن، این نیست که حضرت دین و یا کتاب جدید می‌آورد؛ بلکه چون در طول زمان، حقیقت اسلام و آموزه‌های اسلامی به دست فراموشی سپرده شده یا دچار تحریف، بدعت می‌گردد، بازگویی حقیقت معارف اسلام برای مردم این تصور را ایجاد می‌کند که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دین و کتاب جدیدی آورده است؛ حال آنکه به فرموده امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام مهدی امت‌ها همانند سیره رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به معرفی دین می‌پردازد: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ»؛^۲ همان کاری را که رسول خدا انجام داد، مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیز انجام می‌دهد. بدعت‌ها را خراب می‌کند؛ چنان‌که رسول خدا اساس جاهلیت را منهدم فرمود؛ آن‌گاه اسلام را از نو بنا می‌کند.^۳ اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام برای تحقق دین به شهادت رسید، اما از تحقق این هدف سترگ در آرمان‌شهر مهدوی خبر داده است:

مِنَّا اِنْتَا عَشَرَ مَهْدِيًّا اَوْلَهُمْ اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ وَ اٰخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْاِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللّٰهَ بِهٖ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهٖ دِيْنَ الْحَقِّ عَلٰى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ؛^۴ دوازده نفر مهدی از ما خاندان پیامبر است. نخستین آنان علی و آخرینشان از نسل من است. اوست که به حق و برای حق، قیام می‌کند و خداوند با او زمین را پس از آن که مرده است، زنده می‌سازد و دین حق را بر همه عقاید و مذاهب پیروزی می‌بخشد؛ گرچه شرک‌گرایان را ناخوش آید.

طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

۳. ر.ک: همان ص ۳۳۸.

۴. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

مهدی علیه السلام ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد.^۱
 قرآن نیز به این امر اشاره نموده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^۲ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند؛ هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.
 مفسرانی مانند علامه طباطبایی،^۳ طبرسی و مکارم شیرازی درباره حاکمیت دین در جهان، احتمالات متعددی را مطرح نموده‌اند؛ ولی همگان بر این امر اتفاق نظر دارند که این آیه ناظر بر حکومت جهانی امام زمان علیه السلام است؛ زیرا تنها در عصر ظهور، دین بر همه جهان حاکمیت پیدا می‌نماید. سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد گشت.^۴ طبرسی از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه نقل می‌کند: «وعددهای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل محمد صورت می‌پذیرد. در آن روز هیچ‌کس در روی زمین نخواهد بود؛ مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد می‌کند».^۵

۳. عدالت‌مداری

عدالت از مفاهیم بنیادینی است که همه ادیان الهی با هدف تحقق آن، به‌سوی مردم آمده‌اند؛ از این رو، مهم‌ترین دغدغه پیام‌آوران الهی، بعد از دعوت به توحید و شناخت خدا، ایجاد و بسط عدالت بوده است که در عصر ظهور نمود می‌یابد.
 پرسش مهم این است که چرا به عدالت از همه شاخصه‌های دیگر جامعه مهدوی بیشتر توجه شده است؟

این امر شاید بدان جهت باشد که هیچ‌چیزی به اندازه ظلم، بشریت را رنج نداده است. چه ستم‌هایی که در طول تاریخ به انسان روا داشته شد و چه کاخ‌هایی که ساخته نشد مگر با ریختن خون هزاران انسان. عدالت از خواست‌های مهم و اصلی بشر است؛ از این رو در همه ادیان الهی و غیر الهی به شاخصه عدالت سخت پافشاری شده است. در عهد قدیم از کتاب مقدس آمده است: «از وجود اشرار و ظالمان دل‌تنگ مباش که به‌زودی ریشه ظالمان بریده خواهد شد و

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۳.

۲. توبه: ۳۳.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۷.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۷۲.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۹.

منتظران عدل الهی زمین را به میراث برند»^۱.

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید:

شما وقتی در همه روایات که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه می‌کنید، می‌بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دین‌دار می‌شوند؛ با این‌که دین‌دار هم می‌شوند؛ بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت می‌شوند و قسط و عدل اقامه می‌شود. این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست؛ یعنی نقطه برجسته در آن آینده پر از نوید، عبارت است از: عدالت؛ بشر تشنه عدالت است.

آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «برنامه رسمی آن ذات مقدس، اجرای عدل الهی است. اگر جهان، تشنه ظهور و حضور آن حضرت است، برای آن است که تشنه عدل آن حضرت است»^۲. روایات یکی از بزرگ‌ترین رسالت‌های امام مهدی علیه السلام را عدالت برشمرده‌اند. امام حسین علیه السلام فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ
وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ؛^۳
اگر از عمر دنیا حتی یک روز هم باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند
تا مردی از فرزندانم ظهور نماید و دنیا را از عدل و داد پر کند؛ همان طوری که از ظلم
و ستم و ناعدالتی پر شده است.

ایشان همچنین فرمود: «من از رسول خدا این‌گونه شنیده‌ام: ثُمَّ يَقُومُ قَائِمًا يَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَ
عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَيُشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ هُمْ شِيعَتُهُ؛^۴ پس قائم مایم کند، جهان
را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ چنان‌که پر از ظلم و فساد شده باشد و دل‌های مؤمنان از شیعیان
خود را شفا می‌بخشد».

امام حسین علیه السلام در این دو روایت به وضع جامعه قبل و بعد از ظهور منجی اشاره می‌نماید.
جامعه قبل از ظهور پر از ظلم و ستم و نابرابری است که انسان‌ها از آن ناراضی‌اند. واژه «ملا»

۱. مهدی آصفی، انتظار پویا، ص ۱۸.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/> = 1389

۳. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۸.

۴. علی بن محمد بن علی خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۷۹.

اشاره به جامعه‌ای است که مملو از ستم است؛ از این‌رو انسان‌ها در انتظار جامعه عاری از ظلم می‌باشند. شهید صدر می‌نویسد: «و نابودی ستم - در حالی که در اوج خود باشد - امری حتمی است و این حقیقت و این بینش امید بزرگی فراروی ستم‌دیده‌ای قرار می‌دهد که خود را در ایجاد یک دگرگونی ریشه‌ای و در بازسازی جهان بر اساس عدالت، توانمند و مقتدر می‌بیند»^۱.

حارث بن عبدالله اعور می‌گوید: «نزد امام حسین علیه السلام رفتم و از تفسیر سوره شمس پرسیدم. حضرت پاسخ داد تا رسید به آیه: وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى؛^۲ قسم به روز! وقتی که صفحه زمین را روشن سازد. ایشان فرمود: ذَلِكَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا؛^۳ آن [روز روشن] قائم از خاندان محمد صلی الله علیه و آله است که زمین را پر از عدل و داد کند».

عدالت اقتصادی از محورهای مهم عدالت است. تحقق جامعه مطلوب اقتصادی، افزون بر سرمایه معنوی به سرمایه‌های مادی نیز احتیاج دارد. دوران ظهور، عصر حاکمیت ایمان و آشتی بشر با خداست؛ از این‌رو طبیعت هم با انسان آشتی می‌کند و نعمت‌ها و برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد: «و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»؛^۴ و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشاییم.

بیت‌المال و اموال عمومی نیز در جامعه مهدوی به‌صورت عادلانه بین همه افراد جامعه تقسیم می‌شود که نتیجه آن عدالت اقتصادی است. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود: «تَوَاصَلُوا وَ تَبَاوَرُوا. فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ! لَيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَ قَتُّ لَاجِدٌ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَ لَا لِدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا»؛^۵ با یکدیگر ارتباط داشته و نیکی فراوان کنید. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید! زمانی بر شما انسان‌ها خواهد رسید (دوران پس از ظهور) که همه مردم به‌گونه‌ای بی‌نیاز باشند که شما جایی برای بخشش درهم و دینار خود نخواهید یافت.

۱. سید محمدباقر صدر، بحث حول المهدی، ص ۵۴ - ۵۵.

۲. شمس: ۲۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۷۹ و رک: عبد علی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۹.

۴. اعراف: ۹۶.

۵. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۷۱.

۴. اخلاق و معنویت مداری

بدون تردید انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام فقط دارای بعد سیاسی، نظامی و اجتماعی نخواهد بود؛ بلکه طبق روایات، مهم‌ترین بعد آن، تحولات معنوی، فرهنگی و اخلاقی است که در درون افراد و به تبع آن در سطح جامعه رخ خواهد داد. در آن عصر دل‌انگیز و شورآفرین، انسان‌ها از درون تحول می‌یابند و بینش‌های مادی به معنوی و روحانی تبدیل می‌شود: «الَّذِينَ إِن مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛^۱ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.

بر این اساس در عصر پس از ظهور در اثر رشد اخلاق، مدینه فاضله یا آرمان‌شهر مهدوی تشکیل خواهد شد. به این چشم‌انداز در روایات معصومین علیهم السلام اذعان شده است.^۲

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه فرمود:

آن چیزی که مهدویت مبشر آن است، همان چیزی است که همه انبیاء، همه بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته‌وپرداخته بر اساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام. دوران جامعه توحیدی است، دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت.^۳

امام حسین علیه السلام پس از بیان دورنمایی از جامعه قبل از ظهور و جامعه مهدوی علیه السلام می‌فرماید:

مهدی علیه السلام قیام می‌کند و همه این [زشتی‌ها] را از میان برمی‌دارد. آن امر که شما انتظارش را می‌کشید واقع نخواهد شد تا اینکه پاره‌ای از شما از دیگری بیزاری جوید و بعضی از شما در روی دیگری آب دهان اندازد و پاره‌ای از شما بر کفر دیگری شهادت

۱. حج: ۴۱.

۲. دو ماهنامه امان، فروردین و ارابهشت ۱۳۸۸، شماره ۱۶.

۳. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51061>

دهد و پاره‌ای از شما عده دیگر را نفرین و لعن کند... همه خیر در همان زمان است. قانم ما قیام می‌کند و همه این‌ها را از بین می‌برد.^۱

۵. انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

در برخی روایات، زیارات و ادعیه تصریح شده است که در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، انتقام خون امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای کربلا گرفته می‌شود و حتی از این بالاتر، این موضوع، یکی از اهداف قیام مهدی موعود برشمرده شده است؛ چنانچه یکی از مصادیق «ولی» در روایات در آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»، حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده که انتقام جد عزیزش امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت.^۲ در دعای ندبه نیز از امام زمان علیه السلام با عنوان منتقم خون شهدای کربلا یاد شده است: «أَيُّنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمُتَّوَلِّ بِكَرْبَلَاءَ»؛ کجاست آن‌که به خون خواهی شهید کربلا به‌پا می‌خیزد؟ در دو فراز از زیارت عاشورا نیز زیارت‌کننده از خداوند می‌خواهد که همراهی امام مهدی علیه السلام را در خون خواهی امام حسین علیه السلام روزی‌اش گرداند: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يَكْرِمَنِي بِكَ وَيُرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ پس از خدای گرامی دارنده مقام تو می‌خواهم که مرا به سبب تو گرامی دارد و خون خواهی تو را با امامی پیرومند از خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله روزی‌ام گرداند. در فرازی دیگر زیارت عاشورا می‌خوانیم: «وَأَسْأَلُهُ... أَنْ يُرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَهْدِي نَاطِقٍ لَكُمْ»؛ و از او می‌خواهم... خون خواهی شما را همراه امامی از شما روزی من قرار دهد که مهدی [هدایت‌گر] و گویای شماست.

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود	این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود	زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد	روز وصلش می‌رسد ایام هجران می‌رود ^۳

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۶.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۵۵.

۳. ماهنامه مبلغان، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۵۲.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، شفق.
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، بهجة النظر فی إثبات الوصاية و الإمامة للأئمة الإثني عشر، تصحیح: عبدالرحیم مبارک، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۲، ۱۴۲۷ ق.
۴. _____، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ ق.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، چ ۴، ۱۴۱۵ ق.
۷. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، تحقیق و تصحیح: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۸. صدر، محمدباقر، بحث حول المهدي عليه السلام، تحقیق، شاره، عبدالجبار، بیروت: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية، چ ۲، ۱۴۱۷ ق.
۹. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۳۹۰ ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه، چ ۲، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. _____، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل‌الله طباطبایی یزدی، تهران: ناصرخسرو، چ ۳، ۱۳۷۲.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة، نجف، مكتبة الحيدرية، ۱۴۱۱ ق.

۱۵. کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. کرین، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه، اسدالله مبشر، تهران، امیرکبیر، چ ۳، س ۱۳۶۱.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبدالفتاح محمد حلوی، تعلیق: علی نظری منفرد، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۴ ق.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۲۱. نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی

سایت‌ها

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51061>

مجله‌ها

۱. فصلنامه علمی و پژوهشی انتظار موعود، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۱ و ۱۲.
۲. دو ماهنامه امان، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، شماره ۱۶.
۳. ماهنامه مبلغان، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۵۲.

مهدویت در تفاسیر اهل سنت

ابوالفضل قاسمی*

مقدمه

قرآن معجزه الهی است که برای هدایت بشریت نازل شده است. عالمان جهان اسلام برای توضیح و تبیین این آیات تلاش‌های فراوانی کرده‌اند. کتب تفسیری ابزار کشف دیدگاه این عالمان درباره مسائل دینی است. قصد داریم در این نوشتار با بررسی کلی تفاسیر اهل سنت دیدگاه آنان را درباره «مهدویت» بیان کنیم. اندیشه اهل سنت درباره مهدویت در کتب مختلف تبیین شده است؛ ولی برداشت غالب از آن‌ها، این است که همه اهل سنت روایات مهدویت را پذیرفته‌اند؛ اما این نکته در تفاسیر بررسی نشده است که آیا همه مفسرین اهل سنت، روایات تفسیری مهدویت را قبول دارند؟

مفسران اهل سنت در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید خویش را نیز تبیین کرده‌اند؛ از این رو واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقشی مهم در فهمیدن عقاید آنان درباره این آموزه دارد. اکثر مفسران اهل سنت اصل مهدویت را پذیرفته‌اند و این موضوع را در ضمن آیاتی با نقل روایات یا در تحلیل و بررسی‌های خود بیان کرده‌اند.

متن تفاسیر قرون اولیه نقل محور است و تحلیل در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ ولی در تفاسیر قرن‌های اخیر می‌توان تحلیل درباره مهدویت را نیز دید؛ اما تعدادی از تفاسیر هستند که تحت تأثیر انکار احادیث مهدوی، احادیث ذیل آیات را ضعیف شمرده‌اند؛ اما مهم این است که می‌توان اصل مهدویت را به صورت متواتر در این منابع دید.

مفاهیم

مفهوم «تفسیر» و «اهل سنت» دو مفهوم اصلی این مقاله است که در این بخش به آن‌ها پرداخته می‌شود.

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران.

۱. تفسیر

تفسیر در لغت از ریشه سفر یا فسر به معنای «روشن شدن، بیان و توضیح، جداسازی، برداشتن حجاب و پرده و بیان معنای الفاظ مشکل» است.^۱ راغب اصفهانی می‌گوید: «فسر و سفر همان‌گونه که از نظر لفظی قریب هم‌اند، از لحاظ معنایی نیز به یکدیگر نزدیک‌اند؛ با این تفاوت که فسر برای اظهار معنای معقول و مفاهیم نامحسوس و سفر برای نمودار ساختن اشیای خارجی و محسوس به منظور دیدن است؛ مثلاً می‌گویند: سفرت المرأة عن وجهها و اسفرت؛ زن صورت خویش را آشکار کرد. یا گفته می‌شود: اسفر الصبح؛ سپیده صبح پدیدار گشت».^۲

تفسیر در اصطلاح مفسران یعنی زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای منظور، نارسا و دچار اشکال است؛ به دیگر بیان، تفسیر یعنی تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره.^۳

۲. اهل سنت

مراد از اهل سنت در این نوشتار فرق و مذاهبی است که امامت حضرت علی علیه السلام را قبول ندارند و به خلافت خلفای اربعه باور دارند و از فرق شیعه به‌شمار نمی‌روند؛ از جمله آن‌ها فرق عقیدتی «اشاعره، ماتریدییه یا اهل حدیث» اند.

دیدگاه تفاسیر اهل سنت درباره اصل مهدویت

اصل منجی بشریت و موعود منجی در بین مذاهب اسلامی ثابت است. این موضوع در تفاسیر اهل سنت هم مشهود است. علمای اهل سنت ظهور مهدی موعود علیه السلام، تا آنجا پذیرفته‌اند که برخی از آنان با تمسک به روایات «من أنکر خروج المهدی فقد كفر بما أنزل علی محمد» و «من کذب بالمهدی فقد كفر»^۴ منکر امام مهدی علیه السلام را کافر می‌دانند.

تفاسیر اهل سنت درباره روایات مهدویت در ذیل آیات را می‌شود به دو دسته تقسیم کرد:
یک. عده کمی در تفسیر آیات مهدویت، روایات را ضعیف دانسته‌اند و آن‌ها را نپذیرفته‌اند و

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۸۱؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۲۴۷؛ سید مرتضی زبیدی واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۳۴۹ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۳۸۰.

۳. محمدعلی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ص ۱۸.

۴. یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۵۷.

مانند ابن خلدون با این روایات مخالفت کرده‌اند.

دو. بیشتر آنان در تفاسیر خود، روایات مهدویت ذیل آیات را پذیرفته‌اند.

نکاتی از کتب تفسیری برای توضیح مطلب بیان می‌گردد.

گروه اول: تفاسیر مخالف روایات مهدویت

در این بخش به سه نفر اشاره می‌شود که در تفاسیر خود به نقد دیدگاه روایات مهدوی پرداخته‌اند که عبارت‌اند از: طنطاوی، رشید رضا و ابن عاشور.

الف. تفسیر طنطاوی

تفسیر طنطاوی با نام الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم اثر طنطاوی جوهری، مفسر و عالم دینی سده‌های سیزدهم و چهاردهم است. این تفسیر مشهورترین اثر تفسیر علمی فراگیر دوران معاصر است. نویسنده آن در سال ۱۲۸۷ قمری در مصر به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مراکز علمی مختلف قاهره گذراند. او نزدیک به سی عنوان کتاب دارد که در آن‌ها به علوم توجه بسیاری شده است. تفسیر جواهر از آخرین نوشته‌های اوست که در سال ۱۳۵۶ قمری پایان یافت. او در سال ۱۳۵۸ قمری درگذشت.

طنطاوی در تفسیرش می‌نویسد: «من کسی را ندیدم که بهتر از ابن خلدون احادیث مهدی را شرح داده و نقد کرده باشد. وی در سند روایات مهدی خدشه وارد کرده و من می‌خواهم این کلام را به‌طور مختصر بیان کنم تا عالم اسلام را از این انحراف دور کنم»^۱. این سخنان طنطاوی به پیروی از سخنان ابن خلدون است؛ چراکه او همان نقدهای که ابن خلدون را در نقد روایت مهدویت، خلاصه کرده است.

برخی با تمسک به نقدهای ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ق) درباره روایات مهدوی و موضع اصلی او در مسئله مهدویت گفته‌اند که او مخالف اصل مهدویت بوده است؛ ولی برخی دیگر گفته‌اند که او با اصل مهدویت مشکلی نداشته است؛ بلکه اشکال اصلی او به روایاتی بوده که در این موضوع وارد شده است. به نظر می‌رسد دیدگاه دوم صحیح است؛ زیرا ابن خلدون پیش از ورود به بحث درباره احادیث مهدویت، عقیده به ظهور مردی از اهل بیت را عقیده کافه اهل اسلام در طول تاریخ دانسته است و می‌نویسد: «بدان که در گذر روزگاران، میان همه پیروان اسلام، مشهور شد که ناگزیر در پایان دوران، مردی از خاندان نبوی سر برافرازد که به دین،

۱. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۱ و ۱۲.

استواری بخشید و دادگری پدیدار سازد و مسلمانان وی را پیروی کنند و بر سرزمین‌های اسلامی فرمانروایی کند و مهدی نامیده می‌شود»^۱.

وی به‌رغم اعتراف به یکی بودن اعتقاد به مهدی میان همه مسلمانان در قرون پیاپی، بعد از ذکر تعدادی از روایات مربوط به مهدویت و مهدی آخرالزمان و تقدس‌سندی آن‌ها، به تردید و تشکیک در این مسئله مهدویت پرداخته است. شاید بشود گفت که ابن‌خلدون درصدد انکار صریح مسئله مهدویت نبوده؛ بلکه بیشتر به شکل تردیدآمیز با روایات و احادیث مهدویت برخورد کرده است. بعید می‌نماید وی، که خود به اتفاق مسلمانان به این موضوع معترف بوده، بخواهد آن را انکار کند.

ب. المنار (تفسیر القرآن العظیم) نوشته رشید رضا

المنار تفسیری است ناتمام در دوازده جلد که با آیه ۵۳ سوره یوسف پایان می‌یابد. از اول قرآن تا آیه ۱۲۶ سوره نساء به انشای شیخ محمد عبده (متوفای ۱۳۲۳ ق) و املائی سید رشید رضا (متوفای ۱۳۵۴ ق) است. رشید رضا به پیروی از شیوه محمد عبده آن را ادامه داده است.

او به نقد روایت مهدویت پرداخته است و در سه جای تفسیر خود، روایات مهدویت را به‌وضوح انکار کرده است: سوره نساء آیه ۱۵۷، سوره اعراف آیه ۱۸۷ و سوره توبه آیه ۳۳. همه مطالب و ادعاهای وی درباره انکار مهدویت در ذیل آیه ۱۸۷ سوره اعراف بیان شده است. دلایل رشید رضا بر انکار مهدویت را می‌توان این‌گونه برشمرد:

• نادرستی روایات مهدویت؛

• تعارض روایات مهدویت؛

• نبود روایات مهدوی در صحیحین.

رشید رضا در جاهای متفاوتی از تفسیر خود به تعارض روایات مهدویت اشاره می‌کند و از صحیح نبودن و ناپذیرفتنی بودن آن‌ها دم می‌زند؛ ولی مبسوط‌ترین بحثی که در این‌باره ارائه می‌کند، بحثی بسیار طولانی در آیه ذیل است:

يَسْتَأْتُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ

۱. «اعلم ان المشهور بين الكافة من اهل الاسلام على ممر الاعصار انه لا بد في آخر الزمان من ظهور رجل من

اهل البيت يؤيد الدين و يظهر العدل و يتبعه المسلمون و سيتولى على الممالک الاسلاميه و يسمى بالمهدي».

(ابن‌خلدون، مقدمه ابن‌خلدون، ص ۲۴۵)

تَقُلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْنَةً يُسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱؛ از تو درباره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو! علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را در موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است؛ جز ناگهان به شما نمی رسد. [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی. بگو! علم آن، تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.

وی در تفسیر این آیه سه مسئله را به نقد کشیده و بر جعلی بودن آنها تأکید می کند. او معتقد است که روایات مهدی عجل الله فرجه، متعارض و جمع ناپذیرند و منکران فراوانی دارند؛ برای همین شیخین (مسلم و بخاری) در کتابهای خود به آنها اعتماد نکرده و چیزی از آنها را نقل نکرده اند: «اما تعارض در روایات مهدی قوی و ظاهر است و جمع بین این روایات سخت است و منکران فراوانی دارد و شبهه درباره آنها آشکار است؛ به همین دلیل مسلم و بخاری این روایات را در کتاب صحیح مسلم و بخاری نیاورده اند».^۲

ج. تفسیر التحریر و التنویر ابن عاشور

ابن عاشور محمد طاهر بن محمد (م ۱۳۹۳ ق) از فقهای مالکی است. وی در تونس منصب افتاء را بر عهده داشت و از داعیان اصلاح اجتماعی دینی در آنجا به شمار می رفت. تفسیر وی در سی جزء با رویکرد اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و سیاسی نگاشته شده است. او نیز به ساختگی بودن روایات مهدویت اشاره کرده است. او بدون استدلال، احادیث مهدویت را جعلی می داند؛^۳ اما استدلالهایش را در نوشتههای غیر تفسیری خود مثل جمهره مقالات و رسائی، بیان کرده است.

پاسخ به مفسران مخالف روایات مهدویت

استدلالهای این گروه از مفسران به تقلید از ابن خلدون در نقد مهدویت را می توان چنین جمع بندی کرد:

۱. اعراف: ۱۸۷.

۲. «و اما التعارض فی احادیث المهدی فهو اقوی و أظهر و الجمع بین الروایات فیہ اعسر و المنکرون لها اکثر و الشبهة فیها أظهر و لذلك لم یعتد الشیخان بشئی من روایاتها فی صحیحهما». (رشید رضا، المنار، ج ۹، ص ۴۳۵)

۳. ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱ ص ۶۲۸.

الف. ضعف در اسناد روایات

عمده دلیل مخالفان مهدویت، برای اعتماد نکردن به اخبار، ضعف راویان آنهاست. پاسخ: روایات مهدویت در حد تواتر است. برخی سند صحیح دارند. برخی از آنها حسن و برخی ضعیف است. وجود حدیث ضعیف بین این احادیث نیز سبب تضعیف اصل مهدویت نخواهد شد؛ زیرا این احادیث در اصل مهدویت تواتر معنوی دارند. وقتی مجموعه احادیثی در یک موضوع متواتر شدند، نمی‌توان آنها را تضعیف کرد و از طرفی ضعف احادیث ضعیف، با احادیث صحیح و حسن جبران می‌شود.

محمد بن علی شوکانی از عالمان مشهور اهل سنت کتابی با عنوان التوضیح فی التواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح دارد. او در این کتاب تصریح کرده است که روایات مهدویت بدون شک متواتر است. محمد بن جعفر الکتانی در کتاب نظم المتناثر سخنان شوکانی را نقل کرده است:

قاضی علامه محمد بن علی شوکانی یمنی رساله‌ای دارد که عنوان او را التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح گذاشته است. در این کتاب گفته: احادیثی که درباره مهدی عجل الله فرجه، که امکان دسترسی به آنها وجود دارد، پنجاه روایت است که برخی از آنها صحیح، برخی حسن و تعداد دیگری ضعیف است که ضعف آنها قابل جبران است. بدون شک این روایات متواتر است؛ بلکه گاهی به روایتی که کمتر از روایات مهدویت بوده، بنا بر تمام مبناهایی که در علم اصول وجود دارد متواتر گفته شده است؛ اما روایتی که از صحابه آمده و در آن به مهدی تصریح شده است، زیادند که به همه آنها حکم مرفوع (روایتی که صحابی از پیامبر نقل می‌کند) داده می‌شود؛ زیرا محال است که آنها در چنین مسئله‌ای اجتهاد کرده باشند.^۱

قنوجی بخاری (۱۳۰۷-۱۲۴۸ ق) در این باره می‌نویسد: «احادیث وارد در باره مهدی، که

۱. «و للقاضی العلامة محمد بن علی الشوکانی الیمنی، رحمه الله رسالة سماها التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح قال فیها: والأحادیث الواردة فی المهدی التي أمکن الوقوف علیها منها خمسون حدیثاً فی الصحیح و الحسن و الضعیف المنجبر و هی متواترة بلاشک و لاشبهة؛ بل یصدق وصف التواتر علی ما دونها علی جمیع الاصطلاحات المحررة فی الأصول؛ و أما الآثار عن الصحابة المصرحة بالمهدی فهی كثيرة أيضاً لها حکم الرفع إذ لا مجال للاجتهاد فی مثل ذلك». (محمد بن جعفر الکتانی، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۷)

امکان وقوف بر آن‌ها میسر گردیده، پنجاه حدیث است که در بین آن‌ها صحیح، حسن، ضعیف و منجبر وجود دارد. این احادیث بدون هیچ شک و شبهه‌ای متواترند.^۱

عبدالعظیم بستوی نیز احادیث صحیحه مهدویت را در کتاب مستقلى به نام المهدى المنتظر فى ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفة همراه با مبانی رجالی صحت آن‌ها از دیدگاه اهل سنت جمع‌آوری کرده است.

ب. تعارض روایات

اساساً وجود تعارض در روایات نمی‌تواند باعث نامعتبر شدن مجموعه روایات درباره یک موضوع شود؛ بلکه در برخورد با روایات متعارض باید قواعد تعارض مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله این‌که بین خبر معتبر و نامعتبر تعارضی نیست؛ از این رو ابتدا باید اخبار ضعیف را جدا کرده و کنار گذاشت؛ سپس اگر باز بین روایات مورد اعتماد تعارض باقی بود تا آنجا که امکان دارد بین روایات جمع دلالتی کرد و با قرائن و شواهد تنافی را برطرف نمود و در مرحله بعد، اگر قابل جمع نبود با عرضه روایات بر قرآن و قواعد محکم شریعت، یک جانب را ترجیح داد و اگر هیچ‌کدام از این راه‌ها به نتیجه نرسید، بدون اظهار نظر درباره صحت و ضعف هیچ طرف، به اصطلاح علم اصول، توقف کرد و علم آن را به اهلش واگذار نمود.

ج. وجود انگیزه برای جعل

از دلایل نفی روایات مهدویت، وجود انگیزه در جعل است. این استدلال از بقیه استدلال‌ها ضعیف‌تر است. وجود انگیزه برای جعل به هیچ وجه دلیل بر جعل نیست؛ بلکه فقط در این موارد باید به دقت حدیث را بررسی کرد و بعد از آن نظر نهایی را داد. انگیزه جعل در بسیاری از مباحث به نوعی وجود داشته است. آیا به صرف وجود احتمال انگیزه جعل، روایات را کنار می‌گذارند؟

گروه دوم: تفاسیر موافق روایات مهدویت

اکثر منابع تفسیری اهل سنت اصل مهدویت را پذیرفته‌اند و مفسران اهل سنت درباره موضوع مهدویت در تفاسیر خویش نکاتی را بیان کرده‌اند. متون فراوان این تفاسیر را می‌شود به طور خلاصه به دو دسته تقسیم کرد: مواردی که صریح به اصل مهدویت اشاره دارند و مواردی که به حوادث یا مسائل مربوط به مهدویت پرداخته‌اند که به بخشی از این موارد اشاره می‌گردد.

۱. قنوجی بخاری، الاذاعة لما كان و ما يكون بين يدى الساعة، ص ۱۲۶.

۱. مواردی تصریح کننده به اصل مهدویت

آنچه به صورت صریح به اصل مهدویت اشاره کرده و به آن پرداخته‌اند، موارد متعددی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. قیام و خروج حضرت مهدی علیه السلام

در ذیل آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ تفاسیر مختلفی به بحث مهدویت اشاره کرده‌اند؛ مثلاً فخر رازی در تفسیر این آیه شریفه به نقل از سدی نوشته است که این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام است.^۲ قرطبی هم در ضمن همین آیه همین نکته را بیان کرده است که این آیه در هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام است.^۳

مهدی بشارت داده شده و برپاکننده قسط و عدل است. در ذیل آیه «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»^۴ در تفسیر ابن کثیر ضمن توضیح درباره این دوازده نقیب در این آیه شریفه به بررسی روایات دوازده خلیفه در منابع اهل سنت پرداخته و بیان کرده است که ظاهر این است که مهدی بشارت داده شده از این دوازده خلیفه است و اسم او مانند اسم پیامبر اسلام است و زمین را پر از عدل و قسط می‌کند؛ همان‌طور که پر از جور و ظلم شده است.^۵

ب. قیام حضرت مهدی علیه السلام، با شمشیر

سمعانی در ضمن تفسیر آیه «وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۶

۱. «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند

مشرکان خوش نداشته باشند». (توبه: ۳۳)

۲. «الْوَجْهُ الثَّانِي: فِي الْجَوَابِ أَنْ نَقُولَ: رُوي عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ: هَذَا وَعْدٌ مِنَ اللَّهِ بِأَنَّهُ تَعَالَىٰ يَجْعَلُ الْإِسْلَامَ عَالِيًا عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ وَ تَمَامَ هَذَا إِنَّمَا يَحْضُلُ عِنْدَ خُرُوجِ عَيْسَى. وَ قَالَ السُّدِّيُّ: ذَلِكَ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ، لَا يَبْقَىٰ أَحَدٌ إِلَّا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَوْ أَدَّى الْحَرَاجَ». (فخرالدين أبو عبد الله محمد بن عمر الرازي، مفاتيح الغيب أو التفسير الكبير، ج ۱۶، ص ۳۳)

۳. «قال أبو هريرة و الضحاک: هذا عند نزول عيسع عليه السلام؛ و قال السدي: ذاك عند خروج المهدي؛ لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام أو أدى الجزية». (قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۱)

۴. مانند: ۱۲.

۵. «أَنَّ مِنْهُمْ الْمَهْدِي الْمُبَشَّرُ بِهِ فِي الْأَحَادِيثِ الْوَارِدَةِ بِذِكْرِهِ؛ فَذَكَرَ أَنَّهُ يَواطِئُ اسْمُهُ اسْمَ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِيهِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا». (ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ص ۵۹)

۶. سجده: ۲۱.

«الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ» را به قیام امام مهدی علیه السلام، با شمشیر تفسیر کرده و نوشته است: «وَالْعَذَابِ الْأَكْبَرِ هُوَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ بِالسَّيْفِ»^۱.

موارد فراوانی در بین تفاسیر وجود دارد که ذکر آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد؛ همان‌طور که در ذیل آیات ۲۱ تا ۳۰ طه در تفسیر بیان‌المعانی علی حسب ترتیب النزول آمده است: «در فضیلت مهدی علیه السلام، آن قدر مطلب هست که قلم توانایی نوشتن آن را ندارد»^۲.

۲. تفاسیر بیانگر حوادث یا مسائل مربوط به مهدویت

اصل مهدویت در این تفاسیر طرح نشده است؛ بلکه به مسائل و حوادث مربوط به مهدویت می‌پردازند؛ مانند نماز حضرت مهدی علیه السلام، و اقتدای حضرت عیسی علیه السلام، به ایشان.

الف. شکست بنی اسرائیل و بازگرداندن اموال بیت المقدس

تفاسیر متعددی در ضمن تفسیر آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ أَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوعُوا وَجُوهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيُبَيِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا وَ جَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا»^۳ بیان کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام، اموال غارت رفته مسجدالاقصی را باز می‌گرداند.

ثعلبی در الکشف و البیان عن تفسیر القرآن چنین آورده است: «پیامبر خدا فرمود: این درباره زینت‌های بیت المقدس است و مهدی آن را به بیت المقدس برمی‌گرداند»^۴.

ب. فتح قسطنطنیه

طبری و ثعلبی در تفسیر آیه «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

۱. سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۲،

۲. ملا حویش، بیان‌المعانی علی حسب ترتیب النزول، ج ۲، ۱۹۷، ذیل آیات ۲۱-۳۰ طه.

۳. اسراء: ۷-۸.

۴. «قال رسول الله، صلى الله عليه وسلم: فهذا من صفة حلى بيت المقدس ويرده المهدي إلى بيت المقدس».

(ثعلبی، ابواسحاق احمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۰ و سیوطی، الدر المثور فی التفسیر

بالمأثور، ج ۵، ص ۲۴۳)

عَظِيمٌ»^۱ نقل کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام، قیام می‌کند، قسطنطنیه را فتح کرده و آنان را می‌کشد.^۲

ج. سلام کردن بر اصحاب کهف

اسفراینی در تفسیر آیه «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا»^۳ آورده است که امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان بر اصحاب کهف سلام می‌کند.^۴

د. اقتدای عیسیای نبی به مهدی علیه السلام

آلوسی در تفسیر روح المعانی نوشته است: «اکثر اهل علم این نظر را دارند که هنگام نزول حضرت عیسی پشت سر مهدی، رضی الله عنه نماز صبح را می‌خواند».^۵
موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که به مناسبت‌های مختلف مضامین مهدوی را مفسران اهل سنت در تفاسیرشان بیان کرده‌اند.^۶

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. ابی جعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان، ج ۱، ۶۹۹ و ابواسحاق احمد ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱، ۲۶۱.

۳. کهف: ۱۰.

۴. ابوالمظفر شافعی بن طاهر اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۳، ص ۱۳۰۷.
۵. «قد ذهب معظم أهل العلم إلى أنه حين ينزل يصلی وراء المهدی، رضی الله تعالی عنه صلاة الفجر».
(شهاب‌الدین محمود بن عبدالله الحسینی الألوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۱۱ ص ۲۱۴)

۶. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت، ج ۱، ص ۱۹۸ - و ابواسحاق احمد ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۲ و ج ۸، ص ۳۰۳ و ۳۱۲.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن المکرم، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
۴. اسفرائینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تحقیق: نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۵. الألوسی، شهاب الدین محمود بن عبدالله الحسینی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۶. الرازی، فخرالدین أبو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۲۰ ق.
۷. الکتانی، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، مصر، دارالکتب السلفية للطباعة والنشر.
۸. ثعلبی، ابواسحاق احمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق: ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ج ۴، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، تحقیق: محمد سید کیلانی، ۱۳۳۲ ش.
۱۲. رشید رضا، تفسیر القرآن العظیم (المنار)، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

١٥. سمعانى، ابوالمظفر منصور بن محمد، تفسير القرآن، تحقيق: ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس، عربستان، دارالوطن، ١٤١٨ ق.
١٦. سيوطى، عبدالرحمان، الدرالمثور فى التفسير بالمأثور، بيروت، دارالفكر.
١٧. طبرى، أبى جعفر محمد بن جرير، جامع البيان عن تأويل آى القرآن، تقديم: خليل الميسى، تخريج: صدقى جميل العطار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ ق.
١٨. طنطاوى جوهرى، الجواهر فى تفسير القرآن الكريم، بى جا، بى نا، بى تا.
١٩. عسقلانى، ابن حجر، احمد بن على، لسان الميزان، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ج ٢، ١٣٩٠ ق.
٢٠. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق: دكتور مخزومى و دكتور سامرايى، قم، دار الهجرة، ج ٢، ١٤١٠ ق.
٢١. قرطبى، محمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، القاهرة، دارالكتب المصرية، ج ٢، ١٣٨٤ ق.
٢٢. قنوجى بخارى، أبى الطيب صديق بن حسن (صديق حسن خان)، الاداعة لما كان ورما يكون بين يدى الساعة، تحقيق: عبدالقادر الارناووط، دمشق، دار ابن كثير، ج ٢، ١٤٢١ ق.
٢٣. مقدسى شافعى، يوسف بن يحيى، عقد الدرر فى اخبار المنتظر، تحقيق: عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، عالم الفكر، ١٣٩٩ ق.
٢٤. ملا حويش، عبدالقادر آل غازى، بيان المعانى على حسب ترتيب النزول، دمشق، مطبعة الترقى، ١٣٨٢ ق.

کتاب‌شناسی مهدویت در اهل سنت

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبداللہ زاده*

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی، کم‌وبیش در ادیان الهی ریشه دارد.^۱ باور به اصل مهدویت و حکومت فراگیر و عادلانه امام مهدی علیه السلام از مسائلی است که همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و مختص به پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیست؛ بلکه دیدگاه اهل سنت نیز با شیعه در این مسئله یکی است، یعنی هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد، حضرت ظهور می‌کند و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. اهل سنت منجی را هم نام و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و ملقب به مهدی علیه السلام معرفی کرده‌اند.^۲

چون اعتقاد به امام مهدی علیه السلام و ظهور آن حضرت در دیدگاه اهل سنت اصالت دارد و یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی به‌شمار می‌رود، محدثان و علمای اهل سنت تنها به وجود روایات مهدویت در کتاب‌های مختلف بسنده نکرده‌اند؛ بلکه کتاب‌های متعددی درباره حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده‌اند. فراوانی اخبار مهدویت در کتب حدیثی اهل سنت باعث شده بود حتی وهابی‌ها و غیر مقلدین هم کتاب‌های متعددی درباره امام مهدی علیه السلام تألیف کنند؛ اما امروزه در مجامع اهل سنت کمتر به موضوع مهدویت پرداخته می‌شود؛ از این رو برخی از اهل سنت در شبکه‌ها و فضای مجازی این‌گونه ترویج می‌کنند که باور به اصل مهدویت از معتقدات

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

۱. محمدبن ابی بکر ابن قیم جوزی، المنار المنیف، ص ۱۵۴: «فَأَلْمَلُ الثَّلَاثُ (یهود، مسیحیت و اسلام) تَنْتَظِرُ إِمَامًا قَائِمًا يَقُومُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

۲. ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶ و ۱۰۷ و حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۰.

شیعه شمرده می‌شود. این نوشتار در پی آن است که آیا اهل سنت درباره مهدویت کتاب‌های مستقلی نوشته‌اند؟ به بیان دیگر، آیا مذاهب اربعه اهل سنت به‌صورت جداگانه کتابی درباره مهدویت نوشته‌اند؟ آیا وهابیت و غیر مقلدین نیز درباره مهدویت کتابی نوشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، مقالات یا کتاب‌هایی با عنوان کتاب‌شناسی مهدویت نوشته شده است؛ اما امتیاز این مقاله در آن است که تواتر اخبار مهدویت از نگاه علمای اهل سنت بررسی و کتاب‌های نوشته‌شده درباره مهدویت بر اساس مذهب نویسندگان آن‌ها، تفکیک شده است؛ همچنین به کتاب‌های وهابیت و غیر مقلدین در این باره نیز معرفی شده است.

تواتر روایات مهدویت

اخبار مهدویت با طرق متعددی در منابع حدیثی اهل سنت ذکر شده است؛ لذا بسیاری از علمای اهل سنت حتی غیر مقلدین به تواتر بودن این موضوع تصریح کرده‌اند. ابوالحسین محمد بن حسین بن ابراهیم سجستانی آبری شافعی (۳۶۳ ق) که از محدثان بزرگ اهل سنت به‌شمار می‌رود، در کتاب مناقب الشافعی به تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام تصریح کرده و می‌نویسد:

قد تواترت الأخبار واستفاضت بكثرة روايتها عن المصطفى صلى الله عليه وسلم، یعنی فی المهدی. و أنه من اهل بیت النبى صلى الله عليه وآله، وأنه يملك سبع سنين ويملا الأرض عدلاً وأنه يخرج مع عيسى بن مريم ويساعده فى قتل الدجال بباب لد بأرض فلسطين وأنه يؤم هذه الأمة وعيسى، صلى الله عليه يصلى خلفه؛^۱ روایات به‌صورت متواتر و از طریق راویان متعدد از مصطفی (رسول خدا صلى الله عليه وآله)، درباره حضرت مهدی علیه السلام، نقل شده است که او از اهل بیت پیامبر است، هفت‌سال حکومت می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. او همان کسی است که حضرت عیسی علیه السلام، با او خروج کرده و او را در کشتن دجال در دروازه‌ای که در سرزمین فلسطین، یاری می‌کند. او امام این امت خواهد شد و حضرت عیسی، صلى الله عليه پشت سر او نماز می‌خواند.

قرطبی (۶۷۱ ق) علاوه بر اینکه در التذکرة بأحوال الموتی کلام آبری را نقل و تأیید می‌کند،^۲ در

۱. آبری سجستانی، مناقب الإمام الشافعی، ص ۹۵ و ۹۶.

۲. قرطبی، محمد بن أحمد، التذکرة بأحوال الموتی، ص ۱۲۰۵.

تفسیرش هم ادعای تواتر در این مسئله می‌کند.^۱ برزنجی (۱۱۰۳ ق) هم قائل است که روایات مهدی عجل الله فرجه به حد تواتر معنوی می‌رسد.^۲ سفارینی حنبلی (۱۱۸۸ ق) می‌نویسد:

بعضی از حفاظ و سرشناسان ائمه گفته‌اند: اینکه حضرت مهدی از نسل رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، به صورت متواتر نقل شده است؛ پس جایز نیست از این قول، عدول کرد و به دیگر اقوال توجه شود... روایات درباره خروج مهدی بسیار است؛ به طوری که به حد تواتر معنوی می‌رسد. این روایات در علمای اهل سنت شیوع شده و از اعتقادات آن‌ها شمرده شده است... از صحابه و تابعین و تابع تابعین روایات متعددی روایت شده تا جایی که از مجموع این روایات علم قطعی حاصل می‌شود؛ پس ایمان به خروج مهدی عجل الله فرجه واجب است؛ چنانچه نزد اهل علم مقرر و در عقاید اهل سنت و جماعت تدوین شده است؛ همان طوری که شیعیان نیز بر این مسئله اعتقاد دارند؛ اما گمان کرده‌اند که حضرت مهدی عجل الله فرجه همان محمد بن الحسن العسکری عجل الله فرجه است.^۳

بسیاری از علمای اهل سنت همچون مزی (۷۴۱ ق)،^۴ ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ق)،^۵

۱. قرطبی، محمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۱ و ۱۲۲: «وقيل: المهدي هو عيسى فقط وهو غير صحيح؛ لأن الأخبار الصحاح قد تواترت على أن المهدي من عترتة رسول الله صلى الله عليه وسلم، فلا يجوز حمله على عيسى».

۲. محمد بن رسول برزنجی، الإضاءة لأشراط الساعة، ص ۲۱۵.

۳. محمد بن أحمد سفارینی حنبلی، لوامع الأنوار البهية، ج ۲، ص ۷۳ و ۸۴: «بَلْ قَالَ بَعْضُ حُفَاظِ الْأُمَّةِ وَأَعْيَانِ الْأَيْمَةِ أَنَّ كَوْنَ الْمَهْدِيِّ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِمَّا تَوَاتَرَ عَنْهُ ذَلِكَ فَلَا يَسُوغُ الْعُدُولَ وَلَا الْإِلْتِفَاتَ إِلَى غَيْرِهِ... وَقَدْ كَثُرَتْ بِخُرُوجِهِ الرَّوَايَاتُ حَتَّى بَلَغَتْ حَدَّ التَّوَاتُرِ الْمَعْنَوِيِّ وَشَاعَ ذَلِكَ بَيْنَ عُلَمَاءِ السُّنَّةِ حَتَّى عُدَّ مِنْ مُعْتَقِدَاتِهِمْ... وَقَدْ رَوَى عَمَّنْ ذَكَرَ مِنَ الصَّحَابَةِ وَغَيْرِ مَنْ ذَكَرَ مِنْهُمْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ بِرَوَايَاتٍ مُتَعَدِّدَةٍ وَعَنِ التَّابِعِينَ مَنْ بَعْدَهُمْ مَا يَفِيدُ مَجْمُوعَهُ الْعِلْمَ الْقَطْعِيَّ بِالْإِيْمَانِ بِخُرُوجِ الْمَهْدِيِّ وَاجِبٌ كَمَا هُوَ مُقَرَّرٌ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ وَمُدَوَّنٌ فِي عَقَائِدِ أَهْلِ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ وَكَذَا عِنْدَ أَهْلِ الشِّيْعَةِ أَيْضًا لَكِنَّهُمْ زَعَمُوا أَنَّهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ».

۴. مزی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الڪمال فی أسماء الرجال، ج ۲۵، ص ۱۴۹.

۵. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۳۹۳ و همو، تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۴۴.

سخاوی (۹۰۲ ق)،^۱ سیوطی (۹۱۱ ق)،^۲ ابن حجر هیتمی (۹۷۴ ق)،^۳ زرقانی مالکی (۱۱۲۲ ق)،^۴ کتانی (۱۳۴۵ ق)^۵ و حتی ابن قیم (۷۵۱ ق)^۶ تواتر آبری را نقل و تأیید کرده‌اند. غیر مقلدین و علمای وهابی همچون شوکانی (۱۲۵۰ ق)،^۷ صدیق حسن خان قنوجی (۱۳۰۷ ق)^۸ و بن باز (۱۴۲۰ ق)^۹ قائل‌اند که روایات امام مهدی علیه السلام به حد تواتر رسیده است. عظیم‌آبادی (۱۳۲۹ ق)^{۱۰} و تویجری (۱۴۱۳ ق)^{۱۱} تواتر علما را نقل و تأیید کرده‌اند.

کتاب‌های اختصاصی اهل سنت درباره مهدویت

کتاب‌های اهل سنت که از مهدویت یاد کرده‌اند، به دو دسته عمده تقسیم می‌شود:
یک. کتاب‌های روایی عمومی اهل سنت که محدثان اهل سنت، روایات مهدویت را در ذیل عنوان کتاب الفتن،^{۱۲} باب خروج المهدی،^{۱۳} کتاب المهدی،^{۱۴} باب المهدی،^{۱۵} ما جاء فی

۱. محمد بن عبدالرحمن سخاوی، فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث للعراقی، ج ۴، ص ۲۳.
۲. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۰۳.
۳. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۸۰ و همو، المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۲۳.
۴. زرقانی مالکی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة، ج ۷، ص ۳۹۳.
۵. محمد کتانی، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۶.
۶. ابن قیم جوزیه، المنار المنیف فی الصحیح والضعیف، ص ۱۴۱.
۷. به نقل از صدیق حسن خان قنوجی و عظیم‌آبادی: محمد صدیق خان قنوجی، الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة، ص ۱۵۰ و ۱۵۱ و محمد شمس الحق عظیم‌آبادی، عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۱۱، ص ۴۵۸.
۸. قنوجی، محمد صدیق خان، الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة، ص ۱۴۹.
۹. عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مجموع فتاوی، ج ۴، ص ۹۸ و ۹۹: «فأمر المهدی أمر معلوم والأحادیث فیہ مستفیضة بل متواترة متعاضدة. وقد حکى غير واحد من أهل العلم: تواترها؛ كما حکاه الأستاذ فی هذه المحاضرة و هي متواترة تواترا معنويا لكثرة طرقها و اختلاف مخرجها و صحابتها و روايتها و ألفاظها؛ فهی بحق تدل علی أن هذا الشخص الموعود به أمره ثابت و خروجه حق».
۱۰. محمد شمس الحق عظیم‌آبادی، عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۱۱، ص ۴۵۸.
۱۱. حمود بن عبدالله تویجری، إتحاف الجماعة، ص ۲۹۰ تا ۲۹۲ و همو، الاحتجاج بالأثر علی من أنكر المهدی المنتظر، ص ۴۳ تا ۴۵.
۱۲. عبدالله ابن ابی شیبہ، المصنّف فی الأحادیث والآثار، ج ۷، ص ۵۱۲ تا ۵۱۴؛ نعیم بن حماد مروزی، کتاب الفتن، ص ۳۳۲ تا ۴۰۸ و حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۴۷ تا ۶۰۱.
۱۳. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۵.
۱۴. ابوداود سجستانی، سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۰۶.
۱۵. عبدالرزاق صنعانی، المصنّف، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

المهدی^۱ یا در بخش مربوط به نشانه‌های قیامت آورده‌اند؛^۲ چنانچه احمد بن حنبل احادیث گوناگون و متعددی را به‌طور پراکنده درباره اسم امام مهدی علیه السلام، نشانه‌های ظهور و نزول عیسی علیه السلام، نقل می‌کند.^۳ تویجری (وهابی) و دیگران آوردند که نام و یاد مهدی در بین صحابه و بعد از صحابه تا زمان ما مشهور است و احادیث فراوانی درباره مهدی از صحابه و تابعین نقل شده و این احادیث نزد اهل سنت و جماعت^۴ مشهور است؛ چنانچه احمد، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، ابن حبان، حاکم و دیگران نقل کرده‌اند.^۵

دو. کتاب‌های اختصاصی اهل سنت درباره مهدویت که علمای اهل سنت از مذاهب اربعه حتی غیر مقلدین و وهابی‌ها به سبب اهمیت مسئله مهدویت و برای ردیه بر مدعیان دروغین مهدویت^۶ و منکرین مهدویت^۷ کتاب‌های گوناگون و مجزایی درباره مهدویت به نگارش درآورده‌اند؛ برای نمونه از علمای مذاهب اربعه اهل سنت و غیر مقلدین و وهابیت، کتاب‌هایی نام برده می‌شود که همگان به‌ویژه اهل سنت به آن توجه کرده‌اند.

حنفی‌ها

برخی از علمای حنفی درباره امام مهدی علیه السلام، کتاب‌هایی نوشته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۷۵.
۲. نعیم بن حماد مروزی، کتاب الفتن، ص ۳۳۲ تا ۴۰۸.
۳. أحمد ابن حنبل شیبانی، مسند أحمد بن حنبل، ج ۱۷، ص ۲۵۴ و ۳۱۰ و ج ۳۷، ص ۷۰.
۴. جمهور علمای اهل سنت همچون ابن عابدین حنفی، صاوی مالکی، زینی دحلان، سلیمان بن عبدالوهاب، خلیل احمد سهارنپوری و دیگران وهابیت را خارج از اهل سنت و جزو خوارج شمرده‌اند؛ اما وهابیت خارجی، خودشان را اهل سنت و جزو اهل حدیث می‌شمارند.
۵. حمود بن عبدالله تویجری، الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر، ص ۲۶ و ۲۷ و عبدالرحمان مبارکفوری، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۶، ص ۴۰۱ و ۴۰۲.
۶. مثل سید محمد بن سید خان جونفوری.
۷. برخی از علمای اهل سنت مثل ابن خلدون و عبدالله بن زید بن محمود وهابی، اخبار مهدویت را تضعیف و منکر ظهور شده‌اند؛ چنانچه تویجری (وهابی) می‌نویسد: «إن قول ابن محمود هذا يعود علیه؛ فإنه قد قلد ابن خلدون فی أوهامه آلتی قالها فی أحادیث المهدی، و قلد الذین قلدوا ابن خلدون من المتأخرین؛ مثل رشید رضا، محمد فرید وجدی، أحمد أمين، المودودی وغيرهم من العصرین، الذین تکلموا فی أحادیث المهدی بغیر علم. و زعموا أنها کلمة ضعیفة». (حمود بن عبدالله تویجری، الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر، ص ۴۹)

۱. تلخیص البیان فی علامات مهدی آخرالزمان نوشته احمد بن سلیمان رومی حنفی معروف به ابن کمال پاشا (۹۴۰ ق).^۱
۲. المهدی إلى ما ورد فی المهدی نوشته شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی^۲ (۹۵۳ ق).^۳
۳. البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان نوشته علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵ ق) عالم بزرگ حنفی و صاحب کنز العمال.^۴ این کتاب یک مقدمه، سیزده باب و یک خاتمه دارد. نویسنده سبب تألیف این کتاب را در مقدمه چنین بیان کرده است که طایفه‌ای در هند، معتقد بودند سید محمد بن سید خان جونفوری که در چهل سالگی از دنیا رفته، همان مهدی منتظر است؛ لذا در رد بر آن‌ها این کتاب را تألیف کردم. او می‌افزاید که کتاب العرف الوزدی فی أخبار المهدی سیوطی را باب‌بندی و برخی از روایات جمع الجوامع سیوطی و عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر را اضافه کرده است. نویسنده، فتوای علمای چهار مذهب را درباره مدعیان و منکران امام مهدی علیه السلام، متذکر شده است.
۴. المشرب الوردی فی مذهب المهدی نوشته عالم بزرگ حنفی ملا علی قاری حنفی (۱۰۱۴ ق).^۵ ابن عابدین حنفی می‌نویسد: «ملا علی قاری این کتاب را در رد کسانی نوشت که گمان می‌کردند امام مهدی علیه السلام، از ابوحنیفه تقلید می‌کند و در این کتاب بیان کرد که امام مهدی علیه السلام مجتهد مطلق است و احادیثی جعلی برخی از کذابین را رد کرده است». ^۶ ملا علی قاری در مقدمه کتاب می‌نویسد: «شیخ عبدالله هندی می‌گوید: امام مهدی بعد از ظهورش بر مذهب ابوحنیفه است. نقل و عقل بر این کلام دلالت ندارد». نویسنده در ادامه روایات متعددی برای مهدویت نقل می‌کند.
۵. الرد علی من حکم و قضی بأن المهدی الموعود جاء و مضی نوشته ملا علی قاری.^۷

۱. إسماعیل بن محمد بابانی بغدادی، هدیه العارفين أسماء المؤلفين و آثار المصنفين، ج ۱، ص ۱۴۱.
۲. خیرالدین زرکلی، الأعلام، ج ۶، ص ۲۹۱.
۳. عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث، ص ۱۳۰.
۴. عضو ملتقى أهل الحديث، الوفيات والأحداث، ص ۱۷۷.
۵. محمد عبدالحی لکنوی، التعلیق الممجّد علی موطأ محمد، ج ۱، ص ۱۰۷.
۶. محمد امین بن عمر ابن عابدین، رد المختار علی الدر المختار، ج ۱، ص ۵۷.
۷. أبی‌علی بیضای مغربی، الرسالة المستطرفة محققة ومعها والتعليقات المستطرفة، ج ۴، ص ۵۶.

گفتی است که برخی می‌گویند این رساله، برای متقی هندی است.^۱
۶. الهدية الندية للأمة المحمدية فيما جاء في فضل الذات المهدية نوشته شيخ مصطفى
بکری حنفی (۱۱۶۲ ق).^۲

مالکی‌ها

مالکی‌ها در بین علمای مذاهب، کمترین کتاب مستقل را درباره مهدویت نوشته‌اند؛ لذا چون
سادات غماری^۳ ابتدا مالکی بودند آنان را جزو علمای مالکی آورده‌ایم. این کتاب‌ها عبارت‌اند
از:

۱. الجواب المقنع المحرر فالرد علی متن طغی و تجبر بدعوی أنه عیسی أو المهدی
المنتظر^۴ نوشته محمد حبیب‌الله شنقیطی مالکی (۱۳۶۳ ق).^۵

۲. إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون أو المرشد المبدي لفساد طعن ابن خلدون فی
أحادیث المهدی نوشته محدث احمد بن محمد بن صدیق غماری (۱۳۸۰ ق).^۱ این کتاب
ردیه‌ای است بر ابن خلدون که همه روایات امام مهدی عجل الله فرجه را تضعیف کرده است. مؤلف این
کتاب را در یک مقدمه و ۲۹ فصل تدوین کرد و صد حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله، برای اثبات امام
مهدی عجل الله فرجه نقل کرده است.^۶

۳. المهدی المنتظر نوشته محدث عبدالله بن محمد بن صدیق غماری (۱۴۱۳ ق). مؤلف،
این کتاب را با یک تمهید، یک مقدمه، فصول متعدد و شش مسئله تدوین کرده است. او در
تمهید می‌نویسد: «گمان کسی که منکر احادیث مهدی منتظر بودند را ابطال کردم و روایات
مهدی عجل الله فرجه متواتر است و کسی که منکر آن باشد بدعت‌گذار و گمراه و جزو فرقه مبتدعه گمراه

۱. عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث، ص ۱۳۲.

۲. إسماعیل بن محمد بابانی بغدادی، هدیه العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، ج ۲، ص ۴۵۰.

۳. احمد و عبدالله بن صدیق غماری ابتدا مالکی بودند و در نهایت تقلید را کنار گذاشتند و خود را مجتهد مطلق
می‌دانستند و ردیه فراوانی بر وهابیت همچون البانی و دیگران نوشتند.

۴. عبدالفتاح بن السید عجمی مرصفی مصری، هدایة القاری الی تجوید کلام الباری، ج ۲، ص ۷۲۳: «هو
العلامة الحافظ الحجة سیدی محمد حبیب‌الله بن الشیخ سیدی عبدالله ابن سیدی أحمد المشهور بما یأبى
الجکنی ثم الیوسفی نسباً المالکی مذهباً الشنقیطی إقليمياً المدنی مهاجراً».

۵. أبی یعلی بیضای مغربی، الرسالة المستطرفة محققة و معها و التعليقات المستطرفة، ج ۴، ص ۵۶.

۶. خیرالدین زرکلی، الأعلام، ج ۱، ص ۲۳۵.

۷. آغا بزگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۸، ص ۲۸۹.

است)). او در مقدمه می‌آورد که یکی از استادان الازهر منکر امام مهدی عجل الله فرجه شده و اخبار مهدی عجل الله فرجه را ضعیف می‌داند و اگر از او سؤال شود کدام یک از حفاظ این احادیث را تضعیف کرده، نمی‌تواند پاسخ بدهد؛ چون احادیث مهدویت به تواتر رسیده است. او در ادامه عالمانی را نام می‌برد که قائل به تواتر احادیث مهدویت بودند و می‌گوید: «۳۸ نفر از صحابه و تابعین اخبار مهدی عجل الله فرجه را نقل کرده‌اند».

شافعی‌ها

علمای شافعی در بین مذاهب اهل سنت، بیشترین کتاب را درباره مهدویت نوشته‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. ذکر المهدی و نعوته و حقیقة مخرجه و ثبوت نوشته ابونعیم اصفهانی (۴۲۰ ق) از بزرگان علمای شافعی.^۱ محدث فقیه، سید ابن طاووس (۶۶۴ ق) رحمه الله این کتاب را از مصنفات ابونعیم اصفهانی شمرده و می‌نویسد: ابونعیم اصفهانی چهل حدیث درباره امام مهدی عجل الله فرجه را در ۲۶ ورقه جمع کرد و اسمش را ذکر المهدی و نعوته و حقیقة مخرجه و ثبوت گذاشت.^۲ سید بن طاووس در ادامه از عبدالمحمود چنین نقل می‌کند: «ابونعیم در ابتدای این کتاب ۴۹ حدیث جمع کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله، بشارت مهدی عجل الله فرجه را داده و اینکه حضرت از فرزندان حضرت فاطمه، علیها السلام و زمین را پر از عدل می‌کند».^۳

۲. الأربعون حدیثا فی المهدی نوشته ابونعیم اصفهانی (۴۲۰ ق) که چهل حدیث درباره مهدویت را در آن ذکر کرده است. محدث اربیلی رحمته الله، این کتاب را جزو مصنفات ابونعیم اصفهانی شمرده است و چهل حدیث این کتاب را ذکر کرده است.^۴ سیوطی هم این چهل حدیث را در کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی آورده است؛ چنانچه در مقدمه کتاب به این

۱. عبد الوهاب سبکی، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۴ ص ۱۸: «احمد بن عبدالله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الإمام الجليل الحافظ أبو نعیم الأصبهانی الصوفی الجامع بین الفقه و التصوف و النهایة فی الحفظ و الضبط».

۲. سید علی بن موسی ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۷۹: «وقد جمع الحافظ أبو نعیم کتابا فی ذلك نحو ست و عشرين ورقة من أربعين حدیثا و سماه کتاب ذکر المهدی و نعوته و حقیقة مخرجه و هذا من أعیان علماء الأربعة المذاهب».

۳. همان، ص ۱۸۱.

۴. علی بن عیسی اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۶۷ تا ۴۷۵.

نکته اشاره می‌کند.

ظاهراً این دو کتاب ابونعیم اصفهانی، یکی است. آغا بزرگ تهرانی می‌نویسد: «رسالة فی أربعین حدیثاً فی أمر المهدي ﷺ للحافظ أبي... ينقل عنه كثيرا الوزير علي بن عيسى الإبلي فی كشف الغمة. و الظاهر أنه الذي عبر عنه السيد ابن طاووس فی طرائفه بکتاب ذکر المهدي و نعوته و حقيقة مخرجه و ثبوته»^۱.

۳. البیان فی اخبار صاحب الزمان نوشته محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸ ق).^۲ نویسنده، احادیث مهدویت را با نظم خاص و در ابواب مختلف و موضوعات گوناگون نقل کرده است. گنجی شافعی روایات مهدویت را در ۲۵ باب ذکر کرده است. باب اول را به نام «فی ذکر خروجه فی آخر الزمان» آغاز کرده و با نام‌گذاری باب آخر با عنوان «فی الدلالة علی جواز بقاء المهدي حياً»، مهدی موعود عليه السلام را برخلاف برخی از اهل سنت، متولد شده می‌داند. علامه حسن‌زاده آملی رحمته الله، درباره این کتاب می‌نویسد:

کتاب بیان درعین حال که صغیرالحجم است، بسیار عظیم‌النتفع است. این کتاب موجز، دارای فوایدی گران‌قدر و ارزشمند است و هرچند هر یک از ابواب آن را در امر صاحب‌الامر عليه السلام، اهمیتی بسزاست، لکن بعضی از ابواب به‌خصوص باب‌های دوم، هفتم، نهم، سیزدهم، بیست و چهارم و بیست و پنجم را شأنی دیگر و درخور دقت بیشتر و بهتر است.^۳

۴. عقد الدرر فی اخبار المنتظر نوشته یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (۶۸۵ ق).^۴ او ۴۹۱ حدیث این کتاب را در دوازده باب تدوین کرده است. باب چهارم، چهار فصل، باب نهم، سه فصل و باب دوازدهم یک مقدمه و هشت فصل دارد. مقدسی شافعی در هر باب، روایات مرتبط با مهدویت اعم از نسل پیامبر بودن امام مهدی عليه السلام، نام، اخلاق و رفتار، کنیه، عدالت حضرت، خروج سفیانی، خسف بیداء (فرورفتن سفیانیان در زمین)، کرامات، شأن و مقامش، نمازگزاردن

۱. آغا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۵۰ و ۵۱.

۲. إسماعیل بن محمد بابانی بغدادی، هدیة العارفين، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳. حسن‌زاده آملی، نهج الولاية، ج ۱، ص ۹۳.

۴. آغا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۷۹.

حضرت عیسیٰ علیه السلام پشت سرش، خروج دجال و حوادثی که اتفاق می افتد را نقل می کند.

۵. العرف الوردی فی اخبار المهدی نوشته سیوطی شافعی (۹۱۱ ق) از بزرگان علمای شافعی است.^۱ این کتاب در بردارنده ۲۵۳ روایت درباره مهدی، ظهور او و حوادث آخرالزمان است که مؤلف از منابع متعدد پیش از خود جمع آوری و با ذکر نام منابع، آن‌ها را نقل کرده است. سیوطی در مقدمه کتاب می نویسد: «چهل حدیث ابونعیم اصفهانی را خلاصه کردم و روایات دیگری را که وی نیاورده است، من افزوده‌ام و به صورت (ک) رمزگزاری کرده‌ام».^۲

۶. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر نوشته مفتی شافعی ابن حجر هیتمی شافعی (۹۷۴ ق).^۳ او کتاب را به سه باب و یک خاتمه تقسیم کرده است که در باب اول درباره نشانه‌ها و اوصاف خاصی اشاره می کند که در روایات درباره مهدی موعود علیه السلام آمده است که مجموعاً ۶۲ نشانه درباره او از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می کند.^۴ وی در باب دوم و سوم روایاتی را آورده است که صحابه، تابعین و تابع تابعین درباره امام مهدی علیه السلام نقل می کنند که مجموعه ۳۹ نشانه درباره او از صحابه و ۵۶ نشانه از تابعین و تابع تابعین ذکر می کند^۵ و در خاتمه کتاب درباره مهدی و مهدیون، خروج آن حضرت قبل عیسی، نزول عیسی، خروج یاجوج و ماجوج، دابه الارض و ... مطالبی را از احادیث و گفتار علما نقل می کند.^۶

دیگر علمای شافعی درباره مهدویت کتاب‌هایی را نوشته‌اند؛ همچون جزء فی ذکر المهدی نوشته ابن کثیر (۷۷۴ ق)،^۷ ارتقاء الغرف نوشته سخاوی (۹۰۲ ق)،^۸ العرف الوردی فی دلائل

۱. ظاهر سلیمان حموده، جلال‌الدین السیوطی عصره و حیات، ص ۴۰۱ و آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۸، ص ۲۸۹.

۲. عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، العرف الوردی فی الاخبار المهدی، ص ۱۵.

۳. اسماعیل بن محمد بابانی بغدادی، هدیه العارفين، ج ۱، ص ۱۴۶ و آغا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۸، ص ۲۸۹.

۴. ابن حجر هیتمی، المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۲۱ تا ۴۳.

۵. همان، ص ۴۷ تا ۶۸.

۶. همان، ص ۷۰ تا ۸۴.

۷. اسماعیل ابن کثیر دمشقی، البداية والنهاية، ج ۱۹، ص ۶۳: «وَقَدْ أَفْرَدْتُ فِي ذِكْرِ الْمَهْدِيِّ جُزْءًا عَلَى حِدَّةٍ».

۸. اسماعیل بن محمد عجلونی، كشف الخفاء، ج ۲، ص ۳۴۷: «ورد ذكره في أحاديث أفردها بعض الحفاظ بالتأليف؛ منهم الحافظ السخاوي في كتاب سماه ارتقاء الغرف».

المهدی^۱ نوشته عبدالرحمان بن مصطفی العیدروس یمنی شافعی (۹۴۴ ق) و القطر الشهیدی فی أوصاف المهدی نوشته احمد بن احمد حلوانی شافعی (۱۳۰۸ ق).^۲

حنبل‌ها

برخی از علمای حنبلی درباره امام مهدی علیه السلام، کتاب‌هایی نوشته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. الأحادیث الواردة فی المهدی نوشته ابوبکر أحمد بن أبی خیثمة حنبلی (۲۷۹ ق).^۳ سهیلی در الروض الأنف از این کتاب سخن گفته است.^۴
۲. جزء فی المهدی نوشته ابوالحسین احمد بن جعفر حنبلی (۳۳۶ ق) معروف به ابن منادی از بزرگان حنبله.^۵ ابن حجر عسقلانی به این کتاب اشاره کرده است.^۶ سید ابن طاووس می‌نویسد: «۳۴ حدیث در این رساله جمع کرده است».^۷ ابن طاووس در ادامه می‌آورد: «هجده حدیث در این کتاب درباره خروج امام مهدی علیه السلام، و ظهورش وجود دارد و حضرت از فرزندان حضرت فاطمه، علیها السلام است و زمین را پر از عدل می‌کند و ابن منادی کمال حضرت و سیره و ولایتش را هم ذکر کرد».^۸
۳. أخبار المهدی نوشته حسن بن محمد نابلسی حنبلی (۷۷۲ ق). ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: «و رأیت بخطه کتابا جمعه فی أخبار المهدی الذی یخرج فی آخر الزمان».^۹ زرکلی وهابی هم اخبار المهدی را از آثار او شمرده است.^{۱۰}
۴. فرائد فوائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر نوشته مرعی بن یوسف کرمی حنبلی (۱۰۳۳

۱. إسماعیل بن محمد بابانی بغدادی، هدیه العارفین، ج ۱، ص ۵۵۴.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. ابن أبی یعلی درباره او می‌نویسد: «وكان ثقة عالما متقنا حافظا بصيرا بأيام الناس راوية للأدب» (محمد بن محمد ابن أبی یعلی، طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۴۴).

۴. عبدالرحمان بن عبدالله سهیلی، الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام، ج ۲، ص ۲۷۹.

۵. ابن أبی یعلی درباره او می‌نویسد: «وَ كَانَ ثِقَةً أَمِينًا ثَبَتًا صَدُوقًا وَرَعَا حِجَّةً فِيمَا يَرُويهِ مُحَصِّلا لِمَا يَحْكِيهِ صَنَفَ كِتَابًا كَثِيرَةً وَ جَمَعَ عُلُومًا» (محمد بن محمد ابن أبی یعلی، طبقات الحنابلة، ج ۲، ص ۳).

۶. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۳.

۷. سید علی بن موسی ابن طاووس، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۱۸۰.

۸. همان، ص ۱۸۱.

۹. ابن حجر عسقلانی، الدرر الكامنة، ج ۲، ص ۱۴۴.

۱۰. خیرالدین زرکلی، الأعلام، ج ۲، ص ۲۱۶.

ق).^۱ نویسنده روایات و اخبار پراکنده و راجح درباره مهدویت را از محدثان و علمای بزرگ نقل کرده و درصدد جمع آنها برآمده است. مطالب کتاب در هفت باب جمع‌آوری شده است. در باب اول، حقیقت ظهور امام مهدی علیه السلام، را بیان کرده و در باب دوم نام و صفت امام مهدی علیه السلام، را بیان کرده و در باب سوم، علامات ظهور آن بزرگوار را بیان می‌کند. چگونگی بیعت و محل آن را در باب چهارم، بررسی می‌کند و محل خروج آن حضرت نیز بیان می‌شود. باب پنجم، درباره فتنه‌های قبل و بعد از ظهور را بیان کرده و در باب ششم، همراهی حضرت عیسی علیه السلام، با آن بزرگوار را بیان کرده است. نویسنده در باب هفتم کتاب درباره وفات و مدت حکومت آن حضرت، روایات را دسته‌بندی کرده و ارائه می‌دهد. این کتاب با تحقیق و مقدمه طولانی سامی‌الغریری چاپ شده است.

۵. مرآة الفکر فی المهدی المنتظر نوشته مرعی بن یوسف کرمی حنبلی (۱۰۳۳ ق).^۲

غیر مقلدین و وهابیت

برخی از علمای غیر مقلد همچون امیر صنعانی و شوکانی و علمای وهابی همچون صدیق حسن خان قنوجی و تویجری درباره امام مهدی علیه السلام، کتاب‌هایی نوشته‌اند که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. جواب عن سؤال فی المهدی نوشته امیر صنعانی (۱۱۸۲ ق) که غیر مقلد^۳ است. این کتاب را درباره مهدویت نوشته است.^۴ امیر صنعانی در این کتاب روایات خروج امام مهدی علیه السلام، را آورده و اینکه از آل محمد صلی الله علیه و آله است و در آخر زمان ظهور می‌کند و قبل از خروج دجال خروج می‌کند.^۵

۲. التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح که نوشته امام غیر مقلدین شوکانی (۱۲۵۰ ق) است.^۶ شوکانی می‌گوید: «احادیث درباره امام مهدی علیه السلام، پنجاه حدیث

۱. همان، ج ۷، ص ۲۰۳. إسماعیل بن محمد بابانی بغدادی، هدیة العارفین، ج ۲، ص ۴۲۷.

۲. همان.

۳. محمد بن علی شوکانی، البدر الطالع، ج ۲، ص ۱۳۳. این تذکر لازم است که امیر صنعانی غیر مقلد است؛ ولی ردیه‌ای بر وهابیت به نام إرشاد ذوی الألباب إلی حقیقة أقوال ابن عبدالوهاب نوشته است.

۴. محمد صدیق خان قنوجی، الإذاعة لما کان وما یکون بین یدی الساعة، ص ۱۵۱.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۱ و محمد شمس‌الحق عظیم‌آبادی، عون المعبود شرح سنن أبی داود، ج ۱۱، ص ۴۵۸. شوکانی گرچه غیر مقلد است، با وهابیت افتراقاتی دارد.

است و در این پنجاه حدیث، احادیث صحیح، حسن و ضعیف منجبر است که بدون شک به حد تواتر می‌رسد. او می‌افزاید: «احادیث درباره مهدی علیه السلام، از صحابه بسیار نقل شده و در حکم رفع (نقل از پیامبر) است؛ چون مجالی برای اجتهاد در این مسائل نیست»^۱.

۳. الدر المنضود فی ذکر المهدی الموعود نوشته محمد صدیق خان قنوجی وهابی^۲ (۱۳۰۷ ق).^۲

۴. تحدیق النظر فی أخبار المهدی المنتظر نوشته محمد بن عبدالعزیز بن مانع وهابی (۱۳۸۵ ق). نویسنده در دو فصل و یک خاتمه این کتاب را تألیف کرد. در فصل اول ۲۱ حدیث درباره بشارت به امام مهدی علیه السلام، آورده است و در فصل دوم اسامی مدعیان مهدویت را آورده است.

۵. الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدی المنتظر نوشته حمود بن عبدالله تویجری وهابی (۱۴۱۳ ق). تویجری این کتاب را ردیه بر عبدالله بن زید بن محمود وهابی زده که منکر خروج امام مهدی علیه السلام، بود و قائل بود اخبار مهدویت موضوع و جعلی است.^۴ بن باز وهابی هم بر این کتاب مقدمه‌ای نوشته است.

۶. إقامة البرهان فی الرد علی من أنکر خروج المهدی و الدجال و نزول المسیح فی آخر الزمان نوشته تویجری وهابی. این کتاب ردیه بر عبدالکریم خطیب است که منکر خروج امام مهدی علیه السلام و خروج دجال و نزول حضرت عیسی علیه السلام، بود.

وهابی‌های دیگری همچون عبدالمحسن بن حمد العباد دو کتاب به نام الرد علی من کذب بالأحادیث الصحيحة الواردة فی المهدی و عقیده أهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر نوشته است. عبدالله بن سلیمان المشعلی مختصر الأخبار المشاعة فی أشراف الساعة و أخبار المهدی و محمد بن احمد بن إسماعیل نیز المقدم المهدی حقیقة لا خرافة و المهدی وفقه أشراف الساعة را نوشته است.

۱. محمد صدیق خان قنوجی، الإذاعة لما كان وما يكون بین یدی الساعة، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲. محمد صدیق خان خودش را اهل حدیث معرفی می‌کند؛ ولی او غیر مقلد و افکارش در توحید و شرک همان افکار و منهج وهابیت است.

۳. أبی‌یعلی بیضای مغربی، الرسالة المستطرفة محققة و معها و التعليقات المستطرفة، ج ۴، ص ۵۶.

۴. کتابش به نام لا مهدی ینتظر بعد الرسول محمد خیر البشر است.

فهرست منابع

١. ابن أبى يعلى، محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، محقق: محمد حامد الفقى، بيروت، دارالمعرفة.
٢. ابن أبى شيبه، عبدالله، المصنّف فى الأحاديث والآثار، تحقيق: كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٠٩ ق.
٣. ابن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى، محقق: محمد بن سعد الشويرع.
٤. ابن حجر عسقلانى، احمد، الدرر الكامنة فى أعيان المائة الثامنة، محقق: محمد عبدالمعيد صنان، هند، حيدرآبادف مجلس دائرة المعارف العثمانية، ج ٢، ١٣٩٢ ق.
٥. ———، تهذيب التهذيب، هند، مطبعة دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٦ ق.
٦. ———، فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دار المعرفة، ١٣٧٩ ق.
٧. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه، تحقيق: عبدالرحمن بن عبدالله التركى و كامل محمد الخراط، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٧ ق.
٨. ابن حجر هيثمى، احمد بن محمد، المختصر فى علامات المهدي المنتظر، قاهره، مكتبة القران.
٩. ابن حنبل شيبانى، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد و ديكران، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ ق.
١٠. ابن طاووس، على بن موسى، الطوائف فى معرفة مذاهب الطوائف، قم، خيام، ١٤٠٠ ق.
١١. ابن عابدين، محمد امين بن عمر (١٢٥٢)، رد المحتار على الدر المختار، بيروت، دارالفكر، ج ٢، ١٤١٢ ق.
١٢. ابن قيم جوزيه، محمد بن أبى بكر، المنار المنيف فى الصحيح والضعيف، محقق: عبدالفتاح أبوغدة، حلب، مكتبة المطبوعات الإسلامية، ١٣٩٠ ق.
١٣. ابن كثير دمشقى، اسماعيل، البداية و النهاية، تحقيق: عبدالله بن عبدالمحسن التركى، دار هجر، ١٤١٨ ق.
١٤. ابن ماجه قزوينى، محمد، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربية.
١٥. ابوداود سجستانى، سليمان، سنن أبى داود، تحقيق: محمد محيى الدين عبدالحميد، بيروت، المكتبة العصرية.

۱۶. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۷. آبری سجستانی، محمد بن الحسین، مناقب الإمام الشافعی، محقق: جمال عزون، الدار الأثرية، ۱۴۳۰ ق.
۱۸. بابانی بغدادی، إسماعیل بن محمد، هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، استانبول، طبع بعناية وكالة المعارف الجليلية فی مطبعتها البهية، ۱۹۵۱ م.
۱۹. برزنجی، محمد بن رسول، الإشاعة لأشراط الساعة، محقق: حسین محمد علی شكري، بيروت، دارالمنهاج، ج ۳، ۱۴۲۶ ق.
۲۰. بستوی، عبدالعظیم عبدالعظیم، المهدي المنتظر فی ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة و أقوال العلماء و آراء الفرق المختلفة، مکه، المكتبة الملكية، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. بیضای مغربی، أبی یعلی، الرسالة المستطرفة محققة ومعها والتعليقات المستطرفة.
۲۲. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، تحقیق: بشار عواد معروف، دارالغرب الإسلامي، بيروت، ۱۹۹۸ م.
۲۳. تویجری، حمود بن عبدالله، إتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و أشراط الساعة، ریاض دار الصمیعی، ج ۲، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. تویجری، حمود بن عبدالله، الاحتجاج بالأثر علی من أنكر المهدي المنتظر، ریاض، الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، ۱۴۰۳ ق.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، تعلیق: محمد بن أحمد ذهبی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بيروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۱ ق.
۲۶. حسن زاده آملی، حسن، نهج الولاية، قم، قیام.
۲۷. حسنی فاسی، محمد بن أحمد، ذیل التقیید فی رواة السنن و الأسانید، تحقیق: کمال یوسف الحوت، بيروت، دارالکتب العلمية، لبنان، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. حموده، طاهر سلیمان، جلال الدین السیوطی عصره و حیاته و آثاره و جهوده فی الدرس اللغوی، بيروت، المكتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. خیرالدین زرکلی، الأعلام، بيروت، دارالعلم للملایین، ج ۱۵، ۲۰۰۲ م.
۳۰. زرقانی مالکی، محمد بن عبدالباقی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. سبکی، عبدالوهاب بن تقی الدین، طبقات الشافعية الكبرى، تحقیق: محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد الحلوی، هجر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۲، ۱۴۱۳ ق.

٣٢. سخاوى، محمد بن عبدالرحمن، فتح المغيـث بشرح الفية الحديث للعراقى، تحقيق: على حسين على، مصر، مكتبة السنة، ١٤٢٤ ق.
٣٣. سفارينى حنبلى، محمد بن أحمد، لوايح الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضية فى عقد الفرقة المرضية، دمشق، مؤسسة الخافقين و مكتبتها. ج ٢، ١٤٠٢ ق.
٣٤. سهيلي، عبدالرحمن بن عبدالله، الروض الأنف فى شرح السيرة النبوية لابن هشام، تحقيق: عمر عبدالسلام السلامى، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٢١ ق.
٣٥. سيوطى، عبدالرحمن بن أبى بكر، العرف الوردى فى الاخبار المهدى، محقق: مهدي اكبرنژاد، تهران، هستى نما، ١٤٢٩ ق.
٣٦. _____، الحاوى للفتاوى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر، ١٤٢٤ ق.
٣٧. شوكانى، محمد بن على، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، بيروت، دارالمعرفة.
٣٨. صنعانى، عبدالرزاق، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن أعظمى، هند، المجلس العلمى، ج ٢، ١٤٠٣ ق.
٣٩. طهرانى، آغا بزرك، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، دار الاضواء.
٤٠. عجلونى، إسماعيل بن محمد، كشف الخفاء و مزيل الإلباس، تحقيق: عبد الحميد بن أحمد هنداوى، المكتبة العصرية، ١٤٢٠ ق.
٤١. عضو ملتقى أهل الحديث، الوفيات و الأحداث، آخر تحديث بتاريخ: ٢٠ ربيع الأول ١٤٣١ ق.
٤٢. عظيم آبادى، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبى داود، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدينه منوره، المكتبة السلفية، ج ٢، ١٣٨٨ ق.
٤٣. قرطبى، محمد بن أحمد، التذكرة بأحوال الموتى و أمور الآخرة، تحقيق و دراسة: الصادق بن محمد بن إبراهيم، رياض، مكتبة دارالمنهاج للنشر و التوزيع، ١٤٢٥ ق.
٤٤. قرطبى، محمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: هشام سمير البخارى، رياض، دار عالم الكتب، ١٤٢٣ ق.
٤٥. قنوجى، محمد صديق خان، الإذاعة لما كان و ما يكون بين يدي الساعة، بيروت، دار ابن حزم، ١٤٢١ ق.
٤٦. كتانى، محمد، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، تحقيق: شرف حجازى، مصر، دارالكتب السلفية، ج ٣.

كتاب شناسی مهدویت در اهل سنت ■ ۱۰۷

۴۷. لکنوی، محمد عبدالحی، التعليق الممجد علی موطأ محمد، تعليق و تحقیق: تقی الدین الندوی، ناشر: دار القلم، دمشق، ج ۴، ۱۴۲۶ ق.
۴۸. مبارکفوری، عبدالرحمن، تحفة الأhoodی بشرح جامع الترمذی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۴۹. مرصفی مصری، عبدالفتاح بن السید عجمی، هداية القاری إلى تجويد کلام الباری، المدینة المنورة، مكتبة طيبة، ج ۲.
۵۰. مروزی، نعيم بن حماد، کتاب الفتن، تحقیق: سمیر أمين الزهیری، القاهرة، مكتبة التوحيد، ۱۴۱۲ ق.
۵۱. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال فی أسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ ق.

